گنینهٔ دستنولیهای همپ لوی و پژوهشهای ایرانی ۱

ب كوشش وكترمحب مودطا وسي مُوسِّسُه المسيالي « دانسگا تھي۔

IR PIR 2065 ·N41 1240 y



# سراغاز

وجود من مندشته نامرار پر رئیت ماز د مایسرمیانه د بارتی ، نامه مینومراوست ، ا تارماز ها مانو پارس زبانها ربارسک و علوانیک شغدروترکی حینی قطرو کتابها رکھاپور = بارسک جندركة ماكنون محامر مانده ند، بهد ولالت بروج و فرمنبك تمدّ في بزرك و ورخشائم، ار دبر بار ، ورسدرس ایران بزرگ میند که بر یا به نام فلسفدایرانی وست وار تعبرک . علت برحه باشد بسباسی القصاء رویا رخباعر اتغیرخط و ما بهرانها نام، تعدرتم این کر است. باربراز در از در در استانی و آغاز دورانر اسلام الران ازمیاخ دفیات ، وعتر و ا ؛ که ارستبروز ما نه رنا کی یافته اند درموزه کا و تمانجانه کا تم گرود پایشتبر درمندوشان و در که بخانم پارسیان نگا مدار برمشود . اینه است وانندروشنگرزوا با برناشاخهٔ ماین و فرمبک باشند، واراین رونکا بداربروچاپ انتشار انها وسویس واشمند اسر میقابله و سیمج و ترحمه این بین كه مارارشاخت شيشرابان رمان وعنامرالز درسار مفاهيم مار مركيند، مرما واجب است. وبازاراين رولعه كذبه كالروو والثمند واجبنع استباد وكترفاهها رزابي ترس مُوسَّسُا لسا

والشيكا على المراسية المروكة الرار الركدات بنجاه سال المانه المحب تنه دو د ما يحلوي شا دى رواز رواز بنبان گذار آن بنجا بنسخهٔ خطر کلیور لا ارسورمُوسَّسه استی وانسگا به پورهایپ وسترکننم ، این شنها رزول وجائن بذيرتيم .

این نجاه جبرگ کلیوروکتاب بارگاه رضا هدیه نانی کشکه در این نین ملی مرکزارکن بخاه الشابشاه مهيورا فروتن ببيره وشانشأ وهر داست لنيرا كالهابوروسي حصرت تحبانو فرح ر ياست عالميئوستسر اسيائي دانسگاه الارتقام ميثود.

## وسياجه

موسد اسیانی وابت به دانشگاه بارافتجار دارد که بردکد ا نجابه ین رشانشام دو د مازهگورا، مجموعایس در نیجا هجلد، از دستنوسیها کس بهاور وادستانه و پژویهها رارین حابب کنیز و به درستدادلاز فرمهاک و درست ایراز نقت دیم دله و .

روب برست مروم الروب بنصدور شد شانشار و اکروم خرار المراس الم المروم خرار المراس الم الموشية الما المرحب المراس المرحب المراس المرحب المراس المرحب المراحب المراحب المراحب المراحب المرحب المراحب المرحب المراحب المرحب المراحب المرحب المراحب المرحب ا

ببشرف عرض شبابوم فرمنك برودابرالمن رباست البُريَّة مُرَيِّتُ مُراسَّة مراجاز فرماند تاموت، آسياني بذي كارشاكيت وست يازو . جناب قامردكترفو بيناصير بايثياني كشاده واعوشر ماز زرين ندشه استقبا كروندوم لاتب رايشرف عرض ابورار الزرساندندود بربر كلزشت كومن مان على حضرت شحبانو بديخ كاربك شرف صدوريافت بهُوسَّهُ أسكَّ ابلاغ شد شورارائت والرمنوسة استياً، بادلهم ازم خاندك ، كحشن كدا تَا تِهُمْ رَأِحُ بِلَا مِروم لِيرِ لِرُ إِمِسَالُ رِكُوارُمِيكِ فِي مِلْ الْمُحَالِبِ لِيسَالُ رِكُوارُمِيكِ فِي ت نور بها ربها و روخه آول بمت قبلاد له . کشور رکه در من بن رم کشور در کم مین رم کسور دیمرسوا به دستنوییها بهاور واوست الی دست یافت کشور مهندوت الکت مرحید بدنجتا نه مهواركرم ونماك أسجابا كانست وكاغدرا زودكمنذه وتباه مينارد ومربوسة در فهرسرکه جشید کا ووس جی کا راک به مام «مجینه نامشرقی » ORIENTAL) ت (treasures کر داورده و برسال کیزار و بهصدوی رومک میلا درد دوبراوی

به جایب رسانده کت، از مشرار مکیبرار دستنویرارانی و مهندر نام برده که اکنولر برخر ر از انها درمیانی رفترسته، واین، نه تنها بواسطهٔ اج مهوار میندوستار بعصر ملکه به توکر وما دانيهم در ما بعد آنها بهراه راسترا داشته يمك . گرد آورنده فهرست با دشده به نگارندهٔ اين طور سين : "سرس زعات أن فرست كذام منا زار افتاء كه خداوند الرصف چندخ دستون علوم واوست ته بعدم انها را دیده و پژومهیرفیام آنها را درفهرسم آورده م خداوندخانه بجهام ديرست افتهجون ازكد بانوسراغ دست نوسهاراكفتم، وترانها دااره ويند*ار ورابر كندمها دابركه بايره نامرانها زير* باسفيند و*رامر ومركفا هربز ركشا رايد بار دياسنيو*. بارين مهراهم اكنونم، چندين صد وتنوس اوبرواوستا در مهدوستانس كه تقریباً همه از و روتنوبها كهنة تررونوس اه ند ببشته انها روگار ازان قابخانه ناکس شخصر بعيره ورفقه رفقه برتمانجانه للرغموم ومُوسّات الله في قدّند تا بشيترو متبراز انها نكا بدر تعط وكمسر دم عرض البعة فراكد كريد وراين قيابخانه لا ميتوان كتابخانه مؤسسه شرقى كا ما وكتابخانه «نخنت دستور ، مهرجی رانا » را نام برد کهصاحب عموعه نامرگرانها ئی اروتنویسه/ پیاوتراوشگا

باره اراز وستنوسر فانیز توسط شرق شناسانی به کتابجانه فاهم اروبارسیده که محتمر اروبارسیده که وست که توسط که متری آنها می محموعه و ستنوسها براوسته او به بور» دواز ده جلیر کرینهاک است که توسط شرق شناسر بنام وستر کار دبداروبا برده شدو جاشین او کرسین سن محتم و سترگار دبداروبا برده شدو جاشین او کرسین سن محتمد این کتابها اکنونسی ایمیاب و جنم محمد این کتابها اکنونسی با کمیاب و جنم محمد از ناما باست .

برارانجام دادخرمان، از دوست دانشندم وستورخبر و جاماس آسا، دور بررگ شهر مبر ورسری بخانه «مؤسسه شرقی کاما » با رخواسم تا از بهایت امنار کتابخانه ه «مؤسسه شرقه کاما » و مخست و ستور مهر حررانا » اجازهٔ عکسبرداد را در از موندیده رهیاو شیان دارگیر د واکرخو با درست شروستونیده براز زیر دارند بر آنها سفیراید ، کارگزیش و سنوییها براکر عکسبرداد بر نیز و برداگذارت درا ترخیامتم و میبوم دارند کرزنید ، این کار به و شواد رانی می گرفت چه و به تنویسها در طرف بهایت امنا برقیا بخانه ها و خاندان انجلسا ریا دکه حب

گرفت چه و به تنویسها در طرف بهایت امنا برقیا بخانه ها و خاندان انجلسا ریا دکه حب

رست نویس این محرمی میتانی به این کست ، تنها به ایسبیر ده شدیدی ، ووی ، امانت وارد ا رنج سفر رخود بمولد ساخت با و وجا مدد ارز براز کتاب به لیراس آمد، ساه تام ارما ماشام، ورجایجانه نامردانشگا کالورشیراز و دانسگاه تهران گذاند و دریمه جا با دستوسها مهرا مع من وسي المرادر المراسية المسية نيز مهد جاما والمريكام بوديم ما كاعكسر دار المروح وروسيول در بي وربه بندوت كونتم ما اينهم الحام شد . نا ما رنز ربر وسور اسموس شاه والسكالينها نوشتم كرا جازه تحديد جاب وتنويسها ركمانجا نه كفيهاك راز ما تنرخستن نها - MUNKS GAARD گیرد، اجاره گرفته شرونامه ی به جاسب رسد. مُوسَنَهُ المسلِّعُ سياسٌ ورو وفروالر خصوا بريشيًا بنهما نور فرنهك بروركم ا فر الرحمي أن افتحار الصيب ساخة ، تقدم مردارد . ازجاب قارد كترفرمه معرئه سرداشك هويركه درا بيشون كارازيج مار معنورو مادر بغ نکردسیاسگرارکت ار دستور تحسروحا ماسب ساکه مامار روبرحاب من محموعهٔ سنجاه حلدر مسبورتو و

سبباً فرداکت.

او زیما یافت سباسگزادکت

او زیما یافت سباسگزادکت

ار زیم یافت سباسگزادکت

بست و چند جار ار این مجموعه او برای از این از است و با برای بردند بردند این با بردند و با بردند بردند بردند بردند و با برداد که برد که

#### ييشكفتار

دستنویس T58متعلق به کتابخانهٔ نخست دستور مهرجی رانا در نوساری است . اندازهٔ آن ۲۴/۹× ۲۴/۹ سانتیمتر و دارای ۲۹۲ صفحه است و بر هر صفحه ۲۹۲ سطر نوشته شده است . کاغذ آن اروپایی است و نشان : Charles . مفحه ۲۹۷ سطر توشته شده است . کاغذ آن اروپایی است و نشان : Thomas London 1868

ابن دستنویس که متن کامل نیرنگستان است به دکتر سر جیوانجی ج . مدی ( Dr. Sir Jivanji J. Modi )

ترجمهٔ واژه به واژه فارسی آن نیز در زیر هر سطر داده شده است . پایان نویسی به فارسی در صفحهٔ ۲۹۲ دارد که می رساند که این دستنویس در روز ارد (ارشیشونگ) ماه اسپندار مذ به سال ۱۲۶۰ یزدگردی به دست دستور رستم جی دستور کیقباد مهرجی رانا نوشته شده است .

در بارهٔ متن به کتابهای زیر رجوع شود:

Handbuch der Orientalistik IV, ii 1 (Iranistik) از M. Boyce Leiden/Köln 1968 صفحهٔ ۳۶ یاداشت ؛ و صفحهٔ ۳۹

\_نیر نگستان چاپ عکسی به کوشش دار آب . پ، سنجانا و مقدمهٔ همو چاپ بمبئی ۱۸۹۶ .

شرح این دستنویس در فهرست دستنویسهای کتابخانهٔ مهرجی رانا ، نوساری فراهم آوردهٔ ب. ن. دابارچاپ،مبئی (۱) شال ۱۹۲۳ شمارهٔ ۱۲۹ آمده است.

#### ماهيار نوابي

1-B.N. Dhabhar: Descriptive catalogue of all mss ... Meherji Rana library - Navsari Bombay 1923,129.

63

^

•

### اللاما بهذ معامر سراهد دوا الهزال

المعدم فیق ها همانه اسانها اکبلت عبه اسهانها از بن اور سر المال اعدى از بن اور سر المال اعدى بر بر المال المالة الما سلو ۱۱۹۱ ایع ثید سرسه۱۱۱۹۱۱ ۱ اد برید عنه معده۱۱۱ و از مردن و انور دیک نهادن و تا جوش بر آوریو ساسه عه اساامان و برسم بون از دیک بر اموردن ا معامول سے عدما اجدمد مساامع جون نؤسندہ کی آباد و دیکہ ام چون بیش ہویں 

1.

ساام ساعال تبوخرى بها بهد معاسر سامه واهل واله دادار نادر کرفدکر ויונקני निर्वकत्रमा तिता कालका केलका किला त्रात्मित वितान वितान وع فام یش دعان آروی اد معك سي سرد ( اعه الهد المدرد الله المعرف ال اد ماي الله ومنطاداتها سه ۱۵ منصوطها اط جلي मन्त्रिकारहेश का ता निवात क्षेत्र किन्न ۱۱۵ سیکسویا سلهام ماه سیم طالعا مودما کو رسی نوابش نر ینے دوکان دولت المدد مس المسال المسالم الماد مسالم الماد فلادافعا ا تلاما مداو من معدد مادامدا والله من دو كس توان المندن بر دو مارس، اعطاماء لد صعفهد ساعات سعم اعطاق سعم طالسا ف پند که مؤد که رویمان المم المصارب المصادرة 111 Improduction and mother negal codes فااصل معرسا ١٤ غا خا سع ملم مدوماددماما فامالا

بینے ک اوستادان کردن

المه صمور ها منهاساً متعااملاً भाषा melne Am mad negateralm! الس مهرالمها للحمرار امرول म मि किस्सा कर ہم کرہانیال اوت رويد الش شاع كذشتن المادم عم الله مادة ماداما مهد ها يعدما الح بودن العاصها الله المواقعا عال سف ساستعمام الله الماقعان الله من مرود مستوااطال مطالعا ரிவகுள் காள் கொளிக்கிரு ساسدد بيرا. • ١١٥١ जन्मा का हमार विकास وہنن یہ مراہ نوائش المِسْلاد المستخرد والم المحلف مد محملاتما عملا ادل این جول اهر المحمد وعل علما الله المحمد المحمد المحمد المحادا المحادات المحا ہت کہ ایدن

٥

.

1.

علم الر معروم معمله فاطال واطال . اعمريد ادعادد كور بعد العدي. او ادمستادان کردن وعاد. الله معادو سر دورها الله دورها الم این روبر سى د مادى سى سى سى سى سى د مادى سادى سادى سى سى د سى د مادى د ماد پون کیوان سم بالمار الله بحث الطالعا عمدا مصلما مصلاالما الاروما روبد چون کیهانیان سعاد سع سامعماو له جار مستوااما مساامها o monomon - est pomenta of the monor of some of the sound درست این جون سعم ماجعماله بحري مهم سال الس واحرم كعم ہمت رمین انبر کے الماله مع الما معلم المالم مع المالم این بردن این عمده او مواهدا ومعلومها ماهم شعاد مد ومد رس ما ادم هو مع مد عا معملا عالم في الموادم الم دويد اين از این در کسان ادير مه دوموسو و معاملو و معادد الما الماد معادد الما الماد المادون ال انرازه Julynoemmuniture . Jrs 1 1600 1161 Imbrotofort dentro اوستادال 

سه دس المحدود و المحدود ما الما و المالم ادستا بون دېد سهم سوس جائي عسو ادون ادوم . كادمانه ساستدور با سرااس الموم ، مستواهم ولسفافه استرونيم. المعام علماس مرين الما المام ا جار بهم اکترام بعد لد. مستعمد دم دراع المحتمدة على درم دراع المحتمدة على المحتمدة المحت ان برد اعجاده منحمون لله اعجاده الهم بعضوند اله صلمهد لد المحادم باعا مسقولد المحاملة ساعاما فال سعمرارا العدموسو بالسي داد بني است المراماء بهم هذا ودماله ماسد عصدا لد مستمرة المراماء ير وسطولا این که او رئیس یا مناع اللادهاو جا الله 

مدادم مادم بأدويد ١١٠ بر ١١٩٥ بد بدم عا بدمااا بوید بون در چنر این بهت کم ایدان می ایدان ای معطاه موحده المردن الم عادما بيت بيد عبين عامين و زیال رو بعد الحيد المعدمات و المراها جاد سع سع هدم بهبردود ساب دونم بند ، مبددماده دیگر باش نشت بین سه وام دوانها ادم علم رام جال عسعها ادر الله سعما ا الماها العام الله المام او کون که بخر نیت انش او وادن بهت نیز از او وادن استان او این از او عادم المام الم

۵.

ه (سررساساد (د ع) ول endings. سنب وا ۱۱۱ صروردم الورنان ها وطسر الم المسرر ودسم. مكسم ما المحاج وأسد المداله كرام المرسم، ا تورمال كيهان مار سعود اها سعوروس الله الروام ١١١٩ كودي ار این در او بش مویم راه الم عس الما المحدد - तत्त्विनित्यीत्ती हाना। 15यानम · Februr & horring . منساسا ماده ودم ماهم مامع month abount on مرداري ممامه mind deson month on Intom teets with تنامع פאקבאנט سمرهما ومعادا فامادا سمالهمددسد دسمالم ماهه 100 ماسم Troins 11614 Imbragan فتعطيطا دتمتان به مراسمد وادره (وط به به مراسع. سهما Jana libra and سستماو 11819

فامالا الها ملت مد مد مد مد مد المرصار مال مدام المامر شمار بین که دشتان ا دار عامه کر کسار سمامین اسمامین و ما کد داماد ر سرااص محماها محمدا المااصل سامام مامر ہمت کے ابدون کوید فاهل المحلم المالم علم المالم کہ ہمہ الما المستما المستعمل فاطال المالك جفري إدمها معرصات كرون كنند أن نير سميسها اسماح سرامان ولل سر منها المسر سر ما ماما ورون این کین کار این از این الاد بروید سی سیم مد دیسم سیم دیسم سیم let किर्युत्वे क्रिक्ट खर्मिट प्रमान् Hon مدمد، مسفسه همامدودهد، مارسد فسه دومد مسدددهد ، مهما me nomental my ट्मिका किक्त के का سملا ۱۱۹ رسمر العماسة كه مماالمها المعاصر निर्मात्म १६ १६५ म्याप्त

صعراد عددماره وسطالع سوس فيهو عنه لد ومدمادهم سود وادی سینن کنیده ارس بیدایش بر سود سهم سوسلو می سود می سوسلو می سود کلید محدهم اداده سهم ۱۱۵۱ سود کردنک کردنگ في المما الممامة المام ا ک د کان دوز کر او دل א כאנע ما معر اها بعد الله ما المعالمة مع عدمد ومد يه اين جاي بويد اين والله كو تهمون معرفه الم ليد ما الما من براز ز مطاامع معرفااه الما سافعة سد رفس محملاا مطاامع کاد یہ نولک این ترسیدن الدون برید عماامه سعماا مماادم عما ها الاصلى المعمم سمالمه يويد يحل از اول كه او ظاير ع مرادم وزر رام کر اور مردری عقو معلماالی

والد ما و الله عالم ما الله ما الله على ال مع دوانهاادما سط مهمون عدد مع مان دوارا معلم المعمون كر او الزر مردارا مااد بهد الر صاده العا عما صادما بهماس عا تن دور او بويد اين كه يون بريد كه او اندر ماصوسه عرف و ووما ادما ما ادما ها ماسه مد موساد بوید اندر جایر این فرمان فسرد المحال المال العالم المحالة المال المحالة كموا اله ما من والع المن عدا الله عد الما الله عدا المعما که په دور او برید په نیز آن اسم داتور الله عو الما المعاصد المعادمة العر عر الما الم الما الم الهاسه ما الد من الر ال عليه دور الرا الا عليه دور المرادم الله ما الله المرادم الله مع ما المع المحتصل المعام الله الله الما المعاد المعاد الم

1.

صدادما مسعر مكم ١١٦٥ ومودمادامادا صدادما مك مهدادما کاون נננ ~; أومر कित्राह्म तत्त त्या किसीर वि तत्त तत्त्वार्हित वि زن او الله عدما سمه العرشوس سعم سعم معمد معروما العراسانالها او اوار لا عم دوالهاادموا س नाम ।।। प्रा روس المهاصلا وفيطاله عمه دنسمان ماو m marin , la monterer मिस मात्राकाक केमित رزيج يد موجودي. و معاملاً بيكس سرد ا دمتمان ه مجب و معر، سادد مدمومد. مرفع اسدد مدفسهمد. مراسمهم. مراسمهم. مراسمهم. مراسمهم. مراسمهم. مراسمهم. مراسمهم. الورنان (نىوىھىيەسىد. ا الهاد جودد معالمه سمسها الله ديري بج سن ا بهد معمدارات اها سنطوس الله مهدما والمورار ب . निकारमा निकार्त क्षेत्रक क्षेत्रक क्षेत्रक क्षेत्रक بس ونار يعيم مأفور فيراادم فيام ولساسد عواميا ه ددانا

سه الم ا مهم الم ا me men اور معروما المال المرادم مؤسر المال المرادم مؤس المالا کس این او اولسنادان كردن رويد اركس سجنيمه وأسد بويرسكس بموتيمان بهاي الهددند م سال عادام الم الهاد سد سع عما لو الله سلطه سع الموا لو الله الله المحافظ المواد المعالم الم أو اولسادان اصدفعالة المستعاليد سافراد وداردم و الراب المسادم مساح، اصالدد مسمر ما مستدر هاه مصيدهمام او بعدم ورشک فراز سرایشنی नाताम्य भाव क्यां क्यां क्यां क्यां क्यां क्यां مركرحان عل مه معمله المحملة المعمل مما معادماد سع عال 1. ظاہر آن يويد که داميده سي ک المحملة الماعاف عمامه مام المر المار في المر المارك مما المر المارك ما المر المارك ما المر المارك المركبة المر له مااله سامه سابه الله معطورا مااله مااله مواسل له معلومه الله معلى الله م

ها مرسم ماهاسک مام مصرف علاقها له لانها لانهاد درانا عامل بساسر ما الما ميطاما المد رساسر ميطامه بيكمامه دنس مختيدن سوس من ماالما فيطامال سف سفس مم مماليما دادن عمامه ماهم مع ماالما ومعادا محمد موسومها توان دادن ارخی هما صور ما الما معرار ، موسم معد مدارما المصفر 18,2 دادن العدم المحما عما الماالج المو المحال المحالم م ح کوند يعين دل الله فيما يهمان بيوس ميس مارسا فيعاد اول مدهندم تران دادن او سأسم فسر امر مماادم معلم عما مماادم عما حد معلما من المهاد لله منهما الما المام بادرهاد والد جاي 1 فلاسة سيم من في المحمد المحمد المحمد الله سدادي ع تايد נע صعاديمه ماصور اسالال محم عاا مدمالا كالاصا ماعاط ہت کہ ابوون العالمة العات الر الحورما المعامد المدمم مفاها وطالاها والمال دمین که او بهت سيد عسمه و مرحد مستوسس الله سامامد معاصم 11 8 6712 فلافسوسم

angien ien 7 leh. عروس ، عسماميس الخلاقا وسامع و سرعهد الهسامر سورمورد وليددور س اس نجاز اين मिकारा में निकार निकार है। ल तम भन भन ता د امر این خانه و امر این िक कि तेटु कि भी क्षि نغ واندر این خند درا ولي مهدددسي سوسها الهاسس الس المسوس از اوت ن سحمسس معطرهم عملاً محملًا الحمد مله مستعر عا جار محملًا عا عمله المراسد و معادد و معادد و معادد دو و معادد د وادغ واونا لمهم المعاما همم الماادمان والماادمان

من مرضا الها العاد الله المحاسدة المعام عل المحاس المحاس المحاس المحاسبة 1.6 ابن از اولتا ظایر آن بود که اولتا ظاہر آن لعمام عادم عدم الله من الله من الله من الرس ي AB تصمامة الم تشريعام منطاها الماادم مسكم الهد من لینے او اور ایکن صنعد لل ١١١٤عم سهوند ولاسم صنعت والله ولاسم سيم ودوماآل 6ाम अर्थ तक कास्त्रीतता कामाना। तथा महक्ता तक के الله سامه المامه سيسع المتعاد شعرمهماملا سملاميس الملاصمة سمعها المددو لاعلى الدون که آن کولا سماد علا احر الما بمأداده تحد عا مها ولمه (ها سودهم عمد مصله معلم است العا معمل جدد ماعا ر لذ برت ان این لين او بن به اولتادان كردن كتى 31/

of mine mon mondand of a soul cell 6 the medill الدون يادشاه يمن ب يراد الادن همهارس سعاق و مراس هستسلاده د درگ سود مهداسم. هست م ان ہی ادان مان راه ان چه ان پس په او ان پادشاسی عمه مهرمه صدااما ا مداامه على بحد مسم معمله محمد بودن بوید از آن یس ظاہر تغیی سمر ها محمد مد مساملا ، مسردسم سامداهر مرفاعه. داتتن هد مع المعرب من الله الله الله المعرب من الله الله المعرب الم عبه الله المعرب الم الله سوراط ما الله المسمادم ما ما المساعم عادمه الع ا والمعاللة مع الهم سعام عاديد الله فعرابهما سمت حبد او باس ورند دد به واس واس داسيد ورد و و د امر واس سرد به ا سد ماهد دسود و سوروسط. و ا عاديم الله المسلم ساله الهاا ماما به ماهد عده وديمام مدم ماميم ماميم الماهم حفلت خصلت بر دلبدن معادما مستور الا مهمور ما أقدا ما جسر ما فد الم معر ودسامه سعط فامتطا العام شاهم شاهم شافه الر مهم

سمهمة متعلاا مماادم عما المد هالمه و باع بمهماسه ان آران ایردن بوید یون مردر جران سم اصربوده ما مهم داله عا جد الله معمدها وم رد از ان به بالد مسلمهاهم ساعام اجسم اله معراما واصعادا العصم 536, المام المعارف الد معراص و الماسد المرد مع على الماسد هسراس اعسدماسدماد. رسمار مساهد السادم سعدماس ستحما نزدمک یس اد من ها ها يكون عابد إسار عد سوس عامه سوس او أراض به این كند اورك داور این سخن این الم باهام بهماروس بعدماسة محماسة محماسة اله عمر مهرس سعدم طها صحدادم اوس ١١٥١ طعمها سي افدهان سيم ون سيم منه مدموس مامراويو سال بيوادرك س بعد المساعات بعد امر المعابسا بهم المن فسرص ارتی او کرائتن ادلا لموم سه كد هذا الله بي عقل مون الله المعادد الله المر المام المر المام المعالم المعالم المعالم المعالم المحلم المحل ارسی او کنابی رونتی گفت بمت سِرادر)

سمعرس مرسوب سهمع امر لدس لمد تصمرسه ا الما ماهم المعاصل المعاصد المرام المهم الحمد المام ال 51 ست جد ها اولا جمال الماسر به فعوادم مسع ها عمل ها عمل سارم من مراس سد الله اله الله المعلالا این كو ساس ادس مدم بروم سرباوي لله اهدماسو ا عا اعمامهم راسي محمار مماادم سه नामा-९५७ नाग्रक कामा االد واالما مذيراند. الله عو عالم ممالهم الله . وعالى بمراهم الله المراهم الله عو عال ممالهم الله . وعالى بمراهم الله المراهم المراهم الله المراهم الله المراهم الله المراهم الله المراهم الله المراهم الله المراهم المرا الما ماسة المعملة المعمل مسه الما مامهم لایق سال الى الها اع ساب معدة المحمد المال مالا مماريمة بحد ارجاد رواه الما والم المحتصر والمارية سسهد ساد معمارد مادع

سدم لدم سهم صد لد الصرادم ۱۹۲ سده هال سددهمالد سرهام نها احدید سا سکی بابا بعدید وسک سرد سرد سرد سرد او دومد از دومد ازارش کار مرا کا و دو و دو درس کر نزدیک سعم ایت کر ایرون العط ساعاط عجوم في مدر وسر وسر وما من مدرد بسسم معدالحدم. المت خردی کار سنت اکر ایرون ان الطبع بداد وولام دع بسوم لدد وبرمد أب الم الها عَجَ ابِي مِنَ ابِي مِنِهِ مِرَا وَشَا ابِي مَنِهِ الْجَا الْجَ الْجَا الْجَ الْجَا الْجَ الْجَا الْجَا الْجَا חל-פנה אחיופוני הרושה) - אוסחל-פנים אשריה באשריח ברושה אות بج

> ر عد اهر ان او

14

د ام ۱۱۵ ما ۱۱۵ ما معمد معدوم معمد معمد المعمد الم باز سمد مسم وأسن مسولان علامد دسوره على واست علام سدد مرفعه واس بل مربيره الله ماه ماله ماله ماله ÚZ कार्या कि कि विस्ता तिकार ते का का का का का का का المصروسامة المحظالهم المهم المسادم ددسدوسسهدر واسدمساد بها والمستعدد واسدد ووسد ورشو کد الهاد فیردهاسا س سد سراه کو اط آن او دیرسفان یا آن او anomotion 1 sepal noigné lir montral اديدردميع، سورم سعوير. سعدم أسدد سوردمد. الحفي سعد أدمد. मा। ॥थ worther mender with print orthogramson همه المعامد المعامد المعام والمعالم المعالم المعاملة المعاملة المعامدة المع ومرير

موسم. و مهم اددد (دماسم اعتمامة بحد مهاادما المها monto Ad por medical noncial noticuly feal norm مراانها العالم ما ما ما ما ما ما ما مران مرزان از الله مرزان الم سعد الله محمد الله محمد الله محمد الله محمد الله محمد الله دنس أدنس باز دادن برا المساومة المساومة المرابعة المساومة المرابعة المساومة سوسرماند بعد نظم اط بوسعد وسراادم بدن کر او گردنان را او گردنان دميد اين ک او جردمان صرااتها من ماهار له صدارها علما ما صدم الله عدادما مهااتها معاطمة فالماء الهو له همدفااما مفاهااتما ممه

ماسماده ادم ع يد مامه هدمامه فرمامه المرسم الموكد-المد از آن ظاہر سهاس ادوبهراس اط فردم کد مااله المع بادرسه المارو ولاعام -أرتى رنى ात्त्रमे जनाव्य नत्त्रमा त्रथित जत्त्वतित्त कत्त्रमत्त्रम दिल्ला। ومتور القصر ماهم ساهام سا مدرسدسات سلم والد ير ها س نیک بردراش 12 / الو به به الماردما الما مل الم كريم معم علا محملا كالاحط علم له مهمع الاصدادومالا معم سه طيدور سو فيها الله اق فيريث معاالعا سهم سؤسه مد الله صد مام مام مام مام مام الم عمل اوربر الما المعال الله سف ما محرك الها الم سحم عال مع حد الم الهمها الهمها الهمها الم क्रिक्ति क क्ष्ट्यम भीय क्षाल्य मान्त्यह काक्य ज्याच्य प्रमा विकास विकास विकास مالاصا المعمل العامما المعادي مصم المعملا دوسان

ها ويل الله عملااما محمد معمار الله ماعمنهما الله الل اقه والمه والما عمله عمله الارته ا سم المد المعدم المرفي شريا علما الله مأما عمداما من الله الح وماسل الهد ما الله الله الما بوقة سام رس مل مرسم ملعام شعا كد معادما دم س مه مه رونش بست اکر أن دامید معدم الله معد الله معمد الله معمد الله معمد المالم المددسم المد مدوريد المدماده داهمور ووسم. تحزابد سال لمله المالما هدو المالمعملي المنوله ياق مالم ا وستادان سال مسالد کدر العمام بعد به و العمام معرف من زاری عزد العمام عرف التران من التران سكم س بهماع دساع و المالي الما ما الما سنة بهما سما الما الله مهما الما سمر دانيد العمامة المحلة المحلة المحلم ا موهدد سورمد.

اذ ببر سرور الم سه اله المال مالهم ماله المعمد الله الما الما فرد ما العرامة والمرب والمربع والمربع المر علماما موایدادما سمید مستمارام میدادم یع بحد مدسه معتمله وم از آن Feomona in By more colored. Possion on Bernonne العلم المالم المالم لله العلم الله العلم المالم الم اللدود د المح صحارصات لمد معرفال ماهم مل له صاراته معمد معرفاا بويد أرض كادن س مرسومات على المرب محمد عمدمادد جالا رس مرسومات سع مويد الله معدد المعام ععاصه عا يمم م سح 21 دمور سعاب الله ولادون له وسوااماا سهام عد له وسل اله ستحدما ها مادسمه ماه ها درماره عدم وها-مادما خوینے باید بالک

الله المحمد ما ما ما ما الله المحمد ا ا كو مالم كم أو مرااو عبه سم ۱۱۹ اها فرماوم بالأ سلوان السر 15 عسما صعادهم استود سلوااهاا ميانه دمهادام عامام سحم محمار الله عمرمها او thos ohe bouch with teets with elle عا كد ماسة كد سدمه مهاداتها عدامه سامعتماد آن کس 66 न्त्यित् अन्त न्यद्गात्म سدواانه اديها سونه سهم الد الر ايد بهام حما الهاا नेय ते कार्य पत मेरवात्य कुलुमा वि क्यात्य ताभ्य मिलि مركزان ميس كردن الم المال المال المين المنيد صمااصل العامما معاام به سعونا عرومنا مله عواله Mer marced man doronte صع داماد معدمات غارت كردن כניעט سمالهم اللعمة سم اللهمم سالملمه ورزيون

سرماه بهام مصحفاد وبدالع الجوالعادم المادا مالات سرما فال يمر مام مام مام المام الله مام المام الم נפנע *ט* طورها با سو عربها و سو بها وسو بها الها الها الها الها الها الم فرمان مركزان جددين त्रिमारम प्रकार प्रमा १६६भर मर्या क्यारप्रमामा همسه بعد العاصما كد ماه همسه بالركامكيم علمام عدد معدام الملاف اسد (بحد سدد معدم عدم معدد معدارسع معده (modes) Per Concentration of the Sule Concentration of the Sule. وروده مرسع والد بر هموسه مالد سعفالا نا فرمال وس مويد ا مسمر عروسا علم معاصما ا ممااها تزكزوان عروهما علم الع وسد سال مستدر مواه مسعم بعمادها ادم طرم سع ماسه سد سعم احراس

Inter mond stolled in sight mond grown مركرزان جددين افران يج علما هامه الر هودمه معمد معمد المالكة المال معمد معرفها ٠. صاام مل عرصا العام العالم الما المام و سلم صاما برت این المس الحو سم ساله المولم سأبه الله المهماء المت ابن 640 جه دائتن in sendition montered me regoderalul 1011 crad ر کوف سد العالع می معرف سیرمسلاسم المدی المرمس العرمس العرام المرابع مدرسها بادد مرم د روساند وسدمدد سددمد وليرسط مسدد سورمد مع عل ما محمد امر المعلما المحصوم مسك ارجا أسالما منهد او انوازه دید نیخے سع والمر ومعادما المن الله الما الماما سهست في - إدريهد دد ده سيع كر شهد دم ده و در و بدم دم دم . स्था के किया الاول دهم و معربه معدد المعدد معدد المعدد ا دير اين معاضر عبه شد النصابط شاف شاطة مامله عبه ساس المالياده معمل المعلل المالية المعل معلا عاملع عمو الت ک اوون کوید این اوون جهار مر سالا إل

ايرون me Man on low on monder of the monder of the land of the monder of the land of 18th - Pridin 11horn Jan णकः जिलक्ष्यक्षरकार मृहिस्किक नम्बात के के ने में के किया कर स्थापका انزر آن ايرود از اله الملاع هو مسح االد موسوم كه سيه إماله سرس سهم هدر اأسف مرس بارغ مواهدادما علم اهدا \* المرح ماماه الها مع الها فلامه محمله محمله آن رلمان 2 سام فصه سا سا في مس به المه الهدالمون الهم المعام المعالم عمر العلم المال المستوس . عمامه الله مسفسوسه ما والمادها ما الم این ہمہ مسرومات الله علم ملم ملم وماسر المالك ما عام المهم المسلمة المعلى المعلى علم على المعلى कार तीय तीत तृत्व कुत्रितरको निस्त किम मी المم دوارده رست

ת והחוהן הההשתח הה הופה הוה ו הופה הוה و این امیتے اراض یابی لهم بيد أشاريما بالم المرابض الموالمة دو كورنه م كنتن اين يايي الداره سلام سعم عدد المسلام المعالم الله الله الله المسلم المعالم المعالم الله الله الله المعالم المع اد جد بريد يني جرن بريد ک يا جد مسمانه هم المه المام الم داراتن ازاد رد کفت بهت بر چیز این المع من المعالمة الما الما عنه المعالمة مع هام ها نه تايد ايم الله يه جد دارلتن ايدون المادين تريد بت يف كر او سر بار لمها المال المحل المحل المعلم المحلادم المحل المحل المحل المحل فراز کوید بادی چیارم ا دایند کفت و دشی ها او سفلانه وعه، سماهه، سمرورد، الهاسي وي االه او دارسی که ایرون انجیان ب رواد ene hopen Mon Jubo - eleonn . eleonn . eleonn . eleonn نعك كولم الاول اوكتاد م دمهاالما احر الماد مولاله مهد فطمهاله المرابعا مادد الماد او ادی برتر سياها.

مان ساق مان المواد مع بحد عسادهم دوساس وسامل مان المان الما

عومرا له الله سرب المعرور المعرور المعرور المعرور المرا المعرور المرا المعرور المعرور

مع، واحد و المعدد المسعود مع المراد الماد المعالم المراد الماد المراد ا

العادم العالم المال الم

אה און אווי שחוים שחוי ופא ופ moghem miner men hen hench imperioris الهماا ماممها المعام العام العام المعاف المعاف المعاف नमा भगामिम मिस वस्त्रक ॥का भग مسرااحمر المعدرد المرق ستكور ما معدماد المع عمامة ما والمواسمة و مدة ما المعدمات الم امتعادان भा वि अ ६१ । तत्त्वरीक्यत्वीता اهاره بالمكام معمال المحمد الم بمبيج وموون الله عو يالله مالماله ماله والمواجد الماله مالهاد بع عالماله مالهاد بعد الماله مالهاد بعد الماله ال تمام الطومه سعماسرندد ولادماد. maken Iheraya المرابع الم الم الما عاده بالماس سموم المعام المام الم

السابعديم تعماوسوم والد بر المنهوسر وا صراب سال معداد افعافسهم ممكني داس فسر بهسطي في سد سرمه (نيردسم في كيس- اعلام ، سعد على مردع وأسم שא ייות חוד לחרה क. करानिरामान مسكاه ماهاس الم المرب الله ما من المام الم الطيع المسعدمان بالسرد بعماد سيدم أدريدمان ma all the stationar والمهاا الساوسد للد 1. سسع. مردد که رور واسم دی مدی اود سدد سالد دی دوری د سادد حمر الممالم المعلمة على عبر لهم مسرندد بردم، شني الداره سخن این علىمالادماس مسكم مله عالما المهال به ١١٩ ال Imbogan her om hynkam h

کردن کنوکار او ونغم ها السوس لد الهاام بوالهاادم بهمن والد الم الدن ابزم عادادم هد لد مااسر برهما لد عادما اسان هم والد بريه ماالما همااماا ه دیسد،سسم كمم معدد وهر ما الما معمد والمراه ما المعمد والمعمد وا عادما عامم موالم المالع ما المرااط ما المحالا این تران Thille - not maden to boilto pridon illes lealite چرن که او ما الم المحمد المحمد معلى المحمد المح كفتن اين دمنور كفت بمت على عد مداره شكم دوا ماالد المام مد المام ال ك نير النون توان سلمان ساوا الله وما السال ما واما كد سائد برمهل بالادما كد المادما وللسيط الموسال الله والعالم الله والعالم الله المال الله المالم الله المالة الم ارمه مرسما الم اسامه المعمل مسمامة المعافسة

مالهاسر سه سان شعه داند تعمل ساند شمله داند اصرف این म्म मान्यक्र मान । سي س ايدون Mercanetale. monnagion. العماد مع ما محل المحادم المحادم المحادث اس سأسفره عاسددس مأسد ساله الر مااصاص رسد اس فاسد سرورس سخراب واسد سخران واسد مرس اس ساسة ملاه معرصه ماله ماقيم رسه استها معملا سددهد وأستطم عاسد ( و و اله د مجاهس، مساعه الهدماد. मिक्किंग्रेष्टि मिल्लि मिल्लिम monthen. بايرازن

العرام سا الدرد معمد سيدم سال د مرد مرد مرد ज्याव काम्राह्म سعم الم فاعلا المسهم به المسامع ماللان عدد نه کردن وناه کار سنسا سدست ساسها اس واست سامددد و معاد و سعوما الدو ده وعاد ا مصمعامه وبه ماه به عن عالم به عنه عاصالمه <del>व</del>ण्टि أن را ب المعراس الله المام المعرام المامي المراب المام سفے کر اورشادان بريد ويعا- والم ويوليان ويوليان أ ماور العكام والمسماء سم فرند الهنم على العدول المال المالك ال والمتعالم المام المام المعارض المام المعارض المعارض على المام الما تا وز الله المردان الرود بر اين A تطالعها سامت سامه فا الماده الماده الماده مامه معمد معمد الماده الماد سامة ووهسادها ، ورسورسددم بسرديد رسيرين اده دوه وأسما الله عدد دوسورسدديد واسيرساء. العصد سرند مدلندم فراند او این مراند ستعاليد ، كد عكد الفي سادم العرب سيم موم على عكد المراد والمراد المراد ا

المرس المردان الد وادمهماسهر المردسة لعدمه سا عِرِهِ الله وهما المعاماة الماها الماها الله عر م يفي من اله مرد اسکاد کم دانند اطِدم. سير. سيد. سود سطك سام عرق واع في درطنم. ्राक्षित मिल्लिक में इट कालमा। किस क्तिक ला मान تغيير او په اين آن مختشان من بان كرد ابن از اوساً الما ما المعدوماليو ورد ابن ما ابن كرد ابن از اوساً هما ساقه المحمد فعلم المحالم المحمد المحالم عو عمالهم این نف این جون بوید म्ताम काताने मांश्रेस श्वितक्त्रं क्षांतिक तर्मा कातान तर्मा मांश्रिव तर्मा اد مدد جد صادمة معاماً الها معتمد عمدما ومد طالماً ، ماستساستدماد. ، عمدا الله الم والمحدالم اد اوي دوليان الما الم ما الما المرابع الله المرابع الله المرابع الله المرابع المراب مرزان او المناعم إدروالم بمستدماد عرامر leans non nh

اسع و ال که المعمل فی الم که سورهاس والمال من الله الله الله المالية المنطقة المنط وسددم ددويروعير واسطى ساد المك د المك الماسك و المحاصد مرك محم أن دادكم ردون بر மாவு. நார் மாத் முன் காகு தித்திலைக்காக الله أمالم عجو مصموم من المالم المال المالم ما المالم المالم المالم المال المالم المال المالم ب كرنت مزد ته ظاهر يف پائت به إين كرفت مدهد مسور سورسد عصراد سوهها مرسود مسرمت ورسرم دم عَرِدُ بِمَا الْهُمُ الْهَا يَحِدُ عَجَرِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّا اللَّالَّ اللَّا اللَّالَّا اللَّالَّ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الله او به آن دد بهت پون کار مدة واعد مراعد المعارد المعار زیان دس عدم على الله المالة الم م سطمة بيدمله المستر عمامه عمامه المستعل المستعل الما المتعلقا دادن ففرفان میربار جانید و بهت ک مرح ما المعالم على المعالمة المعالمة المعالمة المعالمة المحالمة ال كويد اين از اوستاي ظاهر ان بويد

الم المرس ومع مهم الما مما عمام چنر چنیر لد مارس اد ज्या कामिल गम गाम 1110 العلاما الله بالما الله الم الله الم TOW KNO 1110 صرحماله علم كم إيمام ها ممامة عامه مالما الممارية وس اله الله الله مدفااط معما الم المعال الماامط my leting to les to loss on men months of letin min رب مادما الما سم الس عرف المعادمة اد اله المعادمة عدمهم 110 411 שלפחוניםן مسى مسطو مصرك لمنط اعر سلطوسا الها عومد المحاوة 119 let blet host hos ilbanane annihis این الهماسد ليد إسلام سرميس المعالله عدمالات سركان سرماار سيوب معدد العادد ساله نظما سين او واتر عمريد المنطوب سامه اله الم 116

makeyon to had had hade hade le monking االعميس من المعاوم الله المعالم المملاد المعطسد، وأسه عاماد (3) وعسد وأسه مع دهد معاسد ما دماده تنا فركان مد سنده مردم د. الحرم . سندم رود مردم د. عصلا المر الم مادوهاسا بمان اعو بتأسور بمان اعرد ماده السرفيما الا المعربية سمندملامد شدوماسي بياس به سدوماسيما . ساددي س عسم الح أن المعدد ماسك والدوديو سورماسهاسد. ان اوشان निकार गुर्ट 1161 नाम केतिकार्ट जाकिका कर 116 नाम कर ركرزان ابن كه مسطادم سله مسالم الم الهاد عروسا ها مد امادهم دمیند او اویر مرکزدان له وسرومات بعما المال بهم جعمالها ادمه طوم سه مرهاس طادر کے بار المرق كدها العلم سي العلم المعالم المع مرح مدفراهر المماسيس معلال عمله المال المراهم فالمالا دادن مياز THE CORD MEAN

برورد علم معدمه اور ارج بري فراز ۱۱ موسد علم معدمه و وزاز سب سارسد به المستوريم و معلاله ما المستوره الله 1100 . أن أن أن المراب به كون المراب دورد درد و فرود و الم المراد و المرابع الم المرابع ال سیم عودکرام ۱۶ افهاد ساهاس ۱۱سه مهسده سام اها اهاد مان فراز کرد فراز اور فراز पानिताला । मार्यानिक्ष्य क्षिया विकार क्षि । निकारिक الم الماليس على مدولساتما متحمد مده المالي وهم ملاادم سا اور ا :: او سروارسها که یابید بنے او کنیار • العمل المام الم 

مواصه مامر سهم مامولهما رس مالا المه مامدسالمر نه اول و ائس کنفار 16 21 علمه ما رس مصحط به صداري معط ميمساسر الله فطرا الله را آوالد أن بود ک کمنار الله المبلا سلط مصما الله فعرادم سمد سار اعرااا ... المريخ بسي مكم بالمرملة والماد وردمة والمان والمراهدة ام كاد فالله سه اوا وصعا بد فيدوم عواد ودوماار این ذارسی بید دستوری سرمداع، واسد رئيه. هرسد رسمن سرد و برسويد. م سرال نهرس • ज्ञासिका कि निक्रिकार जे निक्रिया । ماىداددمل سياددمل عرب محدر عسى عددسة ماسمد ورسود سرسردد س ميان كومد عساسمورد وأسد داهد وورد ادرسمامور عام واست المردواعكى المعاعدة क्र कार्यत्व क्षित्रमा तकत्त्वीतर् वावावा। त्तात आ क्षि कर ہم اوٹ اوٹ اوٹ کے او لو الله يعد عسمه المالمة الله المالم عممه الله على الله ع سنحن ۽ بائک سينہ والعلم المالم واله والمم ا والعلم عد الممال ماهم سنحن بر منود و جمن نیز به واز منود

10

Joseph Moss a whole month month of the Help 'ظاہر اولئ كهمار مرا ان ارها علم المحافظة المحا انداره از هرام الحق . عود الحق ما محالم عبرى مين كيويس فردز من آن يَرِشَن شَها وه يينے المه معمله معمد مهم مهم الله الله المه معلا المه الله الله ج ب يني ۽ ت ز بن 2 سرو براس سرس که وه واانسرا اط نه اسکرادم سدمرا يزيد أن كنشن عدا معلاد المادم معلم مع المعلم مع المعلم ال المعلم الم ہمت آن سنی ابن المهم على مدهد الله عبو الله عبد عبو المعمد المهمدا مرد مشمار از کابر क्रापिर्विहरातम त्माम्याद्य क्रियाक त्मात्म द्वा मेहात त्मात क्रापि درون بم وادستان این گويگر د دو الماله عمو سه درون شمار وه سید درون مشمار وه नित्त नित्त मिल्म मिल्म मिल्म मिल्म मिल्मिक नित्त جد تر نیت در کفت ہت مسافها فحمس اله منسوط وفعها بحد سالهما بيهم مسمودة االه امر ب غير بنت آن

مي معمد الم منوس والسرس ميد مدين اله الله الله يُرِسُن ركبيد زود اكاه كيار نفي راكبي يا لو او بوس مم بعد درس ما المساوم ما المساسوم الله المر أن المر الما المساسوم المر أن مرتش رميد ارتش رميد الل اد كام اله أسامس اله المحدومال الله المرابط بنه الما "ما زود ازوباز کرفتن به خراستری به رومیز انتی بمم االى لما الله محمد المال مالى مالك المال ا أواخر كننن ارتش فراز كفتن كه أود يم ابع المالصوب ها ، هرنددموردوم. الله اكرادم سمساعه واعرب سر هربدد سرسام، عسرد سدواع. ، عجا سمانما فيااعا هاسر عامان سهد اله المان المالك کاه دارید خشوش باز مسرد ارتش واز فراز کرفتن ان و من منسمه عام متقامه الملك مسعر عاما مناف معدما الحما ر نابد زود آتش برسم پس کر یک بید مجمعه معمد المعمد المعم ز ناید بهت که بیرون کوید بهت ازنش اول ستطاادها ممسم شعر شع اشاي المظافال ممسع شعا الم ت ید بیک سٹیدن شاید کے واز العاامم سود وسط سعمان مانك البدن المنافع العام ماالد واعداد المطالب المع الما المال على المال المعالد المال المال

مسمع الهما ما المهم معمده المالم الم المالم المالم المالم المالم ت مد فردز کفت رامیے کے واز کیرند ان خونستر عم معصوسه ما در الله عادار عادار عاد الما الماع مسالما م اوستار آمدر کوم زود به بهت به براسم دارید ساس الر مسا مهد سال سعما الماهما ، سبة الها اله موختن أرتس اين اليدون كفتن ليخ مرا الله عا ممر سنمسم الله المما الله والمال ديما اله درون واز از یس نه تاید یه ینت یم روشن با ینت ع والد مالمة مسرومات مماام الله الماد الممسعوم ا دوما د گفت دمید : · -nhonot letho hyehongho 1 hopenago و جوار بار گفت گراراتن الم الم مسمعة عوا يسم الم المعدم والم المعدم الما الما الما المعدم عوا ما الم اوستار ۽ تن الدون که An Alle Meld كه ملاه ملك مالك المعامل كم المعامل مالله المالم این کوید بہت آن جایر سے کے بار وبير • मिनारामामिः وادُ إلى الله المحالمة والمالم الله الله ريد . ب स्टि भे के। • नमक्ष्मिक्कमामिट्टिम • किमानक्षिक • किमानक्षिक اخاتفنه على بحد ملاسة فاق المح المد المحاملاتميد مماله المعم المم وال ب جرایع ما مصدماسم الها بنها بديد طروبها الله الله الله عادات سيد له اتش سر بیج بی بی بی جرمی ان ز مراه مراادم معم عاا محما المادي ماهام اعمرام کذارد بوید بت ک ایدون کوید بت گذارشنی

مادادها بعم جام هذا مصمدا هذا معدمه المصل المرسل ا کو زود ہے بنتن اصطاده سمد ماعملة رس هرصااط صدادها مدما عاا مدهاا ائتس كناني كداردر جادات سريد المعراب ممادم عطامه المع سابد الله مهادما ال داد این لو بار • • • سوس الله علاالم معمد الله بسلم الملاصل معمد معملا ارش یاج باز کرفتن ارش اماون myn blem zilk libon 114 bon שוון וופ ומכ שיוויש از اول بت ک ایدون کوید بعث خوردن سرد سرا طه طوم سوس احر مسوسوم معنب معسد اعد اعدام صرااها شع جاما هذا محمد هذا أعلمه والما اعمالة الم ينت فالادما ها فاطو عطوالهادما يومد دومه بدار والما عطالة أرنش ينت ابن دميد السيد وام موسمها باسط امر ممه علم مام هدد ممه هدد بن اویر بشت کم زود معارس ودويها اله الله الله المالاتما ومعاهدة يخ. كوبير ماسع مستو جد ماسة معطاا مطالم عمدا جاما ين يُر أن جار بيون باد سديهد مسطي عسامدير. سويده . داسو سوده دايده. عو عملاً رس بحد ملمة ومالاهم مماه ممر معمدا دما مهم المه لوند • • • 4 يں

, L

عرم کرم کسرد صردوم عرم کرم کس کس ک زور י ששו טיט-טיטואו الأسررسانسانير. किल ।त्यांतान कुरु פיו שישר שניאים איים איים איים أرش علي तिक्य त्मंत्रा कार्तिवरित्तामा तम रत्यु मित रविद्वात्त بوربودكينان ينزك دمع اها بهاسم طدمها الله الله عاادما 110 مدر (دافرمرد )سطهد راهد مدر om Immelon One hole سطد (سايدع. ه الموسدم والمس سمام المعرفي المالي الما زود کوشن أزوز عرم لمرسد سع والمحارث عمع كوا محادر عو سادسها عه معطوالها عاد Murched girang was

افاس سرسهام و وام العصهم . مدرد. ، محرمسلس عم ارهاد احر جام ست محدومة شائم محدومها اور او زود بینے رامیے کروش دارید بینے امام ले नित् त्रिक त्रमा । वित्ते भीत्रवेता वित्वित क्षित क्षित क्षित्र क्षित्र क्षित्र क्षित्र क्षित्र क्षित्र क्ष کے رفو م ويد جام عمل معرفاسورا سته جام دامه رس محمادها یعنی زود کوش نه دادید داهد و مرسول سرور ربه دورد و عدم و مرس ستونمه ا م باما عبك ما مامالها ، ممالهم ريمهم ريمهم المراهم الم المراهم الم المراهم الم المراهم الم المراهم الم المراهم الم الاسعدالدم د و سائع الله عام العام سرساله واماد آن بند چند زور فراز مشحرید کرد سالم بي ياهم الله علم الملالم المهار عمال المهار الله المام المهاد نونش آزاد مرد کفت بهت دین که کورفند بیم این المام بي مادهاد ها المنه الماده الله مارد الله الماد که نه اندر کورنفند یم اوت ن بیم یک دیکر بیم دام این که نه دندر کونفتو ای اوشان بیم یک از دیگر ب آن عملاً عبع المرادم عمل شعر مال هو الحر مناور مم المر ممارما زمان بر روید کی کیک این از رویر دیکر کوش دارید مركونسي دستور كفت ز اندر كورفند بهم تا بهم اندر بروب وبدورها وسر طرم بهم سهد ١١٥١ سر سراس درمه كونش دافتن كار ين كر بيم با ينخ مرد ينت

سر ما مدهوش جام المر اسالم سمم دالد ماله ساس زود بند کرد دوشن بر کید این واهد مماالم المال عمد معادمه معادمه المال مهاالم المال به رود جد دادستان سم عاد في سرم عبدان سم عدد لا سرم سرس عبدان سمم كويد بت ك من يك اين كويد ببت مانزده علا و مرم المحادي موم علام ماهم ماهم ما ما ما المحادث من بینج کوید دستور گفت بهت مرد این بیکان کی द्या मात कामात्रक ता। वर्षह्र मीक काल काकत्व पीमा निकास درون این یاک ب نیزمک نوب فراز سازید روان مزم د الم المحمد ما المحاسر سال فالمح والد عال بعد المالي این کرفہ ہر کہ آن جای ज्यान त्या का क्षेत्र मिल्मा विभाग का का का का بريد درون عاج كيرند نويشن فوردن ان تنافرر سالد والعو مرا اط اصل سام ، سيسددسوس عدى ، ما درول الله الله الله المنظم ام کوم الد کاما الد کارد من ارش کرف والعو و سیسالدددند و العاد دوکون الها مهاادم سيم ۱۹۱ مصوره درا موسوه م اط مهاات مه اله روتنن روشن کفت بهت مرد این کی نی مد باها بها معا من الح العام من العالم الم 901944 اکر یہ واد را اوا برمد اللی تفافور سرد واهد ، ماسممالکی دورد س ، مارسد رسدهمه مسدمها

apren para . mara costat machanic mon efor صعر عمردرسهمان . هذا محمد مما سما ملم مامه ممادما بون الشمادن ستطال اهمسمط عسامعر ماطامامادها المهم بامه مسمارها المثر تدموداش ک کوکش دارید سمملا کے اس معرسردسد معلی وربعی والی میرسد ماسرد مدمادی اسمه الم الم عمام معا المالمان المالمان مور مودمامة ها مادا مرد اوتنان man note monthon monthon may and grand man man کندگار ش اللالع عدد الاس كا والمنافع و المواقع و المواقع والمنافع والمنافع المنافع ا ملت و هادرها ملعام فاله كد معتمامة كاماما اها ما الله کوید بہت بر آن اولت زودان یہ تن این المالم بين الله الما محمد من المالم الله الماله الم سنحن راسيع كوش داديد أن راسي يه نن اين سخن كاطلا الله صمايط بيام له صمال سما العد ممدوااصل واربع کی نه دارید اونان کا کذافتن المااصل ومعدود من أماد مع وم سات فع فاع مواكادا وما مامع جان gi یک افد دیکر این عکم کرد ایستد ک न्त्रिक क्लिकी क्लिकी क्लिक दि क्लि किशानि तीय त्रीक त्रीक طینه او بین ایستد السلسا كه مامه ها سع لساس سا عسوالم ها عام عامه بهرام أن عاير ي بن باز نه كذائتن يه اين جنر

Ad erelande . مكسمسه وورسدد عرب استداعه المرسيمه. مرتنن صديم دي مادي م مادي مدوم المرا هي المدر المرا هي المدر ہمت یہ یزنشن بر نشوں اورش حکم no.exhenonoming.exhapmo.ohnto.eelm مرايدن بعد سيدمد. و سرا سعم عصم حكوسا مه فيحسم اله معصوصا بهت يُرضُ يُرم داون به مرامان بيمال Juce 13 grungy, ucyce wyck (uope beff one war ble on مسامع ، مرام مامام فامم والمم موس مرفامم ومحمل ماعام ها بهر عمم عمد المال مع المال الما الما المال ال باج محمِرشن ریں پ بوبر ساعدمواا لردويها له صدواام دوالمااامم سعمادا عدما مصرم ماس السند الدون بون آزاد مرد نه گذاشت واله مما المع سم محمد معمد معمد مان عمارهماما ف مدمم راسي كم ننر اولت جند چهرطرف اولت الله معموداطا سمع كد سمه معرسامه للد في ان التي نتن ن اولت اذ راسی انور ز ت مطوده في المس م ما ما الله الله الله الله الله الله علاا ق

الما وسلم الملامية الما الله المستحدم سلم المحملية صلاادما ان باد کیرند یون کی ب سنوید این ظاہر خ نیک میندن این طام بوید بھنے کہ ित्तानेत्व पत्ति कर्णावा त्रेमेल विश्वता त्रिकाल دوبار به کوائتن که او ددبار او او اندر آید निमित्तानिक किता ताम उगाकत कि नतिक कितानुक किता नाम بین کے سے بار او او اندر آید این کے جمار بار وعدمه معدادها ساله المعامد الله المهارمة المعادمة معدادها اد او الله آليد اين که او باج گفتن او او الدر آليد سهد بهد نعمه احر صادامه شعامه الله أمدامهم الله تعدف الماد رشن بم پرشن او بوید که او باج کفتن به کذاشتن سل بهمال الم المالمال المالم المال المال المال المال المال المالم المال المالم که او بائے گفتن او او افر آبیر تا او پرخن د فا الم ا عا الما وا ما المام ا ورتور کفت بهت داری جند جند کوید اوشان کرفه پرنسن او بوید دنش چیر جایر کلهر کند سياسي سا متهدرادديد (شددسماح دديد (سماد فلاماس سيم بريد ساد مادولها مدم موسوم موساده عام سام المعرصة سام سرايد زور اين و رايس دين فاله بر آم رفاديم. ميساسموام دورددها و ويسددست عمام. سدرماسردسماح وسماسرسوساسم وسمد ورقب اسردها ورسعس الماد . الله الله

١.

سا العصم معسمان كد العصل ومسافيد والمسعد العالم سرامید آن نونش برکس حکم مید دراز مترسد کرد خود بہت یہ ہم دوست یہ جد کرد یہ جد برکرد کم یک اول دارید یک مهرونسب وستور کھٹ بہت امذر ہم کاہ نیز ادرهاي مل هم عمله . مسهددست اسدست اعصدهم به واهمامه ساعدرست ، محمدا بمالا دارد کم مسمادما جد ساهمار بیام ۱۹۱۱ . مهمدهم . براان بیما در سال 22 8 45 سرس روس عد سراهم ل سلم برم الهدوب سلم برم المدهدة رام سعد این ہی آن فرہر کہ دیکر ہیں کہ راسیے ابن ہم سيموم ماس مسدوعي مدع اعظماد. مودعددددهم واستعمد المديمة ک زود جن : المعصلال فالد بر راها وهادس ، معجم معرفه واستمار دسمس كماره دو يس حكم عامددد الراماد وردود دريد و الما الله الماديد الماديد والمال والمالي ېم سندن کوښن ښرد سه ساد او بنوا باس مهمان داه سراباسهم الم سرهاممه

سے مک او دیکر کوش دارد ہر دو برد نامی مرد نا می

काल-१०३४ - त्युले माम्याक्ष्येम । विषाद में भारत्रामान निर्मित آن شید سنی کوام سر شیدن کفتن فكرساد سيه سعو امد ماد موسد صعباد والد بر ام معاويد . یرد نینے کی او ویکر کوئش دارد ہر دو مرو زحکم فسم المكامع المرام واستاده ، والمسر به المستمل ما المستمل المالمة كدام أن نشيد سنحن كدام بهم شنيدن كفتن حالمان سنه ساد امر برم باس صحار داند بل ام سراها م منے یک آن دیر کوئش دارد ہر دو مرد زعکم في ا فعامر شعا المحمد الماصلي الماه الماه الماه الماه فيه. الم ob us of " 5 الم ودم ، سردد مرد و ودرد اسرسد بهرمه الحرب ، عدم الح ود ساله المهما المعمل من ماله م ماله و المهما المعمل الموامد والمراسع آن این شنو جد ز آن این ع الحق سدر الله و و الم الم الله عدم الله عدم المعالما او کم که زیر نشخ المعام على المحتصلة المحتصلة مع مسلال من المعال المال المال جد این از اولت کام آن بون دو دود جرن ب المام علمة المح المال محمد معمار طعم معمده مع معماله کرد ہم سخن کوی ہم جد تر نیت دیویازکی سے سروش جزام ه بعد معمل المرابع الله الله المرابع من المعموم من المع ادش برنس سر به گفتن دایسی ز بوید التا

روست نه او برمير بهت كر ايدون كويد به به داسي ساكه مادي ها مصدة معدمات ام ماده ام ماده ام يالم الآله الم المادة الم المادة الم ماده المادة المادة المادة الم او بوند په دیکر اولت اد بوید دیویازکی شافرکان این بینے پرفش بر کوشن یا نہ ہم نہ روفشن کر اوشا سابعی سادیددهد. واسد سادیدد اسدمهد. و عال مسدسرا ها المهاس عبه عبدما سته که عبهادما احر عبادما ، مدادد مداممد داسه مد بر منید سختے او نولسد او میند دیگر یا (سردسددسی فر هدده د مهاسیکه میره ام ساند کوند اولاها يا او اين دکر ادر يه مصدمه عمد المامع سع مدم سل عالي جد مامه مممارما ، سردر في المرادد من المالي الم دكر يا آن نك سخن كاتهان اوس دميد نه كم ه سراه اط المحود كد معلى عدم معدمه ودوم معرور المامم اد اور آن نیک دیکر اوس سخی دمید حکم سرعاما سرع ديدم برع وام يواه المركو بعما ، سنطرهمسي رسيسد عدد . كدمة متدوم مدااتم أفاممة ماهام اعراب ومدم آن ش مرسخی دہد محم سلم أبها على المحر ماالمالة مم الله عبي همامم

سرد العلام مال العلام معدد ماالساده معلم العالم عدد عبرات العلام العلم مرد كرد و العلم ال

م أم والمم محسمه واهد الر مماادم محمد عا محمدا عادي مرفد او بوید بات که ایدون کوید سعام احر عاد الهاد دام سه الهاد الها محاله ما العلم المحال المحالة الم ہت آن کر اور کرد اش ہے آن زان ہوید ک او توان بهت مر بهم من این درد مر مالسًا مروجعمر اسامان ها الله عبمامان مسروم والد بل الم و فروختن غایم بر دو مرد والهو اط فسرادم اط إسرامرر كسد كعمراامررا كسد ا كعمر إامال والعد المالم مواكلااامم الملاطاء إلى والم مواكلاامما كحيه مالمهل کرفتن شکرد له مادادم علم تابد طه أله صلاقه الح فالد مراوم مه دادستان عزاع دافتن خورنس به به عمومة المعادمة ال له الهماسمة على سالة صلاحاً علم ز جماع این داون سال سعم عداد الله علم علم علم المعرف المعرب خاک این کل این که او کس بر المجملان الله والله ما الما ما الله ما الله ما الله ما الله ما الله ما المعالمة ما الله ما الله ما المعالمة ما بریم به زمان کوارنشن که اوسنا معرسررسدد مردم درسهم وأسد بصدمه دست ساسد (مدر ، 116 محددسا سرع اله اله عدد الها الله الله على الله الله على عال عال عالم 

oralical · mognened ofm. 6380. Am orangon vo woulder. سروماد طووس سع مع ومع ومعو المحادم المر عا مع وعه ومعالم تن رود کان سنے اندر رود خانہ یابید و ہند از رود خانہ آید سراه ولسده وسد اسة الله وسدوي وسدوي الله الله الله الله الله دستان سي بانك از مالمه و - وكليم المصلة و المحالمة و المحالمة المصلة دوزم آمد الاسادات يا م والمحمد ورو سالم على والمحمد مماران مره المحمد ادت بر يه آوردن آيد ين المنز بر آيد الما الما يعد المامية الما المهما المامية المامية الما المامية المامية المامية المامية المامية المامية المامية اکر یہ آن نویش عقل بر شید حکم سا مد الهما عبو العلام ما العلام الما العلام الما عن العالم الما العلام العلا آن نہ یہ آن خوش بر شنید یا ب یابید مینے سله معرام بالإمداد. ساه فردس سساع. الهم بساه فردس و باعا ايرون The mad Ang , எவ்விறிருக்க அரை எனிவு. இருகாத்தார். ايوون مين سخن فرازشمرد (بعدر المرفامة. • معطرا هذا كد عصل ماصل هذه معا عاصالاتما الدون يه آن ميان سنى فراز اين سنمريد والمس مع ما ماه معلمه اله ومواسة عد وما الدم عمل ما فامال حکم این از اوت کام آن بوید که یزانس اندر کادن

فشرس مسع معمالاتم عطماس الس طالما تعواماه الم hope . nonder on server on the بردن کی نے ایدون میان الملاصط بحد الحر المراجع مل طملا . مه و ماهم ملاهم روبد میم رونش درتور المعلمة الله مساول الما الما ما الما ما الما ما الما ما الما ما الما ال به نه کدارد این بیتے جون بوید بینے با یافتار عدما ومادادها ساله سمعاسر بهما معاسه المعاسه صب نیکسب یافار که آت الما المع الما ما الما ووراما الم ممامر عمل الما الما الما الما ب توان بردن ب ممرة ماس ، مرهما ا وطل ، مادد معلى المد (عطاعكم مراسات مكسم كرفتن درون چيد سع- ودرسرو دو العال العربي العالم العرب العالم العرب ا حملد مدوسا ها ودوردمها واممه و المهدمهم المردمهاي دسمهم يا أن نولش عاد کد اکدوم کی میں میں میں میں میں میں میں اکدوم العلام العلام العلام العلام عيد أن بر أن نوليس أوتر من بريد منيدن علم ميد أن بر أن نوليس العلام

libid the met its ter onto more goin or ter te blem بت جنیر. آن بس عابر سے این درون این سے جیر محمودن العلاقا العالم المراد على المراد و المراد ال مروم معل مع به مامه هدمامه ماسه معلی المدددسایک ده بمت از آن جایر ظاہر کندم العلم دال المام الله عمل الله المال والمال والمال المال الما این ہے کنم غزا آردیر درون را پر همامهار مسمالها على عا المهدر الله بماادم سمكمون الهده دارنس که نیز در بازار به خردشید ز نام درستر ना। कतका ।।न कित्र ना कतका ।।न केति का किन یادیاو به درمون به بادیاو کفتہ ہے سی سیون ہ ماسانس ما دار عجا معصوم عما رس مأمور ماعام مصموم ر ز فرنگ بمت زناید الما الر ومادادما محمد الهمامهم سام هم مدمامها مهمد سا س او خميركدن انش ماديا ومنهاك اين نه سندن أرنش او سر الله ساد ساد الله المالمة المالمة المالة این اندر کشن ست که ایدون کوید ست الوس س عم موا يد ساد فدادسا كاد كم مه فسر كان م درون آن بند کنش حید اندر روز کار آندرش مهرسوم عا مد اهامه له مهرسوم مدمامه ام فاله مر المامه افزانِت در آن نواز نه افزایت الع سلما الما يمامين مع ما محمد الما عاد المعاد العالم العام روعن سره بهت که ایدون کوید بهت

क्तिका नत्मि तृत्य क्ति निक्त क्षित क्षित क्षितानि किन द्या جد تر نیت نیے دیکر میوه این נונט فراز ننادن نراب ناید و شکر نیز شید मिय अन्तिकार्क कार कार कार कार कार्क कार्का नतिहर किस माता किस नाम केश नति दुम किस किस اب اندک این بر نهادن سرس ساس سرس س مسدم الهمال الله ساس ساس سال عدم ر غايد او او په ېم پېښي مع سلهما ريم الله المعمد المحملة المحملة المحملة المحملة المحملة المحمدة المحملة المحمدة المحمدة المحمدة المحمدة به المالة کل بزرگ مہ ۔ معر دور الاأدوم وصل وصل محم 116 الله الموادمة الماادمة بر سر طرفي دان دانت بهت که دز بر طرف کوید عرف عمد ساور عدم سوس الموسيس الله المالالمال المعالم معود انور بردک اش ب نهون ازش طود الله على إلى الله الله الله الله الله على ال برسم طرف گنشن ایش ایسی بوی سه تا در دامت المد المالالم المالمة والمعادة والمعادة الم المالولم ما والمعادة ديكر برينر او نوابيد ينت از ظرف دم بنام وبسدم کد ساهم که سام دلس الله ۱۹۵۹ تمرس مرسی ردغن رات کا نه اش ایدون کنن سنے ب

السر مواكلاا و مواكلاا مع على الله المراق مواكلاا مع السند ج کی بید برسم ایشد سد لسر دواها ادم سود له ديما ا صراادم . سطق باهم انش نریتن بربید در کفت سعام والد عما هاا بن ا هاددم الد توالماان س لد جه به شراب و به الیند داش نه معمدا ممااامع علما عا ما الحالمة الما مام ماما مماالمة بوید که دو خواسد به فراز نسسن محمد ادمه الله تعرصط محمد الها علما مم ممر المعاما المريج ارتس به منتن پس افرودن کات م المحمد عدم على المحمد المجالة المحمد المحامل المحمد الم نه خراج بهت که ایوون کوید بهت افرددن شاید ا فستحطال به هممارسه ، عممارسم من المعام المعام المعام المعالم و کاستن نه خراج در در در در کفت برت ایدون क्ता वि दर्मितिको के विद् ि वित्तवा तत्रात्म वित्ताको اوير ديد "د شايد برسم سندن la ote massion até anons até éla agreesté monstant بجب نمادن کے کود ولد مسراله معملاه هاه عملهم سالد لله ، المؤد فردز خي دارتن الدون مراس درا محمه همامسار سعماا هاا همهم الم درون را درون سازه ایرون به باک فراصا سع عمام المعلى معمال معمدما الله المالي नित्तामा मित्तामा क्र कात्म. क्ष क्ष मिक् تايد نه دانن ج خنگ

ارون مازه أن فوب پنے ترب یہ عما عا النامة مادما فاما عام مارسادمه سميم علما عدم الما المرام المعمر الما المام على الله ومد المرامة المام الم سترید زرش بر به سازید نه تاید مرد که اله معرادم معد عمد اله دمه مع مركب معرادم المعمر مهم الم بر بہ سازید نائید ک الموادم مدمدم عارد عداد مدموا الها المحاص الم عامم ميوه ديدون يه پاک montho pi its le bonnon bollber ene enj be em نه شاید از درون او برایحن سيم الم دا الهماادم كد ساد الهمادال عاد دارا سعم كد او درون رسید آن الله یاک حید درون بهت آن لمعم ولم لسل عسرو ولما وصع باسعاناصوا سعمادا والص درون بلند میاند درون سازه نهادن ایرون کنشن سه ما درا دره الله الله من المال ادما عما عما مرا الها درا سے از درون سازہ ب نے ایستید ج ک درون بر درون منه الله موالم المن المناه المن المناه المن المناهم الله معالمه المناهم المناه روغن کے بیا طمع ولم الم عساد المادام الما ادم مالاه بند او میند نهادن کر زیاده یا وه علم رس امر عامه ماها مدهااادما رس مرا مدماان 

١,

سمسوم ، علم هم - موا هام ماها ال ، المعادد یا تاید کم یس درون فراز نهاد نیز ناید ساميمه هما مور دار سحو مرا سه اسم موساس ردغن کم نیز بیار پس نیز درون می به نهان کردن و العدد من المراد من المراد من المراد المن المراد المن المراد الم فرست اذ طرف رات نهادن که یش فراز الما ادما من ممروع . ها فعدمافه الما المعالمة الما المعالمة المعال ت يد کي رناده وسع سرد عاد در اله سالد والد عط الم درا سرسااله چند درون بنی بر چه او درون بهادن المحدد عالم المحمد المو المحمد الما المحمد الما المحمد الم ان فرنست او دانتن ست که ایرون کور ست ملاف صدال سلمالاصل مهم محمد عمم الممالاصل وطرا فاله نهادن أدرش انج آب نهادن درون بر لو لسلا اسراس بعضيهم لله إسراس والد ش الله بعسيسم تو بلند كردن نوشت شركنتن بر ده به افزايد سرمانامه موا داند كو لسك اسامه نهامه والد بر الد معمد ومن المردودم المدمال الله معماله افرايد درون ورضت ايدون ب زون سه مد مارسه الله الله سفادمود مااد رسااما عجا را بويد ج ان کوید بر بر م وصادما بعم له سمر ساعان سندسم بهما ارديما الا بند زت کر بران ب

صهرد لسط اسراماد له مصادم لسرد امر به ماسه لس بند کردن نه ستدن یاز او یم طی نم سامهانمه معا فرا ها فرمامهم مهمامه اله اله اله اله الماله نهادن جه اکنون به باک تر دانشتن کر زیاک ب صلاادط مدهال وسلمر مسمع علماهما مسهم علمه والمم المعمد الح العدد المالمس . ممالمة المال المعلد فيع المالمة دانتن الت كر اليون هااي ساعام علم مصافحه الهم مماارم ما المحام مع معالمهم مع المحام علم المحام معالم مع نايد دائت ين پي فر به درون ب سلم عمر بعور هدافه اله الهما المع المحد المامه تلهو به بعد عليد كليد به الله الله الله الله الماد به الم ہمہ آن کیہ آن آنٹی آن ورشت سرموس الله معا عالم الطمعام عال سوس كذائش چ كه او سرو سالد عاداد سام الله ومعدوا والله ما الله والله والله ما الله ما ال الم ساع مدما رعم معمد مسعورة مسر محمدالمالا مسع مامره ائي بس ديدن بس خواردم مدما مدما هذا مدماد هادار ماهام مامرك همه مما المامر مما بت بت ک اندرون کویون بت خواردی آیر وه ینی mays am blen bon hopen hopen hopen man man آرد باد داد فروخ کفت برت بینی

1.

مسمح سمامه المالموم مهم معام شاه والاست مسم ملاهم ماره عاد ادهم مهم محد مامه فهم محد مامه - لروم اليسنيد 7 Then other drive broom pi hate gringe حاي سريو ساس ارس ماسه الله سامهاالم سي وبهو بالله الله الطرد يراو سمسمع سرمي الحسلة لالم سر لماقعا ا سمسهاس فرهد معطال عدم اسمسهاس والم ماااط هاا بون د دستور وهل الحصة مسع فسر الها مستعلال جد ولم عظمه ومعلالا دانتن آن بس کر او سال عاد مس سعا العد بي سعو م ابن سنے حبد اندر آبد او روی בולחיחם. פנפקחה יהציבהל. חיזחתח 11101 मक्षा। अ. जामका الى درون دروى بادما عسام مده ماهم ماهم معمد العر معمد المر معمد الريسة ايرون پون بند

اسلان بامعار رس دها به مر معاملاتها و موجودها ا مه بمر כב ועליני ביקונ معددما الله المرا عدم عدا المدمارا كالال المام ال الحركد ايرون فلاسة علما الله الله ما المعلم الله المعدم مدهدرسه مده مرسع. و مرسع مه مدم مدم مدم مدم مدم مدم विताली तीय हर्य काट क्याकार वित्ताव किया वि دران تير عممه وطر ملمالهما هدا مصددد اع وهد مكر مامعدسم 1. سدهم لماسركا روها مفالكذا دما معمس و سايد (شعريد الد الله ماصل فالله وجالماصل بعلد بعدم عال فالد عصد جي يشتن निमानक कामित रहता के का मिल का का मिल انشي different de miller mil endenen imprais له واما عادد العلق الله المرادم الله للمام عاما माना माना क । वि मेर ।।नाम ।।नाम مراسس الله تمادم الله مدما جد مان مامه الما مام المام

1.

الله تهمادام كد بيام عدمهام وام سهد الله كد عام كلد وام جانب کرد الله به آن که و کرد آن کم · montrekommente pi om mother m فيدم لل ويعم دوالهزارم بعد لسلد الم للها موالهزا ارتس بلند او پای ایشادن سرماعه واورس سر الد ماصل اله والد 1 م الم عرصمااامم ها المحاد سدس صاادم علماس المرودمالم si اعل هرم عمل فعدم على دعدم على دم مله مله ما مه ما دما وسط الله فاطال المناع بسد الها المحصل المنطاحة الم صاادما سميدما علما معدوماعاديه الد معماادما عاما المحروب سال لي محمدم بالماليون بالعام المعام المعام المعادي شهر بت که المام عسمامة فاطاا فحمر الالم عمم ما العما مما العما من مستما عامل فرمها لامام المما معالم مماالم

سع له مصمعا معمامه طمعها فاعا الصلح ملامه المه المه خوامید بردن انس از بر چنر این یا به بست All mealls Alliga nachd . Mer Darahite exclosis monred که ایدون کوید این چاننے برون زان د العمال عدا المولي العالم عامة عا كد والعمالة كدل عدل العالم العا وامادا سيسم موا الها موال مل سيم اله عدا الهمال کردن خرات یو درون به درونی نه شاید برسم درون او او سيسلس واله و درا و المادم العمال درا طويها معا کرف درون او دید که او درون سر این سه مد ا ماد السه الم دامار اد ما مامار اد مادم المالع ين او د ميند به جراع بايداد ماندن "، جامشي كن ساله معمد المعراصة المعراصة المعرامة المالي المالية المعرامة المالية المعرامة المالية این آوردن وبردن ہمت کے سے بار ایودن کوید ما المرامة الم بت دستور به میزد به میوه درنشی بس جانشنے عم وسرو سال الر مه الهالما المعاهد المال عمل وسطو عا که دارو این او خواسد خوردن ک دارو از ان کر " ب خردن مهان اخی بس درون فراز سامانامه على به ماساس فالهاق المانامة مهادن فردم چانشنی از داود کردن دستور ماهم معام جو مان عسمه عاد عا حوا الماماا اح کفت بهت آن بند میانی مجد در درون کون او

1.

مرا رس مجمع الربعة عا مصل مصالمه الها مال ملماالمها درون نه برید برسم در داست سندن به بند مادن ساو عساماو ساو بندو واماد ا سهدماد لس سساس ا واا کی کرده و آگذن الهمل هو عوا سمال سماله هاه المال المعمد المالم مع وافتن الدون فران پنتن ارت بج بر الدر المادن عاد ها بها مساد وفالمالم الله الله الله عاد عالم الله یه درست باز ایستد نه نشید که کوید سريسم الماادم سويد . سيساسد كلاد ، الله مارس سهماي الم المال المال المحمودة المال اولت ہم الر پایر جی کفتن ہے مختود سعاس معالی ، معامه راه دوره استروس الله الله med that transfed recently a mile length in دوبار كفت سه مادكفت تخنون كذارون و الم المالكال ، يعامد سيم بماريه المالكال ، ولها و سال ابول ابوول سلمامه وه فريد مار سلم سلم معلمان علادما سمه س مرفيدمام م معرف م مرفي عن مرفي م مواري والم ارنش ب ديدن ا ا م مستوم ا اله مستوم و الم المستوم و الم روعن م روغس

سهد ها ا سروير ، سهد اوار دردرسر ، كديع ، بودردد رش پہ آب رشے پہ اورور آن اسم سورداد ايدون کم ننره ميوه کويم ؟ که خشومن کواردن اویریش ایستید جد که Jen. Men " 1161 horsol the borrow of 1 men borrows وننت و مؤتی و فرنست پیر دیدن پ عسمسكر بوديماسكر . ها شهرا دار عامه الس یہ کان ہر جز ب ہومت ہونخت ديدن يه ايدر بر جير په خوردن و ممان الله المحصل مسم عاد الماهم دواكلاادم مس مسعد معمد به دیدن بس کم نهفت ایستید انش وه است عا سعمادا كاداد ماهاما محصما المه سعم الله الحصم الم ک ایدون کوید بہت ک ن این بہت بہ دیدن یا العاد المه في المادم ما الما عليه ما علم ما الما ما ما المادم الم به سنی کیان برید یا جیر این او درون رسید عدس ام ره اعادما شهادا العدم مسل ها معلمالسلا ها آن بش او خوابید یشتن درازی در یشها درویریو ب ماام مااعا فاله ومع مرها دفاهاادها مهم ماع متهمه بود نختنون بر بند پایر ایستید ذرتن این می او عبد العرادة ا

سمم على الموجود ما محمد الماد على على و سعم روغن بین از فرنست روغی و بس از مه برت عاد محمدا المادم معام مع والمادم معمد على والمادم محمدما م ايدون كريد برت ج از بر ج كند زايد سعم ۱۱ سعم ۱۱۱ به الله علم والله س نه یک بار کند ופ בה הווחו הם שותחה בחום כווח ופ הו שה ושה ומחתח زود از بعير جانيني بن كند ١ the om tother more show you to more other one ibs ن از درون عاشنے پش کنند سنے که زود ماله . اعرض مقدمة المرفريع. داكس فيمكه. . المالم مالهم آن برد بر ورجع ماه عمام ماه ما ماه ما ماه ما ماه عاص المهار على بررك باز نعادن يا اندر موراخ اين باز سرنهاان سرن او اوافتر طرف کرد این بر ن او اوافتر طرف کرد این بر والمر او لماد لمهم معدم سي له اول مول فرعدم الم سهم دمنور گفت این سر ز شاید کر زود از عامه مسلمه الماله الما عا مرا عسمه المالم سه مه والمال مدى المراب المراب المراب المروبة بِش كند يغي زود نه أن 

. Alled nomed and . nonton malle. مسعم المعصدوس المدم وده المر ود سر مماعه والمراهد. ف پر رامیے کان بن و بس آن سر الهاق على مس مسم سعم عدا هدم اسم ت نید بهت کر پنی و پی المادي اوده و معلقهام و مام الموروبيادو المعلم المعلم المعلم یہ درن کر دو رساسر محالاتما سمستما مصدم مصدمات اصدما وصدما کوید ناید دیکر اولنا بالله المر ممرم المعل المعلم المال المالام المالم ا نہ تاید ہت کے ایدون کوید مس سله عمد فسا المولم الما المعلم الما المعلمة ما کمان و اردا فروش کویر اویر دیگر این این ب ومدن ب كريد تسايد دسور كفت · hour will · - Finder hours) som · Goth blen 1 اعر سمدهاعه عسره المهري المراج المراج المراج المراج المراجة ال و نورشی ادستا نه سرامید سدسادهاد ، ارجادمها عاد عاجم سارمهام اله مسمها الم ادفتان که از میر خوردن به اوسیا معصوبات عدم العام العام الله عدم الله مالات مالات المعالم المعالم المعام بولا كيار האופנות ב ושתקיבורו בן על המונח אות המונח בי שווא אות בי האונים אות בי הונים ورزون ادخان کرون علیکی اول

١.

سادى عرود مماعه. • هذا هواله الهصامة العلمسا فالمسا فالمساملة اول درزمون اوتنان و سع معم عروسا مله اله فام مهم موسما الر الا رامه . مرکردان این به کرد درخس ازادشان او اول نیت ماسم. سام المركب وعم مركب المركب الريم الم الم الم الم أن جي خورس بهت سي او mison jour (200 mugue of not medern. هددد سوروسی، و سام درس میدو اصلاهادما س جد بعده نیک شکر خورید آددراب ان الخي درب BA . Come de con l'énelond mange maline de . . adam-درون خررد شراب خررید The material resonant of motors the material the یہ انوازہ دادغ يولس كاربها المنافعا ، المنع بي المنع المنع المنع بي المنع ادستا زسرايون سيسيس الما المسترسان الله علم المديما اللح إلى وجالما وما نه سرامون سینے که کمینار וות הלות עד האוובא י פרושות לות וות בות החוונקי שחם הוארי י فراداد درون كونكر ang) المستما المر المعافره المعاهم المعاهم مار المعافراهم المسهم ر انوازه فراداد درون خوره سهم عماده ، مدمسه مرابع سحوردماد، ، بحد محمد الها نه سرامد أدرش سعدس مسادة مسماس مله معدما السر ماساع المن فسر کنامِفارسد سے کی کینار بریم

ما صلادها ، ماممهم شعام شاعام شاعده المرفيام. کفت بہت ہیں اصطاعادها مام مهدمه اله مهدمه المعمدمه مارة الماد المرف الماد men jien high jien been beah ermand م في ادىك مصعدماسطى، معركسردىددىدومد، (مهر لكود في العاملها سع صعم معدمها العا سع عمه معسم مدنيد يه دو ماريس سعم عاد سعمار الجاروم ساعام عا والعم ساس علما بر ہت کے ایوون کوید ہت از طرف این کہ دو ساواس فاصد و ورد مدر معدد ماري و در المارد د ساماد الله سام مان سعما عاد سعماد عدد مام سامه واحمم سام امام بعث که امیون کوید این بعث طرف این زیاده سرفاديد ، ملادسم، إدماعهم، مؤسسهم، مؤدودهم، (مماروردع ملام) بحن نيتر) انجن مت رس ، عمد المال الم نيوم انجمن بمت په دد تواندن په کاه المالين المالية المالي وبسيرد دوازده بهايشت وربنود بزيزد الم الله المال بت كم اليون كوليد اين يا وليبرد اردافروس بسهود

1.

سافه بمسادهما ها ساف ساعسوها الر دور سرفاان سام ساسر فاز كام مسلما الهل والمرسر عا فاحدم سالد معارس ساله الهل معرب الموجعة فادومذف شامة الما المام المارية المامة المارية الماري که دو زاده ز شاید کر سه زماده واصعاف شاه شاه ادمه به ما ما کے بین زیادہ آن واصعاف طعاملا عكم مصرم الاية اعما دوا كالمادم عا المسر حد بعرسرادهرو لله يعلى الله يعلى لله يعلى سام سط معاالما فام فاس ماسو سعاالما الم اهاله اله معروما اله اجرادما سعسما علما سا معاسمه چهار ایما ابو ومرکو اوها و و و المالم والماالم والماالم ووالم صدم سی صدم سؤل صواام ساسم سرد سواام صد مرسوم به اسام الله علما

ال المستم الله ملاه ما مهم عوا بحد المهم الله هلم الله على الم تا نہ تا ہے یہ کاہ جہ آن کر سے اور مرسعم سمسعم علم مسميها علمة الله مرسعم والله عجا سرابع مذف ید اوت مهر به سرایی بر چ مستصارف مسااما سم الله وورسم وورس الما عما ه ان برابد سراید سراین این بون rend of meetinger. Interpressantegem. (394. o Ad month الله والمتر زرتفتر ناز كر إولتا سيسو الله تعليم سال الدوهم ساك ١١٥١ . وأحدومسك. ہم بہ سراءِ اش بہ ولیسپرد ہے عَمِسَكِمَسِعٍ. و سالمه ساله هذا صدمها المماه هذا فرمود یا یہ اولیا ج دوازدہ المعددم المالهرم الما عا ذام الا آقا ملا المعددم الا بهاینت برکرد جد در کرد بن به یک بهایت واما و عم دوالهراادم اذ اط مرسلها سعاسه الله صعواد سمم كرد رسيد ايستيد أ اوي ع دوخت به كذارد بهت عاد ال كد مستميا موالهدا من واهو لمد وام مواهدا من عاد ک " ان اول استادن کرف نه کرد ایستید ک ها الم ما مد المن المالي عد معد المالم ما ما المالم كويد اين آن بند كويد آن وه روز فرورديكان آن ويخ روز ه الهام و المام و المام والمام والمام والمام والمام والمام اول نختنوس مور مزداو رايومند خرره مند ماع ان مسلسراهم ، مامسا مماهم ساعام ماعرس راماعا تا انوان فرو بر دستود کفت بت روزیر یا السر أممانها بحد سرم مله مم مهم مهم مهم المعارسة ب كردن أن ينج روز اندر كاه اين نخنوس علاقلا

अ. अम्भूतम् . (म्प्यूरत्याम ने मान्यून प्रम्याम । दि भूम्प्याम १६ भू را يومند خوره مند و "ما کاه " مصامعرایکی بر روال ۱۹ مه صور او ملت مرحمات أن ينج روز انور كاه تا بهم ت يد ामावा। परवा भा परवा। तत तमिव के केत्रकारित्दे مرون بین که ایدون این برت الس جد رواق على الله وسرومات المالم بعد رواق على الس به آن بینج روز "ا نه شاید کرد آن بینج روز ب ممع المعترومة المحمد المعالم المعالم المحمد المحمد المحمد المعادية رِنت بديرفن کښار و سروس وکښي خري بهوې مرا اد صحفرات کد رواق مع سافراس اور اور اماعه ، مهد درون تا غید آن پنج روز اردافردش ؟ निमित्रक ते माम मामित्रक में किया निमित्र में किया निमित्र کاه در نیت روز جرن ला में निकानिक कि ला ला कि है। हि इस इसे क्रिकान درون که اددافریش نه به رشت به بر آن ده روز فرور دلهان الما مع المحلف الما و المعالم على الله المحلف ال ينج زور اول ختنون ابهور نرد تا انتوان سد (۱۹۵۰ ، ماس مودست مادست ما ۱۱۹ اواد कि तमा का कि मात्रम तर्म कर ति क ति विभूत्रमंत्रमा خنزمن باز خرمند یک آن به امد فروردیکان ामि प्र तिक्रम के ति तिर्विकत्ता तमह . ताकिक् स्राप्त त्तिम तार्थम دیک آن سر آندر فروردلیکان یک دستور گفت بہت الما المال المحمدة الله المحمدة الم الم الم الم الم الم الم الم او گفتن کی و دستور این گفت او گفتن شمار ک

سه والد ال الح ما الم عد ق على المحل المعل المعل الما الما این بر دو اد سخن آن ده روز فروردیگان کی زود به دورها روا معاسم طومها الله سال ها الله عرب مدهم الله ماله سر باج به کوید ایش انشم وجو این الله ما المها موله منه الد ان اله الله الم معاسم معراص المس منی کفتن کفتن ارش بنتم بوی تا فراز او اتنی بردن منب ملى مادمار رادما مدما عال معمال كالان مام مال مال ١١٩٠ ا الت كر ايدون كويد اين بند آواز يه मिलेतिका ति कि उत्त मिलिली क्षेत्रिक कि विश्वाकित कि निकारिका يَرْسُن اددافرونش بريد أن ده دور يه فرورديكان الله المال ما اله المال مالها و معدرسومر عدر وافا عد نو نابر ختنون أن ينج روز اول 1961 عدورسورير اد وليسورسيرسيجه اد سسسسط عرب كد رواه مه ہمہ اوٹیان کا انتوان مع رساب ساند ، سهدرسهمر، صدرسي. ان عدمرسهم وايدده انزد کاه این جمر نا جم المالية على المالية من المالية و المالية المال اوت ن کاه انتوان عادم سعام اأو الع العالم الموافع المعد المعد المعم سال و نابر به فروردلهان باع جدتر بیت دین اله اله في ماح والتوسيع والدرد. والمسدوم و والسردود ساها العامية المعمد المعمد الماماها معمد الماماها معمد الماماها العامد الماماها معمد الماماها معمد الماماها م اون از اولت بر به ي سرایند بر یه این یرانن ایدون ساخت بهت ک للحمااا أيرون

سعمادا کالان او اجرادها و امماد شعر شعر شعمار کالی الله المعد الدون كويد كا روير هددرد. سعد و معا طالس المد ماس على مع معاسم المساسم على المعارض ماس على المساسم المساس امر توان به کولشن کومیر یا سنی ساهددسسهمان سرومهد وريدددد ، ماليس اعر ماليس الم سمعمله سع اوٹن نہ ہیں یا ہی یا بر دالكردددي. • سلط سهم لرم سلط عادار سه نه الهاب سال د ال بس کہ ہیں ہیں کوید کہ تینے ادل التیم يهرورفمر سي سي رايد لله يهروق سلهرم ووس كد المعتمرين ما ١١ مين مين و مراسر ميماريس سال انور داشتن بردن آوردن يا سهراموس المادم سيد صرسك الوس علم لد عدان سهر کورد برس باز کفتن ک نه سره کد بری کست سهمر لند سرمراردم سک میسدمر ، وسی سال m. Dan 16 . mme mongronder on et me sia مسحسان هدره معسم المو المحتصد على الل المحتصد هادا بحد یہ آن عسله داسا هذا دارسام عساد هذا بد بهزاد مدا الله سانہ سنی یہ سنی سانہ یہ آن زرتنت

הוח וו והסידים לחלבילות. החלשל הוחות ווה اكرن اوت ن سخن بر رويد त्यर ने देर तक विषर ने ताता कार ता विषय कि विषय कर कार कि की. دوبار کفتن المدورديد بسعرد ما و العاصما ماصلا عنه صماداتها الم مما الم الم المعلم المعلم المال محمد الحمد المالم ما کذانت مینے کہ ہت یہ دوستا دوبار ا عمراممهرم و مسدة سالحه وعرومه. و سه عالق ديوان كردن اين كر نيز مممملا فرطمه سعط بحد اصطبطهم سعماها سعماله كردن بهت أن دوباركفتن بهت كه ايدون A115 meta mad moon moon mate mater 1146 نیز اولتا کردن بود. استے کا او الهم ساهان به اسماهم و سماماس سهاده واسماله دويار گفتن اوتن سربهادورددم. ارعامها ما المامه سوفاهم والما اوت ن ننى و مورد دد روسيه مرسم و اسماد و اسم د و بارگفتن فعاسر فعامر ساعاق ما المسال المساطع ، ملك دست استدسه بهت سنحن دوماركفتن ndedrografithe. , nommer minner e dathingresse. رون meen. men . monnynagon jaco . meneren . آن Sir.

مدرة المان عدادد . والمراف مرساس عدرة والمعرف فعامر ماهاج مارساد مهرمهما و مهاعه ماءره Emsens . melle parmanen . Jelensonsel. . Descrip اسدىن وسددىد مهد شكله وسالم مادى دى دى دى دى است وماسر ارهاممه بالمسر ساعات هذا مسميان عماراممهام سستسد سرود ولسرود في عسارس سع علد. و سدرود وروس. ه باعا المحتمونية المحامدة حد مهاادم المحمد المحاطرة المحاطرة آن بوید که دوبار خواندن و جمار مارجواندن ابن اوسًا ظاہر هذا صديما بهد الد من صم الله الله الله الله ما الله ترمشن دوبار گفتن جمه کر یا در شهید گفتن بمر یا ک שמושין פיופורה החושים ובו ופורה פורה ניה מקבתהן מה حيار مار كفتن كر ي تخفون كودرون ي باج كرفتن ماله معرامه الرسامة ماله ماله ماله ماله ماله ماله ماله The manufaction of the same of the بمانت يا يُرنش يا تدريش يا جهارطرف

سعسر سره صد سرد هدا زا معمودام سد وبرد الد اوت یا کاه این به اول کذانت اش یش و نه سيم لد صرورمم ١١٥ بهدو ١١٥ مرمو ود بهد ١١٥ الوملس یہ فایوہ کا ہم یہ دیون Ji الن ا بعود سرد الا صدفواط سويد على حد تعالق الله مطالعم بهما منی این بن گذافت اتس از آن فراز نی الله مرهبروس الله والد ومواام بعد لله لله الله المارك للد به کرورنمشن سنی به گذانت پرشن نه پش نه پس نه जनााक क्षेत्र किलानेक्ष कि कार्गाव तीर किर किलाक्षि بوسد که دوبار گفتن به کوانت این بهر دوبار گفتن العرب مع معاامم اثب الله المالمات الله معاامم او او اندر آید تا او سخی کرفتن سعب سعب دعد المرادم العمر الله المدادم الله مماراهم اتی ہم آرائن او بھر کے رائع کرفتن الله المام ا ک او باج کرفتن او او الدر کرند که او برکشی لد صراامع بهم كرم انه اسرانس سود الد صدواام مدد رود باج کرفتن این به گوانت ایش ما مراسر اسادمها ما مع احد اله المعتمامة ما معتمامة المالم المالم کفتی آرش از آن فراز عااله المعل باط هاده الله أسلامام عصاله المعلى الما الله که زور فراز باج کفتی اطراب او بهد اواده معمد العمد العمد المرادم الس 1 / لمعلم الهام عامة المهام مهم مهم المهام المهم المهم المهما المهم المهما المهم ا دامان سنی تر کفت کفت ایستد دستور

1.

العاف السي الماليس العالم الماليم المرحد المرحد المحدمات المالية سی به کفتن ارت باج کرفین درتی او درت اور ودا يجاد من من علا معمل الجال مام علم المحلم الحرب ، السادن بهت كر ايدون كويد اين يه جير نولس او سمامه والد به ماسو سه هامه مهمدادم سمد اله المالم راندن ہر آن علي که فراز رسيد ات بيج کنتن سمع عاد سعمدا لله المداري سات والد صدمة سته عدمدا دورالماداوم ست کر رمید این ہر جای کر رسید ایستید سيد ، اس اسراسريد سيد رايد الر معصوبيو كرم موالاراا ممر وت بلع كفتن وزنس به او ادمنا البتيد سامة الله معمدالما معمل ماصلالها محمد الله وسامع علاالمها معمد این به کوافت که دامند ایش باج یاز کفتی ارش الله الع معدموسو دوالها المام تعلم للد سردم الأدم الله الله السلام باج او اوت اتادن که نه دامید رش بن اسلانهم سرم علم الهوام سام مدم الهوام علم ما معادادها سام کفتن این ہم برکرد این جد برکرد کے دانید التی لسوسد عمر الماس معد عد معامل معدموس معدم معدم المسلم عمر المرادم سهم لد سرمه اادم سید به اس اس اسران به اسران به این این این این باز کرفتن به این عرام بحق المجالمة والمام و المحلمة المن المستسلمة ومورد يركرد انج بمدادستان بود كدام رد روتنا مار المحديد وردود و مالة فعامر معدما الها مطعدما مراهمات رد كوام اولت به سرايد له عكم

اس الماري واس فاسرس ساسهمالي وولسد ورودم . عدا عدما مداه رسم معمد المعلم عدم المدم ال سرای که میزد چرکین یس سراید made in the familier of most of com. o 1 polonel Alone reforme many . monohomer cease. Incomender of por monohomer الدون يون بركس ماسع في اسما معادد بد الماسر (در بد و المعادم و المد سابع المعالا نیک راسیم ستود نیرنشن جمیشه دید بینے عبع مدما الر مسااما ا مسادما مسلام الله علما و المسلاددس م. واسد اسمر مسم سرسم واسد و بعد المح ومدم اله المالية یس طرف یفت یه آتش ومنها منها ها عند ، عدد رام هن المن المند والمد سلاهما في المد الدي و معالم و المعام و ועכט سامس هاس الماللي هاس المالهالم هاس المهله هاس المالهم سان معراس سان عمر و اسرع مدهم و المراع والم يا يران يا وزان

طعويد

عمله عرف ارجا محمالا واهمه فالمعادلات على المعادد المع اد بر اد الدون علم درتور Troko my elogi tota man man ar denteres describers min اوت ظاہر أن يوم كا أود مراس أ رالد مدرورام فكرساريس كد لوديهم اسهام سطويين اد اد بهم لهما مامسر اله مماذااما من المرامها الدامها ماملهما ممهاداط سلعاظ الله فاله مر الم فسر اعسهم مواهداا وحد ہمت ہو اثن احر والمكالم المادالهم المحمد الم والد بر\_ام وسك يصلوم موس الحركردولي المالمال الم بر دو مرد کار کرارد ارشی او سر کندن سرددمر السحب المصاسمانها المار والد س عدددم صراردم المما ظ ہرکنند یہ ہر سے ظہر ہوید ک ام لمديها داس ودريس درو درمط معرو لسد سري المحريسيور كد مطر مين بول عادم عادم الماسال الماسال عادم ما ما ما الما الما الما الماسال الماسا آن يوطان ادفان طان بند اين ك عمدا ميدادم سع بام الها على مام المرك الله مم المال مماالم يني زود برسم به سامر سدوم سريد بوسرعسرا ابن الماري بويس مس عبوب ال راسیے مین بیکان این کیرند اتنا وسعامه الله الملالم علم الله سرطامط الم الم الماعة

المالي المعلم ال نهادن بمن اذ بيدون كويد اين بمث كي دلت مويد سي او اوسع شما الما الما الما الما الم اوسع الله عادما مامم مماهم ماهام ماهم مرمم مماه ما الله عاام در کفت مت کر باده فراه سيد سريد الله عدادما سايد مسحما مهومد اوده هاله عصم كومد ابن شايد أركس ينج ميان ما دادس بهماس ساومدم الدومه بعد ١٥ الماسان بهما خورسید زینت آرس او بنتن معصد كد فردمهم الله واطال سعب معطر وي مارس سهم لسلا ا فوس وروادم مدهاسه س المرسدسلساند. و عمر سب م سي رو سهر (سه مر عبر سي ه ميريد . مسر الد مسهر السيم الم ه سمياعه مرام الم الم المحمد معمد شعاسه الما الهرمامي الما إلى الماليم الم الم الم مس كامالها كون أرش الجلائمة مومد ملا رسعة الملك ملمعلالمة مومد ، مماع. العرب سر الله بالصلا الفرندرسارسال . الهالم ساها

لسريد سريها مويد امه اسمامه اوا ديمه وي معدد مود مود العم ب بنت ک أرش بلع كرفتن سرهام بهاس مهمد واسد (دد کر سرکه سدموس ، اواد که و عد الماهم ساعام في سيسد سعيد والدرودي مع سميد ددسال سيع العرب ادر سال سيد (سمرسد م بري سيد الهر ١١٥ كدد لد لايما معمد عال معمدالها ال (العاديد، و المام المعدمود وادويها الله الماديم المام ممهوله man bory john aleh le donn or donossen اله دارس مهم او بالمصر معد والمدروس كم رسم او المد مالم محما علا محمالا علاان مامد ورسيدسارساس و بعسيه ا عدارت عصرب الا المواصد

له ماداما دوامادادم سرعوم الالا سلمو مستحدد الله مد مسل نه کخت ایستند ہمت یہ ہم ظہر یہ آن زمان فيروروم بيهم كامر نه اله في في في المرادم الله الله المرادم ال وید کے زود یہ فرازتیام بن بہ روید سام كرم اله المالمال اله المالمال اله المحم سلد المال این کر به باج كرفتن ب ٠, ولسعم سالد وسعد المرادم المرادم سلد الم الموسيل . كفت اين بانك كواردن رديد بهم يرمنن گفت بهت که دو از اداشا ما المالم مصد تهما رادمها الد قالمة محمد محمد المالم اذر کاد ائن پڑئن مس بہ مکدن دمنور کفت ہمت مامة فاله صائمة مر سعه الله مرسوط عا فالد مديد ساله تعلما کفت از ہر کی این برس المن عاميه المنافعة ا ديدمادا ياما سأبد ساما الله عدما سالد ساما الله مستما سالد ساما یتن رود این که به این ما وسر اعمروا المرادم بردهار معمر مد الممالما المد الممالم او کار کواردن روید کولفند کی نه کنن ز کنتن علما فامدما باسر رس ممااتم ماله معما اله اعدماره عمل كوا که کشت زود ته دادن الصموراء الطامع مامع الحر مساامة عمل المد مصعم له مساامة كولردن رويد زور او دمين كم به كفت د ماله علما مه معلمة منهم مرا ماله اله فيماوااط جامع مالم کر اول یا این به کوافت

أرض بم درنتي او كرون علما مماما ركال كاسر كاما سام الله الله العدم سام المام الله مسعم سريد سيم اكر واسكر بها مرادم كرادم كريد سيم ليد را المرادم سال روادم سال الموسد الله سال ١١٥ ماله الله الله أدرنس بلج إن درون او يوكن كر ب له بهاسانها ساعام المتعموالير ساله المحمدة سح ماهم مماادم مته الهدد ورا اهار مدما ک مازای دردن به جد ahrich al hoten elle • سيمد إديميد • ١٥ و١٩ • 061

مهم (العمر الحرد مهد ) سردسم ماله است شفس مهد ه كدس ثلاث فرسد ماذكيد لهامه عدمواردم وام ىلانىسىد. الهرسها مرابه المولي رمر کد لند کا سايده مست سايده (سمده (د س नकि कि कि त्या July lon 14 کړمو स्ता स a madamermant. ساتسس المرسب العالم عارمار و العرب العرب المركد ساف شه ارجامها المه م فورنصانی سوسى سهرم · no 191 bon) - Exhnamo. Exhnon ه و

اوست کم بت نه نوب که به نوب کومد رز آن بیتنی ارت دت یه مایک او بوید مصه فدر افاهة كما صلاادم دياسانه على بد الم افاسر ايطالها ورش کار و کرفه او بوید یشتن از آن او یک دوید سماعدا سعمدا المادي سام ساهام عردوسا عا بحد الم الهاد الم ہے کہ ایدون کوید این بہت مرکزان از آن او یہ سیر المسر المراسامه سمر ماهم ممادادم سه مماد المام مهاالمالة یہ رفت دانتن مرکزمان کہ یہ بنتے صراادم موالارادم لسميدم سم بها فال فالهامة والماالم نه ف مير انس دست به ياک او بويد معمد عا بحد مصل محصلا الر مممومة مدم علا محملا المااي ذرس در آن پرخن کس د پرهین مت که ایدون کوید سلم ما المام الماس من الما معمد علا المعمد المالي بالم این امت نیرشنی به نه بید امت که ایودن کوید این العام مصلم الا من أدم المعام علا معطال إلى الله المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي بن نه بید بست که ایدون کوید بست به سر معرف من المحمد وسر أواه م معرف من المعرب و سالم مهد وسيهم وربعد ورسم سرور وايسوس (سهر وارد و . مسه باما مهمه ميم هي هم معرفار ماهام سردي والممه و عاماد

الما على المركب عامل الماع على المار والمارية والمارية والمارية والمارية والمارية والمارية والمارية والمارية وا ماسهاسر کرم سعب ماسهاسر عبه m? & Ameandan porumania من (سعد ورماد ورسم و ما من الله الله كرمون لمان و المدردوسي معرب من الماع المدد ووسودين المربعة عو الق معمل المراسة عو الما حمر الما الم یہ آن کان المارديم. والمروريد مستريط عن المروج عن المروج و المرود ولالم عصاله ، علا سعمارا شفس سعمارا الملك رادمها 061 المالمالمة الله مسماركمه في المساولة والمدادمة نادن سادها المن المرسو المقاسم الما المام المام المام المام المام كد الم مهم الم مفصاهم الم المصلا الما وسرد تعلم مله الما فالد فالد فالد سیکمان به کار برتش این به بر کار این شاید ازن تا دفتان بوید اندر روز بوید نه کوافت

ع واماو الا وسر ته سد سمراس سم عاد الا لو سه اذ کرده یه بازده کام کاه دافتن بهت ک یه سے کام Alled . اعتم ماسه ( الله و الله و المعدد ما المعدد ما الله الله الله الله الله المركبة الله المركبة ا موسرا علاادم موسر على سعم له بيد ما يد معاسماس فرنتن ہمہ ہت نہ ناید ملهاما ادماها الله آله آله من محمد معدما الله مسمعا أرد mon most in hear though it seems of و محمد المراسدة ماهم المعامل سع محمد معدما ما المعالم المعالم المعالمة المعاملة المع له مسعما مو عوم سام سدمادا هادادما سامهاما سارمهما ت يد آن غالب أرض ابن البودن كولد بت صابعتها له اصابها مهمها عبد المهدمة لهد المالمة ارتن المحمدة علمه الما معمدة المعلمة المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمدة المح כאנ elles . Senspresenn . لردم بعصها لربر صي المرموم الطعلم لردسهم اممودو الل Julen Jenh Gh Roug والهدور صاحب ادر وداها المادور الهوام الها عسمه والمساه کی نات

Allad De Bandand moraneret Réstadan es mora سري عسدمد واستمام وع ١٩٥٠ وعرف و ١١٥ مسدمها وس والمالم سرنصرااله لس سهم عداردها سرب مع فردم سهم عراادم سدما که کوید این بیت که کرید برت سي لد سه مه مه مه مه الله ما الله المراوم ، وعي بكرودما ارف نه اوادي دادار به تنافر ويد كدام سدوسمسدري عددم و ومرسكم سردموس ومرسك an bothon on on monde forms from monen on the major سعما فرماد مديه هاا مدا عسج وماسا مسر ومواسعما ساس بن ماديسان باز سايد بين ما المراه المجمعة المحمد ما المحمد ما المحمد سنی آن فرنشی بهت اولتا آن بوید که العام ماليه على المالية المعام ما رادم المال بالم یہ این سنحی نیشن کوید ہمت دین نیت بہ جایر ماده دسم مسلم سفحهما مدهاسم عد سام مماسة سال درانر د وکردان شافید از این جای اعتماسة سر المراسة وسلام مصلام المعالية الماحة والمدة طاہر سے سنی سال درازیر نہ درکزان اذ آن جایر non by bonner land mer man sunt le mon get e mono י השלים ימניחי באותם ושום ונותר ושותוש לשו יבן הבושור איניות

١.

سامع لمد عدومونو عدادت عرفيما لمومع لمد مماادم عمد ١١١٥ عمامم مركزان ينت به بويد ك به واق عددم ا نوا درهما له عدادم ا عدهس له وسرادم ساعاما را مرهماس ساسلو او سر اسر ۱۱۵ عماصاد عدم عدوس و صرادم عم سد باس سره باس عادد عدلهم الها مع الما مماداهم عمامه الماعم الماعم الماعم الماعم الماعم مرکزان به آن زمان بوید که او کرد این بیت اسرايع وام طمهر والمع وسيسرمس هاا (ال سعم صرم ردن بی کشتے رفتن ب افا العادم و معادم معد ديماد الو المع فرمه والم طالمامة الم العمريم موس فمر واله كد واما طماعا مطمالاتما كد ما سات الصها لله صرورهم لها الهرموسي سويد المام الما الماما ستة الالم المعادم مااادما (ما ما مار علالهسرا بيهم كمراسوس لله الدم سوب معرف معرف المعرف المالية m Allied And whater many m chiled no

مع تصد المار معلم معمد معد المار معد المار معد المار معدد المار م ماهاد معرصه الها الما عمد ماسم الله الهمام معاسم ببيج سامات صح مام محمال المعال المعال المعال المعال المعال سامان داردان ک المحت ماد و معاموم على الدرامة المعام عما مماامات مين من الر وومالموم المومد عداملات وومالموم وومالموم عدا A mare mary ly regal 154100 Append or reprole ام به معروسا الله مساامط اسماما المام المام مرکزران نه بوید اله ا كد بيسا ليد صراادم سهم كد دبرسو الم اكثرادم سرو دولوميل ورد ک آن جای او روید ک سے کد فردم کا محمد ودموروس اس اس اسران سوی سرا اس رستفان باج ز سراان الله عد مرسوله الارادم 16 عوسم عود المادة آن حای اور رومد کم سع در سال سر وه رس دوسر عام هادادم سال له مهسما مامادا سمائيه الادا مامه ميماده في المراهم المراسدد me ge mang men gendes our (ecolose . An

١.

سعسوا لله بعضيم بعدسوار لله دكرسوادم بسوم مطول روت نرايد كهنار يزند سال درازير اله مادها معر مما ادما م المحرب متك مود كم المحاسب عدد المحرب الم تنافور بويد اكر أن يك الداره سنمن ع- ورسعسر برماد. • معا بحد شلا هماعمم مارسما العالم عامماالي فراز نشرید اک آن کی انوازه سنی فراز شیرید مرصراص مراهم المعام الم هاده الما المال على الله الله المالك وسنور کفت بست بلج فراز کرفتن بلج این به کفتن والمصالك من المعم المعلم الم الما المالمال و المدرد المالمال و المدرد المالم المعم المعلم المعم المعلم المعم المعلم المعم المع کفت ہے بیع فراز کفتن باز المهم المراهم و معامل المراهم و معامل المراهم و المراهم المرا باز ار آن اور Alkeinzenton selkinen e Alkinen e Alkinen odde, mere de Alkinen e ک اد آن ب کندیدن المد. • علم عا بعراس سوراس سال عابد الله مالهاسر ك از آن به كنديدن اين از آن به تفافرر مدادما عمل مدومداسر مع ماهد المعا ماهد المعامدة الم بوید که کمیاد نه این این حایر ظاہر اد سعدموسو كد وسردادم بهمان بسيساراسك سربر برفيك للد دوروراد اوت آن بوید که او کیمار نه رستن مواها العا كد محمه صامحهم المعام المع المال المالم در کفت بهت باز فراز کورد سي اين ب كويد اين به كفت ديتور الله الله المادم المحمد بيج مه نه كيرمد أرنس كناذ أن يُتن را تنافور

الا كد ميادم بهمامه سارم بعد المعاطروم ووالماداري ال ساماس ساروس معدر اصعاهاادما دفاهااادما معس فرسعما مؤالها الدم ساب دورم ساب مار اساروامورا كد رسادادم الساب ايسيد آن ينت إين توان مردن نه كيند كناه مصر فلهسادو االدف للد الساام دوالهااادم طرب الهم ساعام كران كرارشن كناه نه مرد ايسيد روشن كفت مرت الما ود ماددم المعا هدا المن فسرم مسم هاهادادما مسم ک یا کناه کوارر گفت ایستند گفت وجاسااتم مؤساره مكسه مك سامه مكامم وصوما وواكا اادما مهد يزيد دير بم انزر اين كه او كفت اليتيد انني صوباردهم معوس بويد أرش رميتوين أ بويد أرش جاد تكويْر نه يُرتن أدني مودن كه كلى الله كنهاد ساع بعويد العدم الله ديدم ما الما معد سرم العالم المد ينت أرض رفيتن أريت بريد عرسان ما ما الم المعلمان المعمولات المرسور الحر المد المرسورة يتن ارش اوي خوردن درخود او اين ياي سلسوار ملهم ملك ومع مد المامع من الم كفت كر ينت نه كرد أيستيد السي باج تم ساالم المعالمة واما معالم الم الم سمة معمد به المالمة دادن که او کرد آونش نه بنم رسی آرش نه کرفتن

سعد ساد ها وامال المالية المالية المالية المالية المالية المالية ارض اور به کرده او داد بابنجاند جایر این رسید ایستد سیده میکان برت یا بعد میانی برت را وای استان میلاد ساعام میلاد میان برت را وای اعتماسه ساد مستعدر ورا ووسا سامه ساده الله السادس ساما ظاہر ہم او وہ درون نرکنی ویکر باج کوئن کہ صاعد ساند لد تصور مهمه در در سادم امه اساد وہی این نہ ظاہر کہ درون یزند باج کرمد سمسمط علما علم ووا ديم ساني مسمور ععد مدافي ها ياط الم نه تايد که بهم درون يزيد وه چه کيد نير يه زود او مان رسمه اسمهاسر باهم سلعام مسمع و دمهاد اله دیکر ز ت مید در در کفت مت ت مید یشتینی ترم المالكمالا اله ال ومعاد اله المال فلح سلا مسمع ، اله المالماله يُحَانُ يَ يَنْتَ يِ بَر كار ابن تايد يه زدتي فايد بعضد بعاد مصحم علما مهادها المع مفد ا مدهما مالد بركس اين شير كه ع دوخت نرم أرش وليبرد اين ما معطر سرم مداها دواها العما موالها المال عدم علمه الهال المال المال يا سنحن اين ينت ايستد ينج أن اه به بمم كار المعدوم بن سما من الهادم الماله الماله الماله عداله عداله عداله الماله ا ن يد دستند كفت بهت ع دوخت نرم اندر آوايد ودريس كديع بنهنم رفعه سالد معدد الناقب بدوريد الله الم کردن آن اندر پرکتن این ارتش اول بار بیم د رسید دوالما ادم سرد مصرعسوه والصرب كرمون الربهو والماء ايس بند بيكيان كون زوتي ديد

سعطامان ا هر المام المام ساع سافعانا مع المور مع مسمعانا اولت به تن این که اذ آن کم راسید ایستید بعوم دان كار ما مصماد المعلى جد ماعملة المالك مصموم مماد فاما زور اذر داشتن که نیز آن کیان کمنند خشید یون کرد المام ماهمام ماه ماه معما ماه معمامهم ماهم الماري المهم سعدهم مدا وال معدم و السر الكرامم سرو مراد كسك بیکان کے نورز سازمیر بہ رومد مک دیکر بلید المادم سيسدم ساعرم صماري الا بالسمام مع ليد موايها الحم الهم الما الهم الهم الهم المهم المع المحمد علا الحراجة ازاد مرد کفت یه بر یشتن این جد اد او كاما براك سريد بمجمدهم اعر مقسمه مكمل بكيد ماعساده وجراسانهم مرد این سکمان او آواید که سم کانی یفتن الم العاسر المرادم لله إسلامه عد العر العاسر المرادم ساله لله او يل رويد ي كردن آن او يل رويد ي م اس نه روشن درنور کفت مهت به کوارد یشت اول فيراعا اله المع المكارمة مسكر المعالمة المعالمة الما الما الم خنزمن تو داور کردن ہیں کے کھان ب اله و ما ما مه ما مه المعام الما مه ما نادم تابد سے روز سے روزہ زمادہ اوس وہ سمعل و مدم علا معملا المالاق شم على إلا فو فالمل مماسم المت كر اليون كولد ابن اذ بن سے روز كردن نه فالد

my may make the momen chamber Alle And یں کہ اردافروش کند نه ن پر دسنور کفت کی م ساود رسیویر عدارسی (سیودرسی اسی فیسد فرسور کی اور חחת משותא וספוום חוושן פוופול ופניאוו וחלוחת מקוו הוו زناید کا دوخت اول نخترمن رتود بربروتلا کردن سنی یه سلس صداها صوموند محاسانما الد ١١٥ مدها والمع و سعم ہمہ ختومن شاید پشتن یہ یہ رتوبربرد عدا سمودا المداد سرفام واسع والمواعد محاسداتها سرب ملابعا کم ایدون کوید این بهت بر نیز اول برید انس تخفین ااو العلا العلامه بعله علم العلا سهام الله بعم علا الح فكلها مدم المصميط والمال الربعة المحر الد تفييد المصدامة ب براتی رنت دوادده بمایت زنودبرمزد سوسر سراهم سرواده المد والمراقم المهادمين دمِثَنَ نُوبِ ثر بِرِيدِ مُرِيْتُذَ بِ بَهِم يِثَنَّنَ خَرَامِ الْحِلْمِ الْعِلْمِ الْعِلْمِ الْعِلْمِ الْعِلْمُ الْعِلْمِ الْعِلْمُ ال نتین نر نادر کان بنت به بت که بادوخت سالمة والما ما الله عالما والمال ما الماله عالما و المرابع اول مرهم بمت دفيتن نير اول كويد مروش درون بر بهم يشتن جراح المع باعماد عامام ادميها الما المهد ولما هذا بحد المحامدم درون يه أن جراح ينح اول وه يشتن ؟ ؟ يخ

وسرعد استعافالعلما بلا بعد بلا بعد الله المالية الما يعلا العا بعسريسهما و مرمور جداريع مان عدا بمديسهمريم الله فيتوم عالما المراماد ها الما المالم رفن به این دارمد معظالمان ور طالما معتب و المستكرمايد عادماري المعتب دردوره المحمد ، المال عام م المحمد على ، فالمحادث و فالمحادث م مالاصل ، المحمد م الله معدم ومقدا مع المع المع والمع والمع والمعالم المعالم الم دريكي. و الهذاح مما ادم المعم ما الما ومدما اله محاساتها ماها تسهم معرضها احر الاصالحاء ملاه رس الله راس سے مامع کی وربوارس دی اسان کا اور ای ایک ادما مع يل رويد اين الما والمراهم في محصلاً المرابع الما المحمدة المرابع الما و رفیتن اول ددمالد

معمد معمد ما معرف المراف الم الم الله عمم الله عمل سروت يت اين يه فروددليكان بهت اين نو اه والله عبيد سالم ساومهما فالله مل الله مي الما المعاملية ہر ماہ سے یار نورنسید ہر رفد سے بار رفت بذہرفت tentrem 1161 am dervous ten am dervois dervousen te از دون ظام کی این اولتا سفیے مواهداامم الكمامة لد رامه سعم عدا سعمدا عدااي ساعام السنيد وديكر نه روش بمت كر ايدون كويد بمت سعمادا صددادهم عدما وسعصارسك سرهسمم والد ما سرسك الاوں ہوید جون کینار خورسید ہر رور سے بار سامطورها دوا بهاادم سعم عا والد السرساد بهاادم سعم الستيد بهت ك بر يار اين كويو بهت علا محطال كالال سام معامل الربعة مدمعا المرسال مدما الم الم المودن كويد اين بمت مرسم المتواران منودن الم مناودن المرادة المادة ومعادلا الله والمادة المادة ومعادلا الله والمادة المادة دمن التواران دادن كر به دميد اين دلتور طمع بالمالمة معمد محمد بالمام المعام المال الرصاعة سندن ودو ده کفت بهت په الله سمعاليد وام دواها العما سعط 11 استوسام كالاروما کے دوت کیے یا سنی رفت m. م المستديم الله و المديمة بما المسلم عبه المسلم عبه المسلم ال بسام سه الله ميافارم مله مله اعتصم و وردسوس رفت منے بر کوائٹ یا مک کردہ

سىسدەرد . ىددىدى رىدرىسىم . ماسىدەرد دىسم مامه مع موسر اسمعمارش ماسامه ماله . سعمد الاصادد ركنن رور درازير والسترويس ينتن توب ايدون ويكر سع. ساست و مدمود سعه و سدمور ومودد سدمور دمودد ويسوس ايدون سديكر الدون ديكر الدون سديكر دستور المهم ا دامه الكوم المهم المعلم المهم المعمل کفت و درتور کفت کفت ہمت کے دو الاون بمت nhamon han Jonne mannin elenting nan o m bak ايزول بعسدهاد كابي مريكيو إداميره كاسم وكسوسه ومسوسة وهردمود هو-عوار مهدونها سرندوسيد بعصر بسودوسطي اعلى ، سمر سيمر سدمال یون کر اوول Alle maré مع بحد معمل ها الع معم كو العربي معملا وما معلا والم ہم از آن کہ یہ او بر او او ہم رہسید ہند عاق الله عما واصامال معدما الله معمام معدمام معدماه عادم اوت افر سال نر سرايد ايدون سيسن اع السم و ورسخه مسرع ، المرسد المراهيه ما سريع اسار د ما دويد و و دوي ما مريع اسري د مريسه مورد bornoge delinger . . regulas-messin-ellem (-e.s. كخه كار سار ایمه ماروسدما اسه باساس بهما بهد مارودما صاما نحد نیم ترامید بازا زنشنے کا ہم

min med mendenent Ding. Ding. Hon 1161 mings De (na epteart) mer fire mer mancar du les mer (er med e. و سعد مسم شده وهذاه ومع الله معموالم معمد والمعمد منه الله مماهاي الادمار ما وي مستسرا يوي سيدر يدي وسمد الارمه ه سدند (سطه مدد ماده و مردسه ماس ساسدم و مددسط، وسرس عمر واستعماس و عدد صحصد من والمعالم الله والمال الله مصرفه سموس مهم مجاساته ساعام سامه سامهم لسر سيمادادم سيه الى سرمودادم سيم المالهامم المحدمال دام Tende o mon of races on eson of mon and have سدور كس مدى دوسك بالماسك بالماسك بهرست بالمسكن من منسى بالماسك ماسرفع. هدود ومردماد. • عملا ماهم دفاها ادم ماها فالمعتصاسة بيون كفت این از اولسا مصمرة مع مسارما احدة ممهدارمس المار معمد مماريم مسردوم برم سيد روسرا المعادرهما و المدود براددم برها سهم ہم یرنشن بذیرنت دارسیے دولت این کر

علاامط مال مع همه الم و و الله المالة ال الح الم عمار الماله المالة این این پرکش تو را مم والد الع بيولد الها لهديد السعر الد مل والدم بالمسالم بالهم باع دین به پش و پس به کذارید دستور کفت मिन्ना , हात कार्र मात कर्यक्रिय क नात हाक्रामा ہر کیا این فرمان جاک ماهم ساهاما بعدام ادمه رامع سه س معراسه والم الم مخت بهت کیبارکی زیاده نیت سنے سه فران جابک این او अर्यकानि के कर्ता त्राति कियार विकार का कर्ति के कियार سحم رميد اردوئش ياي مريرير بي فران جابك بعدادستان क्रिया मिल पर्य निष्य क्रिया मिल विष्य मिल मिल मिल मिल क्रिया سهم بع معرم المعرر واور ومدواام ادما طوم سيه معم سرا بيار كذائت زماده نيت ين داد اين مسرمرد وقرود وسدسرا العددم وسرب سراه الهسادو العدمرسو دکر اوس کرده درازر یا دیکر ساعدوما ودا وسرد الد معدوالم مالهاسر سالد ساما كما که درازی به کوانت شافور این که آمده كد ملاما معدر فاق الله مماهاما ادمه طعم سه مالهاما محمد مرضه المار المحمد المحمد الماهام ما ماهامهم المعمد ارض اردوش وخور و بازا و یات و "نافید الدر می الان الد المسميط عرسواصر موسعة لسور العاصر والد مر والعو الم صدادامه سعما عدد سعمادا عداامع سرمة سرعاما حد رس معما 14 بريد ببت كر ايدون كويد اين بت أن

1.

المال مال مال مال المال کنند ارتش آن بهد بوید یند در نرفتن او به کدانت مواهدااي سعما عدا سعمداد هداري سال سعم بهما بعدم شعر سعمهم ہت کر ایوون کوید این ہت کہ برشن کس اله اله أسالك بحد الله بهم المالي المسمع المعمل المعمله ن د وارده ممالنت سعوما الله المعامرهما الله له دجاشادهم ادمه رامع سك سار سا راس دوره والد الحام سود للد سرد بهم سرقواد قور العرى سود الله معلىم ومعداد ادىك طوعر سيه سر سريد سهم دورم سريد ت مد یت از داده نیت کر بینے فرر این کر یت این راس بهمورهم سيوس عاد. برايد بعصورهم ميرارم به ليد فريم الله كم محمودة عصوراها صدارها على بمستصمة. Ju وعردادهم سع مستصراراسك الله ماما معردادهم الهاد معام معام معامد

ماسم . هددم د ، سمراعه . و بعد مس مراعه . و در د رسم المرابع . و بدرد سرد درد سر مسدد مادماه. ، عجا يد الد امر بد ساس ممه مسمال معسمي الما موم كد سدوسرا لد مدودام وكرسرام م بدولان الم ينم مرعي اسع مارس سعرسرددد في سودسه بيه سه در سعماسرند دد مردمد. • کار عما ها هاد مرم صعصوا سععطوسك صورام العات معمد معمد م المسرورة . وأحد (ممراع) على المسرورة . وأحد (ممراء) على المسروم والمرادة المرادة المرادة الم مس هدر (در سعوم دره مد معرف مرادم وسام العصهر لمد مرسادم سلا محسم ساقويسا لمد معاوادما الهميم س ماليان مل وجاساتها اهمعنصل طدما طالعالم عساري طها عا همدمامه اعطاله از این عد بمادرم بالم مدوم الله المولاية الممال مد وياللهما كد ساله شده الله معملا العملة المراجعة الم و از نود

سدي سر مي وا دم و معود المال مال مال ومودد المال لس كفاريع يشتن يا بين دير وجاساتما كد سات اعواله سدسما الله شهدادما ديمادا مالهام آن این اول کسان ن سريد مسراادم بمره رفعه بسعماراسكلد بكاسامااه اله المحمد بسما السر مدا فراه الله مسمسال من الما مالما الله الما علم مالما الما مالما الما علم المالما المالم المال ہت کے ایدون کوید ہت بہ یات م افر بهست سعد (سرردد د فر اس عهه . مسرس کی ا عاد بسعمها و بعد بهاوم المعسالة هاي مساما . مله الهدي سمر (عفي استهاع - بالديكماد، علا على جد الله الهاد بلا وبها عساسدها واس سامع . وقس سام سعر معمال سام سدودار ساره درم عجو اسار ، ساسرسطم، موريد وروسم درد عددسماراكا داهساع كالمعدماركات مسار امر سدما طاهمها

neh le 1161 11 hom montred mending man the The بوید کمنار پشتن یه در کمنر عامله محما مهما المعمال من ما العم العد العمام المحمال ما المعالمة ما عالم المعمال ما المعالمة ما المعالمة ما نه بویر به از این نوایش او بوید مچير ہت dats surther the souline me mount forth forth les اولتا فلير يفي ك نه بويد معة الماس مل رسم و معهم مهمم معمد د مم مسه داما كري كوات أنهم أو روكسن ك الله العد الله المالية هما المالية هما المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية کاه کاه فراز راسید بنے نیرسن اوت ن یہ جب النظام mmonne e monde en en la mande de la mande de la monde de monde e monde اذ میانہ مئی یہ ادمیان بر Kin . Imbark 1161 11brn . remo. resent . to som سازید ایدون بر زمشان ایدون یه زمشان ایدون י יצא פחורי - ומארי הואי הואי החורי החורי היוה איר ובי האורי رمشان اکر بیش آن ابموثور مرسددد مردماد ، (10 مالم) المجال المحال المحمد ساله المحمد ممالهما به زمستان ایدون بش البنود مس مصرم عامدور عصامه المساهدة المستدمائك دمها الددا يْرْشَن ہفت گاو الستوو Jean Ghallanth Jan m In Gilban .- mhellaman. etilon الدون أنير بغت الاد استود

١.

سي سيدم المرسع ما سودم المهم المعدم المرسع و درسع و درسع و المرسع ارنش کار نیت نه که کار بی ساددسه ورسروسون ساهسي درسم ورس سرسلس م سا مرابيد اين مين فراز ايستد معموم رسم سع سامه سالمه الهامها به ساب معربه كذكار بس يغي ندكناه ك اوسنان أن اين مرابع كد رد سررد عسرود به مستور رد ماد شهر لرمم لرمم آن " الد ساند سرهام دراسانهم سلسه بد سره مرا ۱۱ مدمرار ورس دواهراادم ہت یشتن ہم ان خرمبتر کے ایدون فراز ایستند ما مسم طرمها الله مسمع واطاله عا الامت المعلم الهادي اندر کاد سر بر نید کردن از اوں کے فراز مؤد المادا معما سادمادا وما مع مند مدارس المس مدارسا ک داند یغه من ایرشن افد که و فید تران منفتن فراز خراج ایسند کم بلند خراج سعما عدا دسما المه كالاصل بدام سعدم ساعسدوما كالان جد مِن مر ينت طف كويد اين بهت جماينت كويد ان سام سرسيد لد يعدوسو سيد سيم يه والارادم سيسم سدم ۱۱۵ سدما المراد بعد مر فراز السيد سره مراد الماد سره مراد المراد ال ہت کہ ایدون کوید زنے ہت آنج آن این خوبتر سعمر علا سعماد هاره مواهلاتها سعما علا سعماد الملاادما ہمت کہ ایدون فروز ایستد ہمت کہ ابدون کوید المرابع الما مدا مدالم المالم المعامد الم المالم . فرام افراط مور بر که و توان خوید ک او افد کند

عامله عا كد وبهما ادم أسهرهم أسمدهم مهد عد عادم رایند نرتاید ارش که कता त्रमात्म क्षेत्रात्म क्षिति क्षिति कितास्त कितास्त آید که او درا برم خوردن ایش الحا ياهم لعمل المعالم الهاس المحادث عادم المحاد الح او رازن ارش کانی کودرد بوید که کولفذ یا واهم العمالية العدام المعالمة المعالمة المعالمة او دو الدر آير ساما لمد فاصما له فاصما المعا فاصما بالعر كا صلااصا ک ن ک کشت دور او دادن علما دورها بالمر محمد أسم معاداتما محمد المعادما زور آرش کاه اد اد اندر آید آزاد مرد کفت بهت که به بهرم بر چهار بار دایند سى كاسك ا صلااصا علم مالا المر المر المر المر المر المعادما انش زور او دادن کی يار يا دو يار داينر 1 נפנ כוכני علما معراس مرا اصعاعا العام شعاة أسادة المعر سالة ما المعر ساماليا ک مروش درون خورد کر یک بار یا دو بار دامیند سه اعدا سرد الله عد معطره معدد بسم المحدد الله عدد المحاسد این بن از مردی درون درانی کا. رت اذ برسم بلند دانش ارش باع ب مالمة ممهمه المس عدد فعر ممسع الد تمهم المهما الما المعالم گفتن مارشن ہم به کار شاید ب

1.

مكرسوريس بهم ربع سراوسك في اسرام ولمرع مراث سعدلوري هرسطه فراد الماامط عبه الملك هاد المم مم محوالم ديكر كردن بر براسم به جد كاه بت موالمالوما المسلك هذا مدما مهما فاما دفايكذالوما جه بملة جد کاه کرد ایش آن یک صرع عرابة المع المعالمة المعالمة المالي المالي المالي المالي المعالمة المالية المعالمة المالية رفييّن اول الماليون من من من من المال من المال من من الماليون المالي واعزاا بعصد لماسح ساعمه بعصد محت مصعر الد وااصم مهم وب معدم دوالهماانط مول عن المادم واما مول مول من المرش مر خوامد كرد أرش طماها البيسا الهاس مأال محطاصا محما على محما عال محمالا ک ابرون المرادي سام سرهاما حجم سام الله ستحراده موس س مع الله سطوريم سيسمم وليهم بادم صواد لمد مسمم بادم صود متعادمه والمرامع احتطراهم كالادما المراملق ملمكيد ماهما الودفرد كفت بتن كويع مومو والله على ماله سعه الله عد والله الله عالم المعطواوم طما المحمد المحم ي أوايد كنون "، برين جد دادستوني منت

صسم الملك مصطرامان صم ساله له المعاسة الما 10 الماله العال مسراس معدران المراس العالم المراس المر المسوم س فردساسلا اور ، وس كد صراادم ، سعدرس ور عسرسع رسي وسمع سيع اسوسمع . ساسم في سي ساسم في سي ورد . . سويد الله الما الما المال سويد والد شد الله عا الله الله ماديسا ماهم مادي الله ما عادي الله الما المام ماهم ماهم المعالم ارتش یک بار از سر امرد الل مترواصط مؤدمة معملا فالمل منه فاله صالمة مسم فاله وأراد المرابع من الله الما العما المن مما علا مداها على مرابع سلم مله فاله سالمر مهمداادما محممه مدما عدا محمدادا الماما ما اولا مام الله سالاادم مصمدم الماسالة امذر او این یه سوید مده مما العامر لو عا رامه المعهم المعا مواها المام عما مواها المام به الملك علم مسم معمد العمد المسلمة الملت به الملك بس دليد فرابنهم وطرف آن برسم سمة المراكمة المرامة المرف مال عبد المرف مما مما المرامة المما ایریانکام زور باک بند این بر فرود کذاشتن ک

1.

اله سروامعط مه مه المسر الله مه مهميه المسر madilion . wondomplier maclinani. . mollenin رامعا ساعاما ها ا فارساكا كالار مهم اله سام مهم Internegnoson et Findenden et Findendson عمى ساله كالار سمه جاسر علا فاصعاد ومما سكس

مطمادا معا داسه سع مطعاداتما المحدودة مه ملاهسال الم جایر نیے درسیہ راہیے بیکان تعالى المالي مؤمد الا العصور لو الله والما المام والد بن فراز کیرند آرت به اول با کون کی بر دو هدا سد مسر الهماداد عدم الله وم سر الهما باسر عده رمند مہ پش کم پس ٹونش زور بر سمعمه شدومه المام سراموم مين الهمها الما عبى س مانت اكن أرض جار المنت كاه نولتي مرماودها مهم ساددها مي المحمل الهمها مهم سهد ما بالمرف سالم مدوم موفي سه عدد المتالية المحمد عدد المتالية دو الكُنْت أرض دو الكنْت بر جواد أرش بر منعن من سوس منوب عنو سوس سوبه ود بر ادنش الله ارف ادف در بر ده ادف دو بر دو بر homen den plei egenn ere n men m -nd kom کم جماد ذرش دو بر ولسیرد کی بمارشت سامانها سان ساهستهم سس سامنه بر عبه بر ساعستهما سس بهایت مشن آرش دو بر دو بهایت مشنی ده بهایفت زرش دوازده بمالت ده زرش دو بر متعار اسطاه دومله محل محل ماعم ماعم ماعم عاام داد ده کوانت است کر تو نه به ظاہر اداش الفت س بعد الماله عدم الما فيها المالية الم دوازده بهانِت برسم توال کم

مرسة مقطوة عاد السر اعرسم مع معمدال وما معمد ما المعمد المعمد المعمد معمد معمد معمد المعمد معمد معمد المعمد معمد المعمد ا ادرشس اعميك ماهر المرادم المهادم معاد الله المهم المعلما מאכל دار عدال المل عدم المعدم المعدم الما المهم عدم الما المعاملة مدما رهماده الما أحرب الله فيهمادا معا ممسوما مهم return o mon hallbern young thank us had happen ومعمامانها مومه و مسلم مسمد معاهد ودور مر المه مالم صاحب/ مهم الما مستسي سامله و مهم مهم الله المالي و مهم المالي المالية اها سرس الله سر سعد الربيعاط قليد العالم الم سم عدا سعمدا المادال سام ساعام ما محصوم عصمه فالم ہمنت کہ الدون کومید این صالمة سد ست سموا معا موالك المعط محمد معل محمدال اللاااوم ساد ساعاما كد الراسيس المالي 

سارة ماما مروب وسام مام ، الله ، الله ما المعمولات من الله ما نه تايد جوي په اوليا چيدن عر سماه عادد ما العمومة معمومة معموم العا عالم علما به اول آواید چبدن اش جبدن آن الما عم الله عمام الله مالم ممسم المالم عمام عمام عمام عمام عمام المالم معمد المالم ماور به زیرند نشید ارتس که الف سامة موالم المعلم محمد الله ما المعلم معمد الفال ایسیّد پس کره <del>به ک</del>ردن زینس پ المعتمانية المرابية المعلم بدائد المحمانية ماله أل المالية المعلم اوت به خنین که این ببشه یا دو بیشه بست س الله مور معاومه مواهما معامم مهم مهم مهم مهم مهم كره ننكت ايستيد نشير داد ده كفت نفاك ب شويد ن يد سيم ولا والعد والعد والعد والعد والعد العد العدم العد العد العدم العد العدم العد العدم ال الله المراه ملاه م القدمة معما من المراد ملاه المراد ملاه ملاه این بیشه وی دو بیشه کمت نر بیا سيستما بياما الم سرادم . سيم على دا كام الم سراساما. ntura fendanternsminn mennegmen . vonithe - one 100 

سرواسا ان مع الروسر المالم علم علم مله المحاصة الم سستن تا اندر او کار کرد که سم نه یاک الم ماند اله اله معمومة وسامر وسادهم المعمومة ما الم فمر سُدارِش به ادات باذ سندتن المالك طماعا صاحماا ومحرامه المعا المعافلاتما سعديه الى سام فاهم فا فاها مصم الم سالمالالمال متحمه - هذا الصحوب لو دف سالم طع بعد هذا المه سعم عمم عد بد باسر راماها مرفاء مع مصموما مهما مماه مام سرسامر ، عجا بسب سمارما ، compundov. non nel f. Cluc compos. . is ال قالم موس طومها الله مهمه اله عامه ساله الم

Ma lin آفرومل موم ما اله موم الم و كد يدويه (اد يبريد مريد واده الم معاسمة حصواصم المه الماما فالحر ومعل بعال الها فارسا ا المالم اها به سل م الماسمة مالد (دوم. ساسا سا سرس سرمه مادا درات معا ادمه باهم ساهاما دار معوده مرا الد احرد اله الله عد الله على المعالم المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم الله المعالم المعالم الله المعالم سرو العالم المرو سالد مع المالم الها و مهمر فسر و عده مله وماها حرفامه اله الم مهما محمد الله مردستي سالم في . و المام ، المام الماري سالماريم ، عسر سام مرح كا سالم سام مهم مهم مهمام ما دارمها ابن که الله الهديم سد سد سي المسلمم الله المد مراو مورك الله

1.

و ماممر على ما الله المامه الم weremited Breader . In manged and Bounds when he samps min solves our the on made این سعط علما مه مفاصه اله صداادم ها الرهم ما والمعا معرف المالم فحم الم عد الم فه عدد مستحرسا ماله قساد معاسمها اعساد محمد مستوا ستما ۱۴ ستمارا کاران ساس العاما عساد ساوج علاد مالم ما الله ممسم عا الله ما ما ما ما علمه الم wheel Genoend and Enter por medille wondre هاا صحمه الهمكم معمدالهم المعمدم معمد مهور الهما داد وه کفت ساعام سام اعلم المرساك واما مع بد الال بد ساس ساماه mena texa ternén entre ex enténa ماهم ساند المحروس اله ال بحد سر منهاع کفت این به دیدن

المعقاد كد صريدم الهستم الهمر مع مكلودمور والله مكلورس كامر اندر کشید عمر ما 10 مصر صورادم كا واحدماد دسر 101 مس سعاداسس الله حوالمالاس مهم ال اط לוו ושושוו م مسمدادم اوا عمد مسمعسرا س سوس د بن وسن) ، وبدر سان عن رياف سن 116 محمدد هدددما سامه مهمه بررزد علم على بحد عدا الصلع محدولامعل الهرامي فرام الله ما المع المع المعا المالم المالم الهم عا الهمكا أسادما صمحرسا سعما किना किना निका मान ज्ञान मान प्राचित किना किना

اسلاما فاله علا ما يح همم فيهم المالق المالة الما ک اندر آن پرتن بانک خودمید کرد باج هر المالمة مومد الله الماليم الميزامة مومد فاددماد ع أرض باج فراد كيرند Right Hand the maken man holys immalle • नेकिन होता के माश्च निक्ति • । الما جالج العالم الما الما الما الما الما الما ما المالي المالية المال كردن الدر بحندن أو ينزم ال كويد مجلاالي معامص ميم فرالملا ممسعط لهم ممسعما ت بير ا المحمد عدااتم العلمة المعالم ممامة العامل The may dod onliced me a month convert فردوهم سراام دواهراادمر فسيسمع بهماي مااس तरामि तर्रामि तरावालि कामियान परामि ہت از اله معم محمد محمد المحمد المعدد المحدد المحدد المحدد الدون محدد سعام الها المه المال المالماد لهما الماله اسانها ان مطهد مرا المعاهدام علم معمدي الله

فيزاادم بهم دمام الا رساس المام محطمه مرا المعافلاتما سمت المحامة الري المه عمى المرام ممه المهاامم لسرسل بعقم معس مع الم وسك اسرابهم معمد ، واسعد فردز אווטיץ שטיי שווא عمامه االه ، ماستسمامه مدهد (سعماره: ک*ذاران* ا**نت** 

يم اين وه مه معراب الم که ایوون سرارد عمر اها معطوس مرا اها المسك كالادما متصالات مادا العالم المصابح المصالح الالمحمد محرفها

المحديدة جد ملامة الله تطاها الموردول والر والمحامة ردغن آن جار به نهادن فرست کار پنت مه معمد معمد اله سر عامد عد فالعماد مصل الله ملمالالملا ادریش براسم به ساک از طوف رات به نمادن سلعا سعددس سرد والله عوده الله المعدد العا الله المعدد ک ن بن ہر چیر بین بہ تا دیدن ساله ها المه سل معمده مداادم مهما الهدوم مساه الم بازی این کانی برید کرده له المرادم سيد بويد لسر السر الماس بهم الهدم مسر روید اش ارتض باز سخن که کرده درازیر الك المحرافي بدويد برويد وبعم الا لسريد العلايم وبعم كس أدلش ينت بن باذ كرفتن ينت المحمد المالما معلمه مهم مهم مهم المعمد المع بن باز کرفت اللی کاه شدین بهت کر ایدون عراات ما ، هرسدموددي. ، عراد سعم عرا سعمرا عراد المومد باست کے الدول کومد ساية ساعاما معرب ولما الله إسلام المامية سام مصمع ال مروش درون بن باذ كفتن ابن شيد "ما معرف دورا المعلما الله المها الله المعلق عا المعلق اط سرونش درون خوردن وسرف ما عد الما المعمدم المالمين عدد الله المعمدما رسيد نه شايد په آن دو چون سسمه درسد (ودع. المهم هدس هدام مرادما سمسم که پیش نواز بربد زشاید علم سمر اوا م مرابط مصدم اوا ، مصدم هاوا مساهردماع. او کی ہیں فراز بربی نشاید ہے

سمعد المالكان معلم المهم الرام الرام المالك المراكا ما المالك المراكا المالك المراكا المالك المراكا المالك الم بغرمان بلند اور بایر ایستادن ارش · mar forderfared . • The state of me صميده ساه رس ما رس م ماما مرا اصما عاليه رونش کر سروش درون تورد دیدن نہ یاک و ب معسر الله سماميد معسد معسده أعرسام ممالاتم علم مدهاج ها دمها الما الم أومارهم بهم دمها ها بأسر سمه الم کنتن کے بنت یہ زور اس زور ہت ہے براسم ز فاصمه موسد جامع الله مما العام الما والما في المالم او نه بوید کی به کرده کمید این العصما الما المرة وسا مسم عم مدامه ما المعامام اعرض المعالمة الماهمة المعالمة الما ما فلمه سمامير موسد موروس سام عدامه المعالم المعالم المعالم المعالى الله صداادم ماله اله رسموام ، المرساده ، هاالم موايدا ادم عدم عال سعملا المدالي ساس المم الرس ہت کر ابدون کومد این کہ ایش

رامها ما المعافلاتما مصميما المعادية المالي الله المالي الله المعادما المعادما محمدها المعادما المعادمات ا نه نايد بت كه ايودن كوم اين निम , तेरेक. , तात ।तानत्वी त्यका ।तानाभारत काता . स्रेत , मिन ه محمد الله ماهم ساهام الر عمد الود الال المسلك المالم مواهدان سام مانها بد سانهم به المعمدة معربه المال الم الهام آن نومبر رز راسیم اسادم ساد ها مصماسه هرم داري ، جام ساعمت مام فرود كنند زور سمايت رساسر اسلال المال سالحسوم طاله الهدوس ١١٦١ سماينت on. Agamen mortendric - onto mondric on aget. تبوم اله المحريط بيم بيم الماهم به المالال مهم دىسماخ. ه دیدن کی کر نہفت ه مام عدا ، ماهسددساهه، سدده ، الله مام ه ارتضان به ینت که الد لسمادم هذا اصفرها الفسل مما مسمعا ممادامادا د نیکان گئت شاعد دون همه ها عامع وسر س مسمع هم اساله ها مس للإلا וני

سرس سال الله الله وال ماله وسر مسمع الها و ه ا اه مراهم او بالم علم موادمه الم اع: اع: الحا الله على الله على المعلى كادادم سود سهم مع سوب الله كاداق سمسدم كرم سهموس. ماسواودا ساله سعطراسم مواهدااسم سعر معرشه سرا الله على المال المال المال المالي ماله المالي ماله المالي ماله المالية المالية المالية المالية المالية المالية Anne mor sh modilish , lene (cold) congen. كفتن طرف بين يا الم يد فرمها الهاد سال فرمها المها عالمانا معطمع المع المعافدة المعافدة المعالمة المعافدة وسدما صادادما سكما مله اسر شاله ما المر المحادما سريه سديه معموسه سه ١١١٤ سرهام مرويس فالم 

سمدادما . سمع عن دوكرمول ، الله ممالة الله والما المعطالا سامغوسط سه علمه مهمة ممهم الله بحد سام ماله مهم بمام مهر له اواد المرق ميمادس ، سميعه. بهره مي اله عالي عطر كد على طرمها علمان هام معمدة محمد المعمدة الاول هرااق ساهام و واسوسه درماند وأسوسه دد سعودسهد و الح mon non donce some man a brondinger has المام الهام المحمود ال اهام على المرابع المرادم المرادم المرادم المرادة الم دادسان ايرون يره ابن عراني سريد بهاي سهسردو ليد بسراردم سدمره 116 سعمرا هرور سرسد روازمد سرسد لله سراوم اور م مركسومر. على، س مر اله محواصل ها ما المحرم حد باسر ساد سا ارصای سام ماسه استصراب عاد ما داددما این کار 11 ي ساس مرسو هم سه اها كد سم و ساسي سيسي ساده رياده ( جوار يون

۵

1.

معما علا معما المادم ماه العمامة ال الر مسمولة المراه المادم الم

• الله معمد المعلم العالم المعلم المعلم المعلم المعلم المردمة المعلم ال ه وماسة المال المال المال المال المال المال المال المال المال المعمل المال الم اها فطاله السر اله معصوم علم المراسا عد معطوم رز دو یک این آن سمع بحد استعمار عاداق علما معدامه اله صده صمع علما الماع فلساس ومرادم ساس كد ها العدديم ماس كا واقعماد منسر لسرسد معصوب سدم ۱۱۴ که سرد ۱۱۹۶ شم ہت ک آن جب کوید سهم الصلف وصراب الله فعلوادم معمد بحد الله سلمهاالمها معصد ساف ساد مداق الله المعطراص عا معطراصا معصد سام ارْش کید این دیگر به بستن اندر بردن ارش این موسو 16 واحتصور دوسر کسوسی بیان بیان موسود 16 16 کف . سیکر از طرف رابت یاز ساد هادادها ساما دماده سهم سماده ماه ماه ماه ماه بھیہ کوید کے دوشی بند کید یا یا

سعده وسيما الس معمدم مله محرب طعاهم المعمدم مله الها الما بز اید این کید نیز نه روشن ایرون مود و مور و مورد می الد اسروم الد کسوروم الد می الد الد می افاد مراهما اله المحمد الرساس علم ها دمم اله المهاد یوی این کاک در رات به نهادن ارض بوم و اورورام بخد او به ظاهر کون بوم بن و معطوس ه اوا دره مهمم الله مامه ما مامه المرهم المرهم ما مح به دوارده بمانِت این تغیر یا اورورام انور ای الح معید سالیم سالیم اید اگر اسلو سری سری ایر اورورام انرر آن طرف أرض بعم نورون باز "ما او بهره معادادها مهم المعدم والدعام والدعام سام سام الما المعدم ب ديون به سهدرسد عسرسد. ، سه سرم له را م بادر سلط مسموس اعلا سع عمدا عاد مسموس س این نینے بون جید داشتن ہم ن اط هدم مسماس هدر ها الله احدوساد عاماس . 7/13

مهود (سدد. عمارسدد. • الد مهم سما مراصر ۱۹۹۱ ه سعامسيد. ب كنفت يادن شفيتن اسالهما سماد ودوء و الحا محمد المالم الماد ع ون يا كرديدن أرض يه این بعوم عه. و سام ساورسه ها ره الها و ما و ما و به و به الها و این اورورام اندر فادن اوکید : عد سدون الله سالم مؤسو اوا مع برجاس وعطاله بولد اوا اسم بویر این کاک فراز او آن بردن ارنس پ اله اهاري أمهرامها ماهم الها عد الما مهم مهرسيسد مهم والمدارد باج فراز کرفتن آرشی به آن جار ع. سا سا سه ۱۱۹۱ ، سهر وعداد ومادور دارس اسم سي مساويد على مع ماسه محماسه و سعردهاي ماهيم بلند واثنات از آن جاید ظاہر (of. 62) mondow on of 12 febre mondomental of the سارس الهرما بعد الهرما الرصاع عام الماس سهما عد الماما المراها عد الماما الرصاع عام الماسك ان نونش برسم زود اتش شفانین انس سعمراه دارسا سع عده دار سر او المعمدادم سرا سره د اليون كردن منے كر بر بر سه او رسيد وو برم سرم مليد ميدو موسد اور يد سر سدس عه والعمود ، ١١٥ العمود اور الله المرام يك ارش ي آن س سرتو بع دارس اهدا می مریسهمد سیساسم و میساسد ، دور رساند וק שח ופולחל הוו י הפתבאות אשתה הפתחת הרוח אותה . او مه کودېدن په بېدم

المسلم والمرابع ما الما والما والما المالية عالم المالية المال باز كرديون في رات كويد • ساله معرصه ما الم • ما محدد ، رعدما الما • ميمه نه ا كو سر سكين سدريو و والدودور او ا مدديد الما الماهيم. . وهوره رابد العرام الله الهوروس العرب و الله العرب والعاد الله العرب الع سدمای ، الله شهرمه شهرسه اله ، دود عكو . د المسكوم دده . ന്നഗ്രാസ്യലോ എം പ്രാച്ചു പ്രാച്ചു പ്രാച്ചു പ്രാപ്രാപ്രം പ്രാച്ച പ്രാവ്യാരം المحددها عا دوله شاه الله ماله الحر كاسرة از دات کی چپ معمد الما معل معرف الماعة ما معاملة الله مما العالمة على على الما بهره سريم سريك عد كر لو لسوسة مستوامر السوسة مستوامير سام لس لمهم المرابعة الما المعالمة ما المعالم معالم المعالم ا انش او راندن زرش نه السو عاسرة المحافات الله مماادم عا عا به الما ما ما مستما سوااماً ليم إساس سرامه المعا له معمرة ماهر . ۵

1.

المالام الم ممادامه المعلم المعلم المالم ممادمه المالامعا ، ز باک may mend whose puling may have more who will the المحادات المحال ما ماممال ما المحال ا سكم وساسح بمسعما مسعمامااها والمسر بمعطماهم سكما کاما ساعست و اسان رساس اسان اور به سامها را مهما الم المام المه المام الله مماداتم سم المعاوماتم اعر کا ویدودی سوی سوی اس کا سی عدد معرس عما مصطفاق الد صاداما

المسرح الما المام علام عادار ماه على م الماها عمام المامة المامة المامة المامة المامة المامة المامة المامة الم این از اتها برم عرعد ، و مهروس اق مهروس سود (نسراس سود (نسود وسود وسود وسود وسوس العدريسالير وسع عروق العمال معمول معمول العرام العرام العرب سرب عرب و وع سراه الهو سرب مل والمرادم دوا المرادم سرب ماهم این کوائت ایستد الش کان عدوا مادادها مهد المام المعامل الماد المادادها المادادها ومتور محفظ بهت يه امد هادات ما محموم ما محموم من العمامة لله مماريم נענ אב תל וענ وسمعسم بهدد المحل بكسيسلمك رسم دورد مد ورشم سم وماها مملمهم لها مهم المم ساء في اله ئا ون ensolmen . hollen Falle Giles ihrer hass om territoten ع ون يه يتر الكان كون 6. Amphiland. Driver Cource Company. Driver Cources. عا سا سى ان عساوه الاسلا كدم دره دم الله الو ישאו פון הנישוו הנישור הישייהישרישינים וופן ואף וופן ع مین به ابدون

1.

فيستنمرسه والم المصمل ان الم عممة ملا ما الله المان المسلم "کا دو سیانہ المها وأسب اسمه والمهاعي الممال المما کی چون شید יפט 6 سركيرير اها الهات العصوب عاد سر سعدم الها نيم رفيل نيم او اوريرس يم اوزيرس ي عددما السرة ره دماهم الماسر الر سما ۱۹۵۰ م ۱۹۰ ماج ماز او عون میوند این بند عصم مم صح مما أملامم الو الماح معمادة احته الحماد الحماد الحما یرشن دندر کاه خون کردن نو ناور کان و سیرد بنیان برشن الو اسرك ديم سريد الدومرك السرامان بعد الدومد ، والمواهد ، والمواهد ، والمواهد ، والمواهد ، والمواهد ، كون أركن على men Egni. ektonon Egingman). Ernen . . monden hae minnennen. روتشن 39. 0 June 923. or 1832 Anning ment Bur ler & c ((c moles or Anning) دمسيد و دور سرو سر المح ما المح ما الم ماه ما المد هام المحل مع طمع معدهمما دمدها وطا شال مدا الله من الله من الله من المالية مداعا مد رز تار ربریانکا) نیشت دودی کید جون بع به بختومن آن الله من المراجع من الله المريد بالم بما يحد ته المراجع المراعع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراع ينزك زود زود آن يزنن اندر آن دور يئتن . ن یرضی که اندر آن روز نه ناید یتین پس داند بند جند 

مرس مرسط الله مسمع سمع المعمل علا المحمل على المحمل المحمل المحمد ما المحمد ما المحمد زوي کن نه نايد پي که بيکان در آن درون hostelons ehopes the bosnon hostelons hopen fostmien باع کیرنز فردن خرید دخیم اوس المدال که فرابور فررید فررید میاه 60 کد دبیم دری دریم المدال که دریم میاده میاده می بخير در آن فيرنس رئيد سر كردن نه نايد درنس البق الم المانهم على العدا مع العدم المانهم المانهم المانهم المها المانهم المعلم المانهم المعلم المانهم المعلم چن ولييرد ۽ سرونن، يفت - آن ٻس أدرش ۾ المال كر او كرينت كفت الشي ازينت كفت بويد جر او الم يم مالم المعمل علا المعمل المالاتما المال معم عو المالم از آن نر کفتن یشت کر امیون کوید این انجی اد گفتن ععدمه عا دما دهم مداادم ره الله تمادم ورسادم عا ج او درینت کفت بوید نه بیم شعبی یزید در عد عدا مداهد عد مد مدمة مدمة مدمة دمل المعممل لااله آن که خنوس در آن جای جد سروش پشت دوشان بر ممل ساس مرما سرماه باله مل مع ماسه مع برائن این بنت ناید کفتن کر روز آن جایر روز. INE !

من بيع فراز الله فراز

المعافداده وملا لسط عالايما سمسدما بطعا دما لسلد لله خورید بنت بلند کوید نرتاید کر بنت بلند نه کوید دین کو شاید یا نه بنم دونن نختنوس که سرس تهسردهای کد درسو کد سرس سهسردهای سیل س ان مار آن بفت ان مار کاه سمر مه سر عسوس سر كد ١١٥ و ١٩ لم مهم سرس بس روز بس البيكان بس أن به نتيے روز بن كر بنف سیسرادی شد که مرسو میس ا بری ا تیسوسرا مسط که ان فید تر آن جایر که و روز و مابیکان پس آن اها الو ماعد اهدمه معدم عاد المحمد المعام على المهام على المها یہ ستنے روز بنی بہت کہ ایدون کردید اپن بہت از ہفت هسادوها و ملا مع ماسه الله عد ماسه مهم هدم اختامفند یا آن جایو ہم آن پش نخنین کر کہ پش ا سمر به مسمعا مدما ۱۱۹ سمادا کادان ساه ساهام عما ر بس نر نا بدت که دیدون کوید این بت صب مه عسدسا سواسه رام اله اهدم الله سعر اسلام کاه روز مابیهان دردافرود نه بنی و نه بس کند معمدة مكم مبلة له الله المرسل ولم مسع الملامع بمستعمر وکر کے کیے زیر دیدن بنی ہی کریّد نفید خررداد روز نختوس این روز سال خرداد رو g. 12 monnoch moch mont mental mental de 13 genter menter meter me کاہ تھنے وقت onsomme on on man on of the selection of the selections

1.

اج اوا و کارسهم دورمز بدده بد (بد مسموم) رسم به المسالي (بسم المارسي المعلقة المارسي المارسين الما دىنۇھىد سىكىلىكىرى (سى الماعر (رسط روردما و مارس مردد معروم الله المام الماعرم الماعم الماعرم الماعرم الماعرم الماعرم الماعرم الماعرم الماعرون ود تأذاد مرد كفت بنت سددسرند. آن ، نهدر ورس سرادم به وسحمرس وامردر روز "نا یه بر خرداد روز شاید کردن العظ علا معمدال محد ملا هاالله الله على و مس الله بہت کے ایدون آن کیے کوید یہ نو روز کاہ ہ صديعه سيد سوم ١١٥ والد كد سريدا لد اسريع سب ليد ظهر ہے ہت یہ کرد آن المالي مد الله الهاد مدم علمه المد مروطة الملاطراء تر یہ کاہ میٹنن ہم شید کدن سمع مراع شه رماع هام هام هام هاب فعات اهم ا خندمن این یا فردن کرد این ساه له طربه و محمد ۱۱۱ مع معد معد معدم من مسيرم. سي ہم ز روشن آور رفد نختومن ابن روز آئش ہورمزد المالم ما الما المه عمم عمم المالم ، ممسوري كيرند كياريك آدر روز كه ابيكان كيرند خنود صاحب سرفع را الدردد و و مسوموس م الله مسرمور المداماد المعمر . عابهان بنم أ روشن آزاد مرد كفت آدر روز

عمر عسوس المرابع ، عصسه لأ ، اعتمامه المالم مارهان عط ، سار رهما معامم عمدا سعودا ماله وهاو عمدا معاسمة ملاه طمع لا فال سعم عدا سعمدا عدال ما سام عسدوسور اسرالها بسب سس ، عسم. واجدره سرد ادد في طمع الس المادم علم معدا الهراس سماد سه معد والد سر قام فيها دم سالد يتعاسف والد درية وسرومات मान्यामा भागमा है। म्हिन र म्हिम्पास्ताम ।। المادام عد قلد الرفاط علما الهذا فاطرة عما دواها الحما سعمه كد المرام المام معمده والد معاسم ساله المرساد ا والمافريم المالها ، الاحمام المالاهم المما سورك مادر العمل علم و الع مهر المهر المحدد الم عمم بأب مدهد ادد تر مدمد من العلم المعلم الم

ن سے دورہ سولی سولی سے دورہ سے دورہ هاس سرب سرمارا براهم ، ماسادهدرامر. عسعدهمس ما وعدد المروسيسي ، معمد المرسي فااطال عمر فرس اله المالم المالم ، معلى المالم ساما در ما ما ما معدوم معدوم و معدوم الله عدمه عدمه الله المعدم المعدوم المعدم ورساهسميد و يحده عسدوسا ١٩١٠ سيد سيد اسر اسادما الخد المنان مادين (ددسوير. ، ١١٦ ، 199 con monocal , drosangermon. dessalgans مه الما الما و ماد مرورد بداه ما . و م مرسم سوم و مهم. دايدي. و روم ما ما مومار ودم مدما ما مدما المالي فيما بمه ختنون يشفن جرابع روز جدتر کوید کولفذ : المسامان بحد المعاصمة مع معل محمد المعاصمة معلم عاصمة المعاصمة الم اسه درسوسر عدر ساکه و المارس میسی داید و دون سردد -हमारामात्मि । मका मिर्गात ا برها الد فااصل ، المصحدد المالي م المالي مال المحلم ، constability on many mander monther var. An Com etbruchonicas. exame . Mombrions. בנא ופופארנאה והאוומל חדש או חדשווו سعور و سواد سروهو عدد ايدون يكياريك يون

درسع-مادهما مرس مرسلافرهدداما مرساده ، مرسادهم مرساده مرس

moduled intent of the man money to propose له سي له لرب عسيس سول سا الله ام ماسه س سه ۱۱سری سود ساله معراط همومه مسماله الله الر دامه مكمه معر عا سمالة الر ملك مل مدر ادما الهرامله بربع سله فعال شاه اله المالك معاصه ماسانما مساملة معددا المادا معادا الماح المام المعام ممادمها م خاید این

from man . and of mis from the part of which of دد وادم ده و و و ما ما ما العادم م الما و الما م الما و الما م اذ كون درزيد يحون الع . فروسان بالمسال بالمالي بالمالي ، وجوب المالي ، وجوب المالي بالمالي بالم هددماددهماس و مراسطوم. و عمد المعدم عدم مهود ه ماسه د مراه او مراه او المال و المال ساهيكه. و براحدوسرسيكه و عدا در دراد دراد دولا ساعم ساعاره و المحمد و المحمد و المحمد و المحمد الم سرمورد اسرام سعم عدا سعمدا عدال سرب سعب ولاق لولمه له بسروماه دامانا باسر ماها ساد عامه गार्थि अध्यम् त्वरीमहामा

المساق المواسوسا الله المحمد الله المحمد المساوم از آن پُرخش الد این مید جد تر بید سع برعسونه ۱۱۹ کار ۱۹۱۱ روس مصدام مصدم مدما عدد المعدد المجادي معام المعم ماصم اله ممادم سوس معمر عدل المعمل الماري ساس ساعاما الما حدو ساس المراهم فاهاهم محمد محمد محمد محمد ما الماامما المجلب فرار مالاامع بيته الها الله مستعر ميلاادما بدما عدا سعمدا عداات سوم سوم سوس سوم سهم لس کے بعدون کوید ، مین ہمت جادم کی ، بین بہت کر ز معاملاً و الله معادم الله على المادم المادم المادم الله - أصرومات علم باسر محمداما سف ١١٥١ ال عمد اعراصاد مهم مهموماته الا محمد عمد عدالم عمه و محمه من الموامع و مسلم الموامع و مسلم الموامع و عمه الموامع و مسلم الموامع و مسلم الموامع و الموامع

وهماوه سازه ساس به دو مورس و وده و الم ساس و الم المالية المردود المر

سم الله معرادم ال سمع س فيهد عدد المرادم سهد مجمع مهمهمه است ممادادم مهمه ، روز نیم درماسم مهدد درما م طمعه ما رسل علم عا سر صع عصد الله الحوامع سمد ١١٥١ الله مسلم المعلامة المعلامة المعلم المامة المعلم علمه علمه علمه المعلمة المعلم الما الما المرابع المادم المادم المالم المادم الماد زور آب اماد روید ن ید ک مواهدادما معمد ما ربد مصدما سعم عدا سعمدا عداري سالد زرش اندر ز ناید ست کر ایدون کوید پین الله علمامه مسعر ما ملهمامه او عسد مسمع عمد وماه الريس الدر موظيد " الم من بد آب مستعل سراه بعاد على عمل من مستعل مله بدول المال المال سيد نشيد کي بند سيد بر پنج اند طماعا سوااتط سمسعط سعط مصادم دفا علااا مع المس نعمس بع معدد معدم المدما عدد المعدد المدمد المادي سرك بويد ک او اجم شايد ۽ لده سام مصادم مواهدادم الله المعامم عامام هما

وسر اسانه رامها مادمانهم سعما رس سرس مادمانهم عرسوس عد الر تعاسر الموادم مع مدمور ودم فرموال ام سهم دیاسانه بدام هاسر ایوادم سهم. مدوما الم المااادم مع اعر موصراهم معمد مصاماالم لصعادم على طعام مصاصر الما لعرب علما سرب طرية بماله بل طريق ما مهديما بمعتما اربيمي عدما ا ودى سادس و العالم الله والعام سعو ميداده عمد ال 14 وار علم اعار 14 طاالما الله مواكلاا وصا שא הפתומחת ה של הפתומחת הם השותה של הפתומחת اله اجرادما سمستما بهما سعة الله معرادما سمستما . كالم المم حما الو عد المعمم م حمالال ويدك

المور العام المال الله ما المالي الما وستور کفت بهت بین نه تاید سال ۱۱۹ ماکولد نهایها و المادا او المادا الماد الماد المادم الماد العب مع معمودادم سهمرمد مصع مواهردادم مصمدم ا عده امرها موالمالها م المراهم المراهم المهما المهما کر میزه ایسنید ت ماید دسر هت سره بره الدما دوالهااادما کد سرد هت سرد کد سرد می ایسنید المالادما دوالهااادما کد وا العمم المرها عر عوم ساهم المعمم الا العمم ال وبلو سار فلمع المال العا المال جمالة مال عالم يع الله الممامع مماء معرا مع الله الله الله الما الله اد عمر الله معمدادم سال دفه مها مها معمد موري

ووس سع اع با الم بالماس ، مسهمسه سعسه رسمه مجمعه مست سايع و رسم دورد سد ولاسوده و مدر و در موسوده و مدر و در موسود و مدر و در موسوده و در مو الم اله معلمات من المامس الم الهراسية ليركاه كاه ردة رد مواندن واله ما ما منه بعامام اله معاماه الله المامه الله الماامه الله سُتَنُ رفعتن به بنهام كردن الهسامة (ساهدى الهددسيم عدده مددسد درالا ددسراسد الهدداد. سيانه معاسدهاد. و یه ره معاهد عساد سایمارد داست محاهد راه اورمرن به رفعان الله سيان الم المح الم عمل المال عد المعل مم معا الحما کے آن کے اندر آید 16 95 سرو کد سیمر نع ۱۱۹ درس اکترادم کد اط نهاست اکترادم عمراس الكروم سيد سهم بعرسانم my en memm heter mon len memm hormon این براش کی جورمزد حمد معادا الما على محمد والأما منه الماديم الم رور وه يشت نعي كي دروبيرت سعما علا سعمان علاال سلس سلم معادار مع مهور المم ااها هلمهم ماهم لمالهمم المم ااها كاون ُرزش فراموم ب

المعمد الم لمعمد المالم المالم المعمد عدد المالم • स्थित तिशेष तिल्ली तिशेष कर्तात्म काम بهرور واسمه و بهر سور سکولید دورس در سرور (سرور به بهروس م الاومام راهم المحمدة محمدال ساست المالك م الما المعدم المعالفين سال ي الا محمد المال استساهاسر براهم ساع الهادي الكرادم بوس حسم الا لسرسد اسرام مها ورا سرسد اهدا وور است المراعة سرس أدرمتس ورون این وأدى مستم سلس فاسه ستماه مساه مساه وطرا ملاه المحالمة مع محد مسم معمل علم محد مسم عدد المحالة سب له معاله الا كرمون دويها مواله اله اله الم كد علوا . کاه رمیتن به زوتی بنت ایستد کر در آن درون الله المالاصل المراهل المعالية من المعالم من المعالم المعالمة المع خدید نفید آن کر زینت مؤاكما وم مسعما سمع عاا سعمادا عادار ساعلهم الساع ت يد بهت کر ايدون کويد الف سيد عدادم سعطرادم الف العسرم عد الله نير اندر آن که چينيد بستيد به ديگر که پر الم خاا دمام دوالماادم لله ملاحم ا سمماهاسر ماهم الها او کریت ایس نه ناید د on so intom of myon - bonderna-rounder. اندر آن بیکام خوردن کم حورون الم الح ، مست ساكني راهم دور المن ورسام مدر و ١١٩ ١٠٠ م اله ما بحول مده الها الهوالم الها الها الها المعادم ال رد خواندن فراز راسید mon · hous fain tee 1101 · tomprion · hos بنسكام كدن عىدى ددىدد ، دىرىك دىرىسى ، بود روسى عطى رىسى مەركىسى عىدى دىسىدە ، دىرىكى دىرىسى از میان اوزیرن به بموفرات داد وما و ماهمين بين بين المال ماهم ميمار ، المعمر بدوراهد ، یہ ایمین ایدون ارستان

سيسك والعا اله المعاددماس السطمعادة دادلسان این ہمدارستان

13.

ميدادم ستة جاسر هذا مين المحلط بممالاهاذا إلى مميدم تعنی رود یه کاه فونش فردن نه ناید ها كد سار مساس سيد المسحد الماد (دوم و م مرا المعا پرن ک على عدو المحاد المعاها المعاها المحادث المحادث خرددن اركس بين جند اافل بوس سے من عدوں سنمعمل اعرامعدوں کیوس او رامزن سر بع اسرام بع اسراس سعم عدا والد دمه سد عدااد اندر کرد اندر کردن بہت کے ہر بنت این کوید المادم المادم عوامع سام علا مه مهمادا دما بسمادها چیز بین از آن راسید رایند لس بهدم سرب بدود لعلم سد همرس بع مام ۱۱ دم والد صرور سع عما دوالجااادم منه المنع سات دصر الس عمامه مومد وطارمه الماهم سمم المرابع من المام ال جمالا - المحل المحمد الما المحمد الما المحمد المحمد المالية بازه این ت ید کفتن رفتی رور . الله ما الم عدم رومه المومة معرو وور الله المهادمها ہم الزر او آب رکجتن أرض سال سرحمه بماركون سارا سعاود سرويه بسرارون الم صب عرموس عرموسوا سا الكراب بعصد تعراب لسرسل روتان او رفتن ارت وترش باز

الس من مس مسلم الم متعدمامة مقالاادما مقاس الم باز او ادت ایستید ارسی سيو المع معواامم مهواامم مه مار سه مار اله الها كالم كذائنتن أرنش روز ديكر عممهم اله يه عمد ممارمه ها بحمد مملا عمدم اوت زرك بامد مملاً عسدهم محمل هاره دفاها ممه مد ماسر فروز درستاه ن معنے او زور عله ما وموس المحانها على ملاه شده مامد سفسم مار دويتر ہم عم دور بجاره ما مع مد مدور ما مع الح الموااع المرام وام سام ال وامو عم دواهراادم موسمرا كد راس معم سه سلا کد سه سرو امر دیاسا مر مرسر هم اس معدومه اله سرف المل الملك علم اله ماعيم معدم الما المن المن المن المنادم المعادم والد سيد نهدر ورسد بر طويها الله الماريم بهم · me esmolumper of رفت اکر زرش آن کوشش نه به اوستا

المحمد مهمامة الر إسمامه محمد محمد محمد ا م شرسرو سرب مسحم فهمار کد ام عس سراوس ئىي*د* رین ٔ هيم عمل مع بي ساو سات مد مسعم اسامادا الما ي المالمال المع الما الما المالم المالمال الى المالمال المالمال المالمال من سرهسدم ۱ برهسهسدم ورب بر صبحم رسرامادا borns gran den bosonehment imbosone him ila عادم اهدا كد العد كالد المرسمانيل الماس مفلادة معاداتما هذا ممل عستما عسم فاس الهور ساس عمد دما ساس اسر ميس بالمحداد بدوم 116 والد اندو بياب المدادم -egy)20.26127 سه محرسان سي سعدد المودول ආම والمهماااصط الووليروكرع

سهم المرابع م المرابع الموسمة المودام Bogiemra) son e ser e ser en mandox - Per (c centres) · अ लिलामिका लाभितार क्रिक्न व الوول المعمد ما المهم المعمد معمد المهمد المعمد المهمد المهمد المهمد المهمد المعمد ال عمل الدون رسمان الدون يه عامين الدون هدد مصعملا سلطاها ساس شعط معمل تصعير تصعير المالم سام سروم لد به مورسو کد فرد اسرام سام سدم عدا יי رفت این کوید این ساله ماسو اسرام مهد مهد مهد مسال مسراده اهدا رین آمار کرفت آرکش روز او دو باز مستعمد معرست ما صحب والله المراك المال ظاہر انور کاه بر دو بار او وامرو کد السس م سکران کد وامرودو لید سکران سم رمعسر سرس مرسم رسيروي كرم مه لعكس سرداد معرس فراز کرته دیومازکم المعرسة بعدم طوديهم وس العرابع العراق للد لل المرابع ،

1.

رصلح اع المالم سمه وهد المالمة محمل عدا محملا على المالما هام مع محمد و ماله المالما المالما ملاوج ا مان مرامع سمسم مامسم ملهما ساعاما الهما الهدائ فسرد مقسمة سواد مسطاسا

عادمادان سته معرف مادوماما الها المعا ماما ساس اسلامام . · blenmentmentment. francon Es15 2 ساعاط ست مصدا رساس معما مهمم احدوس رادم . دمهيه مع دست و (سلالط درهد ما دودعها ط. سددند سددسد مهدر كدد معامم مار الاصلاما الله محمالا الم توانتن را المدن ب مرهماري سنه ان عمد صدادم . ورسعس المحي مس عامي المحيد به الهام المعام المعام المعام المعام المعامل المعامل المعامل المعام المعام المعام المعام المعام المعام المعام المعامل const chiled help all from a form midden minder المادورد معد فورس دورد م به ع. mi per adritioning me memine المسكوسي المحلاماواد (وألمه

دوشن

عادمانا مان ارهامما المماهم على مسملالم

االه هودواادم ساسعمه اله سا مسعمال مسماردم طماها داس اعددورمم ساسعدماه داس اط مسدمه ساد صدادم سه هدا همدم صدادم

mome de Amende Minde . Minder . . mommen سام 11 رس اه ما معال مراب الله ما معرسه عامد مستسفه سمرس همامه جمعه . سره بدم.

निय किर त्रि त्रमावि किरियाल . (त्रिरवित्त المسراسهساسهمر. هدومد. (دم ددسمدرهمر नागर नेमार 119 क्रमान क्रमान 1me मित्रहा यर नामक الماما الهامما المحال بعد المحالم الما مؤاهرا الحا سرلس كدددم antosa antossas دار

الس سروي جده فسر رامعا عداري ساس ساه اسر الله الله الله المن الله الله الله الله الله الله الله مران اله المهادي ملاه اله مادي المعارج المعالم ما المعلى المعلى الما الما الما المه المهد الم المحمد المرادمر سرس سعم سراي المسل علمه سلامتما مواهاااتما ومامه و رساوا

عامام موسم ماهم ماهم المعمام مرامة سلمو سعورا اكسك راس سهره فيهم لس المامار المرامار المركب المامار المامار المركب المامار عاد المارك صما الحماصة محصه مله جامه، معماده • علم محمد مواكلاا مع بعد معمدا المعادم •

हिना गुलिम नकाका यर सि ।सि यर किराजित دُرِش कारम किया निकास का मिन्न אר החה שהו אפפ וונפוחחו مادمار صدادما سده داس سعط اعلمه اصرف عا به ست شیری کوئت در آن

سرسه اهماسه و اهسمراسمراددسدمهم المراكل سدس و ه كيوس ساله مسيمس كسالميس اله ساله ملاهم فهمد رسد مفساده فاست ودولاه عمد كد سامور سوما الما الماداق ساس معما هادا المعمد المادي ايدون كويد ١١ وي وماودو معرومار رس سافارها سع بحد عب عالم سعالمت اافق فعافره عجم سته ماااتد فالهده بحد صادامها بر الاصواد رسمه ال سعم اط ایم احتمی المامات معلم من عدم المعلم المعلم معلم من المعلم المال ادی کد ادی سال سال می دی اسام می بادم کا با میان زماده آن زماده روعن 144 K

13

فاله عدام دعا همارمه المعاودم المعادم المارة سعد وكرسراده كد عصد ساعلما مدمع سصد مدمه ومعاددماسا مادادم عدمام محمار اله الما بيما ال المامس ب یت ت ٠ الاسارطاء ساعم مكم دمه مداها موالما العادم الهاء ولما پ درون لا سعم الهما ما المعمل على المحمد الم الدون كويد س سس ما مواهدا الما الما المرا لله المساس antered and 14th 14 moraid -moraid الم . ته معدوى ، سردسد ، مها كودهد ، همدس سه ها ورسد معج. دسترمائه . سعدم المسلاماته . هددماد، سيرسم. عاله ممارس الفي فعلفه معمل مصماد مصمما دفاكلاا بجاالهم المحم لحمالله هدهم الهم لعهد عمر ومرودو سركرب الس سمسم ال الم له أن المحاسب الجماما المعا معماله ما ما الم جزیع کن داوری زکنت بعد اوا دورم وسوم سوم العدم العدم معاوم معاالم عما ارض یہ رفت درکناه ساعم معمر عاد معمد المادر مام برعايط عاود عمر مسم ایدون کوید این ہمٹ میا مہ ہی المام مساامه مسادم المادم عما معمار معمار المامه المحال العِدن يويد يون سور ديكر برنيز مادا ام الم المحملاد معملاد معرف المحملات معملاد معرف المحملات معملات معملات معرف المحملات معملات معملات معرف المحملات معملات معملات معرف المحملات معملات مع جون يا سفة المالما المه المه م اله م عهد المالم المالما المالما المه ما الها م عهد علم المالما المهد المالم ب يرتن يزدان كردن ارتنى مله مواته الماسات عمسه عصمه عمسه المالم المراتم ولم بدم درون او پرکشن بر مابی نیز مابی به یشتن منع سرا الها المرومة والمن على الما المعالمة الما المعالمة الما المعالمة بند برید ارتش نختنوس بهوم کردن ساس دخرا در عدد خرام وسراادم سهام ساس کسد بردهاد اها این درون دو پذیرفت بوید ست این را کولفند به سرو لموسد لسلد وكرسرادم بعد سه ولمرا ليد مصوم ومعم يكياريكي بلند يزمير زرنني بهن درون نه شايد پشت مسراادم سرك مرا سرد نه الله ما بويد ايوم درون يک په دو د دو به يک ز و كادادم ساس عمل سك دورا ديراسادما مهمد وأملاها ماس کوید دین که جوم درون یزمد زرش

المراس العالم ا عسمبه معدد عد شعد والمادم يا فراز كند و چاني از بهوم درون كيند سيرسدم لسدم سهموري هامل سرس (ممهما نهاي سرسهااادم اد چیر این با فراز نهید الما علم المال المالم المالم علم المالم الماادم معمادا صادادما كالما المعمام عامله سام المد ملك مادادها مواهااامم بنوب عدماد مع بعد المادم عامشنے از آن بش کرد prost . margementantantes de la prost واسعدماس(سالخ عامد ، رفين مرها ١١٥ سال الحد العدب الع دردماسرسم، اسكامسم. ، عمد المرام عا المرام آرات آن نايد 

اسر سمام معرامه والله على محمد عا مامم تادان استر فرمان جابک رز آن از شاید که آت اله ما مرسد المعام الما الماامع المس ما كد مسمم دارنس از آن شاید افا كرسك بعاسمها والمعا بوالماادم اعطاسمو عمر العا انت ایستید مستعط هاا بجراسان مل المحافظاء فواعلااتها استهاها اسر سلم المهم بالمهم المهم المهم بالمادم المحما المحمال المعمال المحمد المحم خوادتر گفت بن گفت برید سهما لويد الها وسر المرادم موالادارم سيسمع ، المس يه كار رويد ايستيد مزااند دیرام ها داردورد دردمر هر کد دارد هدماسه رب نید از آن جایر ظاہر معرب باسد سيروسوس واسه واسفيسهم و ١٠١٠ ورس بینے سری جنبر سرس مسمع رس المرد المرد المعم والمام مسمم المس المام ا المركنت تسينتن أرتس سال سهمامه عدم عدم مله وله و سمع المهم الم جير بين بر رنس ارتس والصر بهم الد الاصام الد العصواص الد سكراس برمين به سيتن 15 - 21696 110 bosin 2 bosson on bosson 3 boss 3 mg بسته تاید افراسته تاید که اول او ستعرابه اسراده مستم سنسم علم المه المعام مس بستید بن توبد تاید د تاید ک

صمعامه سامه المرس مصلامها مهمه ارد معامره السكسور يع وااصر الد مسروامهم مادك لمصر موموسو المد المراملا الهاس اد ما والس المح سرس الها الموحد 11 سوید رواد فریس راس میدیه رواد دامرو

ويد المر بها فيهم المحاص الله المام مسم مرابه لعمولهما سال لعلم سعوق اهلمه لعيمما سفرر بهما ساس آر مدا جده مهمدادم شهم الس ادمي أسلاما ان الله الله الله مسمع المارا الله المالسة فيهما المعر بهم اله المعردم السر المعرادم سمسمم الما المعرفة الما المحمدة الما المحمد الما المحمد الما المحمدة المحمد ال صاادها عما دیکا فاهم فرق میمامه مامر مراا صراادم عمرا به بهد ميروم

لمس سود مهم سهم اداد ما س Fonon monde on comment of the commen المسكة لمرع في المعالم و كلم المعالمة ا موالهراادهم سيوس اول فرود الموسط الها المحدودام دواهرادم الها وامرو الماع ومسلا الله هاهم المرمية والعلم سم اسم مسم مهسترسهم ولسوس ولسوس سسم اسم سمور کسم الله عنواعم الما فسر الوسم

مرساسه امر مساامط فاها ها معا مستصلام امر دسالم اسلام معافه الله معاادم فاله صدادما سعط علا محمداد جدادما سام عمل مدل ملاقر والعو لله ملاق السب ملاقعوا والعو للد مالاهم - المحاطاة والعو لمد العطهاماد السل دلمانا ه العلام من مواله و ١٩٥١م مر ولالسرالي المرمم المعلى المال وام دوالاادم كعم سو الالمالغ سالمعلى المنافعيان عبيسوساف عفارعا مهدا دستان

سرسامول لس نهرهم سرسامول فلسد نها بهاساس توارتر بهرادستان سهم سر براب kno joon ne بريار الله الملادم واله على كم عمله mannen. pure om بازديسان مهمهم المعلى المعلى فيه المعلامهم المعروم افرقد فطريد لهاس سرسمارات

سرت صعمادهم سته ساف مار که و مراسانه. یفیے کک ohn . 2627 62 2. 265 m2. 2 me omber 1/2 2 1/2. Exmen المعاممة الها محتم الها مسمك الممالية دميد اين از مهدميو همه مه مركب هم مدين معمور فيمعم ניקנפונו سهرس دلمرا معدل الله الهرس كرماسا كرماسا الس س عد المال من مستم المعلم معلم المعلم نیز شاید زود آن سراب يزيد رامي mon boilbotho emos place 140 hos mon . خرردن چون اوتئان آن بند خورون چون که اور فرامور رسید اوٹ ز الموسلم کسونه و ۱۱۱ که سائد المعمالیس کیده دیسا وسلا مع 3 فردن سنے کو شان تكا<u>سراف</u> المالدافع به به الله الها الموقعة الله برافيس برمليم النف المرافع ا م برس امرا بعرب الواسه لهاهاوال توناور رشو وبربرد عبر سعودس ا عبد معرسه به ما مردس الم مر سيساعه. والحرب س م (فارسرساوير. ه عها بسب سمادم ، سمامها ، معرسطسسوي *ג*ונע

ہڑتمند

سدد سرهمار مهسل عسرهمار مهداد کارولاز سرهم الهروسع وسع بهمام الحا الماع أيهوا م سهسردسرعير. رد [ رتهووبرنرد] عيد سرسه سمرمامد عسارسدد سطه و مهم سومريس اها المدمهم

المسممة علموا المسهوس علمو الم س افرسددسرسامر. ، عمر سب معدمادم دسه مددسه واسومه دردسه سله الأصطرب سرورسد واسهط وسدواهد 1. عساسد. سى ساسكاند. س. ك. بع. ف. س وساو و ۱۱۲۱۱ بويد خنود ل پرشن نیایش مشود مشهور دو کانه کردن ورش الما ، الله نماقه ع مرق ، كم المعدال ، والما لموس ، ها بعاق وا على ، ست بعالما الله هادي على بعرب الم آن ده روز به فروردیکان آن بنج اول ورسردسرسامر. ، عمر بسب بسمادم کاه دارید سيمالها ، مسهدريسهم عسارسع - او سيسسد الاهم ، او الماله "ما كرده . درش دليس مضي خانه وستور مس عه مرحم و و مدرس و الله مه الله عه مس فلحمادهم وسرن ۱۹۰۰ سهدرسهم و بساه الماسع و واريد سكياسد الخه- اد سهد فامله و مساسدما أرفن كرده -

١.

بستم. و موسد مهرمها اها لرمه اها معدامه و بهستم أرش افرنكان به سر به سروش ع. دا چانه و سر الاسدس السان و عدم مده و مدما و موسد בלקע س مرا عدا و دولسطىسس مى سويع ساد دىسومى و ، ، जित्तानित क निक्त कर्तिका वि तिक्स तिक क क्षिति أرش افرنهان سرسد کسد هی سرمرسد فراهم کد دیرسو کس اقدم دوالارادم بادن آن جاي نه بت اليند Pandema manter entle recentation o en centle contra ع. عدد سار من رسم من ماه من من من من الله الله عمل من المن الله الله من من من الله من از که به معیرمندان سفیے جرن بوید ک onshorm med constitution of months of كسديع. ساد بعواع برد و ودم والهم اوا و بهم سادس . अर्थिकारकारिकार किरामित कारियक्ति। . गुरम्ब किरा سمر (باطرو (دعام) . عمل عمد ادا اربياع اح 1. الله والمعد عالم المعالم المعالم المعالم المعالم المعالم الما ايدون په فراز نہید

وط معرفهما اله سمعالير سمط فت العلم هم با قلم وءو لعهم به لعلاله سلم معرب هدم مدمها ال معمل ها وا وا مع عملا الها ايرون يه ه سام مجاسات مهره هاره ها المسر دامه سان مورد این مورد این میرو نوا مراد به و فراد میراد می عىلهسافىد. ، للد السرسونمان من عردسوند، ، دينها و ادا و سراه سر ما سودونيدي، اسم. داسه سام B-men . . nonmen . non m. rome em con . g. - alie ارهاممها بحد سله الله بيسمه مهران سك مع ما ما ما ما اله اط کد باد مسران بین به مستن درد مینی از این اطاع که باد این اور این اطاع که باد و المحمد میران و این اور المحمد میران و این درد دوازده سران و این دوازده دوازده سران و این دوازده دوازده سران و این دوازده دوازد ويعس مرا ها رادمها الله مجالها الماهد معدماه على معدد ا

ینته درون پون سه به نختنومن رد منبند سه عدم مل سرمادان ما ما الماد ما به من به مس طیند نهادن زوتان رشتن اندر آن کاه فكرسراسا ال كد بسوا الله الكرادم سهم فكرسرادم سيسدم ופע فالله على لمجمساعيدوم ولاهم المحمر الها كالماس وماها في ج دولزده بماینت رد بلند مسر \*\* \*\* مواعلاادما سال طعام الها ستة دسم دفاعلاادما شعط بح اویر بینے کر بشت رہیں کر آن الله إدماله سارمه المعادمة المعادمة المعادمة المعادمة المعادمة المعادمة رماهة المحمد الله عدد المام المعامد من المعا ات دوازده سمایت این درون سرب همردهم مماروم براد من مد عد مرد مهمدوم به این را جے کی ساعلما أدوره اصد درا ساس عدورادما درادما ساعلما المه المراسكر ما الله سمة بعل المهما الحو الحد يع كد مدم مده معلى العلم العلم العلم العلم العلم عدمهم موها المرابعة ملاه طواعة الحر تصمة دفا المادادمة به مرا لس

7 صاف الحم سوس الف سروي عبد الف عادي عدد مد الفاص یہ کیا بارکی so od mad pre estation moment. m. exhomotor - exhomonome. exhomoton. montenent ernententer erner erner en de la mora عاد، ، عدا عا العلماما عمد المع المعالما عمد المعالم المعالما المعالمات المع المراز اوتان میرمندن النسوسا عد ارهامسا عسى بد ساسهسس إله مهاار ها به ساند ما تسمال محرودها ه اطروم بهسدرسد ه messervinanting . exhibition in inthemistrancement لعمالمعم المحوله عر عالمما سمكم حدو فااها معرفوات ، سدردده وسدس دهرسو سوسهرس سدمه سودها وسد المرادد في المرا ால் சாவிய வியிய வி

کد ومرسرفس سات سعماسهای !اس معرادم راس صعادا احوى استمند who mie with . The most with you produce with که دفان دوز بحرد بش که او علمه مستساسر ه مساسما مدم عا متصاارس ه رودس بمرضح روا العلاق معرسه مديم احداد العمال العمال ۲. مسااده علم على مهم المامسان ومرف مساادم John (. Egn. prince. in winn . Chenon न्यांक तिकारक कि कारक कि कारक कि किरावान कि י שן ומצא אוטא אנאן بى كى سىدى دىمىد، مىدورى nd. ex pro- Emminon. moun . ex ) 2 borno . ادفان mus of through with a vesser common esternon. John

سريد معرادها سب سه نصما • . स्रिश्<u>तिताम् मार्शः स्रि</u>श्णिमारा • . म्रे و بردم المجالم سعاق بردم مراواد بردم بالمحاقب بردم صدمه فه الهدم الهامس كد مسرد س بروم اعدم اعالم م سوله بسدم اسمهااسسد ، موسطرادرم والمس معط لطرسسط. معاسلاط. اسهرهط. الاستاكلات

سرلس ، بهدههد اس سهر دسهم ، بهدورخ رسم. سمسور ، ماه عاد عا معله اعمه علم اس معطرامة صلاهما الله جلاهما معدمالهمال ، مين مناهد درسي. سجمة. وادد بخلاف . مدملا المعلم مر معدما المعلم س مامهما ک دو امرون ايدون سرد ( هم ، سمرد د به في مسه دسدس فيه ، مسم . و شددسوس في سرد ( به مسم المرد المرد به مسم المرد سر بادرهان ماله بادرهان عالم فالمراهد بادرهان سعالا سام الله الله الله الله الله الله الله سام الله الله بهدرسع بهسطاسسه بعد سرسرسيع . م ١١٠٥ اله معطامها ها ادمه ومعالمه و )اسد المسكادادد الا عاد ، مسوكودسيس الرق ما بدسها داه ع مختت دد بېتن

عطد (ديريع و ماسعى و و كورد) معلم عاد ورد Jano . Wypro. johnsmen on hanon . London مهمدا الم سعم المعمد الم الم الم عمع سام مطروم ممارهم رودا بحد اعماعمه 9. 7) m. m. 66 66 m. 100 A

1.

سلمه علىمهم الم المريم الم الملك علمه المهام سفت این برت به دیرت به نام اوار واموو کد ساو سطان اور ماده میر سطان اور میرود میرود میرود میرود میرود میرود می برد بہ آن سے چن صاحب راد ردوج ، صالهما معملا عملا مهمماه علااق مهم مراد اليدون يون اولت كويد أرتس ب निक्ति। क कारल्यामा असे का तिवान उत्त विवान اول ان اول. اله معادر وال معادر اله معادد معادد الهم الها يه ويكر ان ديكر به سديكر آن سديكر ان به عد الموالع المن المناهم المهام المال عد معطوم المال الم ارت بران سرکر بر دو یه ان دیگر ته برمدن ارتش اها ا كد تصود والله سي الله المداها المام الما الما كد یہ ان دیکر ہر سے یہ برمین ہر سد رسون اف به آن جهادی ز سعم المعمد المع اسم ادمه رامه سه ۱۱۹ کد اعدهم سمهاه اعدامه وبس زياده بيت سينے ۽ ان برکرد بيت سمسمع ، مماره ما او است همدودامه إملا والملك بسام

ام ال المحدود الما المحدود المعدود الما المحدود المحدود الما المحدود المحدود الما ا ک : برمون من الد المحدود الما المحد المحد المحدود المحدو ارض یاک بعد این بر برمون علما معمد اله ساهم معمد الله ساهم المعمد المعمد المهمة ب رسم این مسو المعامة والما والحم والحم والمعال کودن از طرف رات سعط عدا ما جد ساق عداري الس معمودانسان ساه الس سرسدساس اله ، على على على م الله ما م الما ما الله ما الله ما الله م علمه مهمانه است مهاام و الماليم معالم ممالهم المهم السليهد بردم فردم سهم صرابهم ودرادم بردهاي الهمام المعما صدارهم وسد صداره جامع كا مدر المارهم المعما رسد المحدوليا داد أور او معمر بد الجمادام المح الحصائم المعما لجامع ما الما مته ح صرااتها ماده لد يه لد لربه ، لامها ماهم ساعام

سيد سيم لد اوددواادم المعم لمد اودمام سكد اودماام برمین کر زاکشت به کشتن سطم فاصم عاسر سته صلااصلا المعلا صلااهم سعماد سعماد نفي وادن ك طرمم عد اهدس سطم ها فدار وسر اعرام ها مواها ادما ميك بهت كر نه په كار زور ايستيد سرس مستم سعم ساف ساف ودم سعم ساس ١١٥ وه ت مار نیز نیت کی ہم یہ کار الكرامم دوالماريم سرت بسحم الال المستدرس كسوهك ت بر مولفد جوان ستحصاره ، من من من المناح والمعالى المناهم المناهم المناهمة المناه حوان كورفند اوكندن از ظرف معدد مع المعاد مع المعاد معلم المحمول المعاد المعا ار ظرف رات زور اوکندن ک لسرسك اسما معل والما الم عام محتصال الراط معاسم كردن سر النون او زور اوكندن بر او آتش ع به معرام المرسم ملمها اما المعنى المري المري المري عمم عم سطوم المروس مي مما المعلم الما الله الله الله الله الله کندید بین زخم برید ارش او اول ازش عدی مادی ماده او اول اول ماده اول اول کد ماده کد یای بش ہر دو ج بر باز نمادن آن ارتی آن

مسر عدم مدما المادمان المادم المراهم المع الما المادها أرض ايوياكين اين يع صحفاصا مهد وهد مر عدم المعالمة المعاسد - Man hand to - mh the ere mh - monthorn المواع ال المحمد المحمد المالمالمال المحمد ا اله المس سردا معمل على كد ملاسة المحملة و مكسى بهم في معلى من ما ما من الما من ال کسد. سعود دادد کی سراس اسس موس به مون است به موند این است موند این اس فالمن المعلق ماله المحالة المحالة المالة المالة المالة المالة ورا ادمار الماما ساعام مسمع اعدم اسمر ادمه المحمد الو بمت تايد پش ديس زمايده کم سعد رامه ماهم مدولادا مددو مه المعدد المدر المدر كد فسادادها سلما كد ماسو ساس مقسما فراعدما ا ساس ولهما - رفع في سرس سرك نه و سرسس سيكهماسد ، معماسر معراس ما دسارس وامام ما دسما ميم کارد اندر دادن

اوسلط عا سرد سهم ها وامام له ها وامام صب لس و کارد از بند کر یہ نے ب سردوم لند مسعم عسس سردم سرد ما دم سعم سم ت ما میمار بوید این تاید ک المت ماه ما المعراد ما المعادم ما المعام ما المعام ما المعام عمالة نه نرخم بوید دین شاید صراديم سحد صديم سهم اله وامام معمري الله لله صدائم سحت مسعم سرد اسردمرس مسعم العمر الم سعمراناها تا يد بند كنيد أله المردن ووطائط سرم مصدما عكما كمه مصادما سامكاالحط مه مستمط ملك ما اله المال والمالي على مالمة المست ومعلااما now more moment when be held better me may ت مد زیا این اندر کارین این پس الم المورد و المام المار راما مدم علا معماد المرابع سام کارد جدنر یشت بست که ایدون کوید این metal mad ming et borge beach med mul mulcal meal They's toping le prin tothe tother who will liver the این ست که پس عم سه اساده مسمع ، بحمد طومها که ماه مع لما العلم عدد ولم الهم عدم لمالما سال مم لهما العدم

سمسمع جاسر فاست معدس مدملاما مفالاتما معلادما ولم نفيد زود برج بش سند رسيد آيد بنی المجمداتها المهمة على فهدما و المحمد المالمهم المد المحمد المالمهم ک در طرف داست باک بازاى م و ساق مساهم موسا من المساور الموم عاد المحمد المال وه ینت من دیکر است که ایدون امر عها عبي سمسم الله إمريم المرا مارا عالم عاد عا ب سر پای اندرون بیم کر از وا ودورو سرا معتودين الله ما الما الما و مراو ساله الله به موناد طميم الر عدا مع فالمتعلقة بعلم المحافظة الم مساي طرف این نه یاک به بوید الما فالعمس سا ممافيما سمي لعلم ممافيم سلم ک کوئت و نہ پاک وساوره الما المحل عيدو الموراس سال علمه المحل ممارية استخوان به برمید و مغز کم به پاک امور اوا برباد مأادمه الم المحمد الم المحمد الما محمد الما محمد ب یک تنکی ب دیدن ک سميسوم المدما الما المعادة المادم ساهام المعا ربع الله نفيد بهت كر ايدون كويد بين بهت كر ديم ز واما دوا بهادما سال سسم ماس الهلم العلم الس كد ايس اين الله على باره باره المعدد الما الما المراس علما يا اصما دفايكا الما الممام برمین به دبین که کن بت ایسید ک او عا برسد امدم دواهراادم سمسمط مهماس عا المسلمد از دو به ابنی زناید کر او دز

المام دوایادادم سور مسدم شع ارشاعارس شا اخر نه تاید اندر در شکندی اندر او إس صراريم موس العد معاممه والسليع مع اسرايم دادن أرتى موير أتش بهراي الله كردن سعصد المستموم مسوم ماصم معمد يا رسامر مستعملاالملا ک کون بار آوردن اها سام صحفاصر معمد عدادالله اعمد رامه الم الم دانتن یفی کون از مردیم و مر روتن به کو ىيە "، ئا ئايد ر واج كس مستمر سرسو والد مرسو سالد مستمر سرسوند نه ناید خنگ بر جایر این ناید خنگی اعطاعمة سام علما الله تعمل علا معملا المالالعما سرس سهم م محت لس و الس مسمم اسرام ولهم و في لس مر سهسساند. و لوس مرو وويد و ليد نرک طرف دندان ن الا المام المام المام المام المام ما المام بوید کر امزر ز شاید یت سرق موسو فيرسد في سوم سدم سك مي موليد سيده سروق سيم العامل العامل العامل ومن الما الع او کردن که او پخت پاک بیختی این . In pour moin sport of she our workens my e su

المساح الم هنان أشلامه مهم المسح معرفه ما فادمه باز او دیکر کردن ارتش د سره اندر کردن سيد اله تعامل مراس العالما الع العمامية و سرس سام العلم انداز این که بلند أرض به بنجتن بیه پنجتن از المالع المرم والمترق ، الر الهاما المعالمة مام المعامده بخنن رندازه این کر بهت لماعا الر محمد أرهاما جاسرة الماما المعالمة المساه ساس كرديد زور بختن المداز اين عام ما معمام على الما ما الما ما الما عاد و سنيست اين سي رور بود سكما وس اهاسماا موايكا المعا ساه ادمه اهاسماا موايكا المعا ابستد إ زماده بختن ايستد سر اعرابه وماهدة عموام الحراك على عمامة والم یا او باک بخرکیے داسید المعل علا ماله علم الم عادم الله الماري مال الماريم مالم الماريم مور این تا د از بیم کونفند آمدد افتید ناید بهمارید ماراس ساس ماسو به ساهمامم سط می مدمم المعلم فد لو سمامه المعاملة الم سام مام المعلم این انور افتید کر دو چنر مرم رس محدودهم سمعهم ساعلم علمان ساس ن يد ہت ک کوبد این الماناس الا للحيش المهور الم ، - مال فرومال المانه ر كُ يو كُول لِس وبيسم وقد وكث وهيم مهمون ودودا

١.

سى س اسان الد مس سهم ولوس لسل لامم الد رونش کر مالواسة اصماهام المرابع المام این بار توارتر بر عمامه ارسه عمه مهم اه ا بحد فسر مامه اعتمله مسحما ماريهماد اعتمله مسحما اعاد بمادا اعلال وروه عمور المهر المهر الممرية الممرية المر المهم المهر ورث سط تهما المال المال المال الماليم و وورد medemons eggs omersem. Edmo ٠ سط ١١١مم يس بردن يون निवार नावाव वेकतन वान मान्य سلمه الله به مجالها الها فرواله ومدا اعتماد الها ہم کشتن صديم محمد المعل معل المعلم المحمد والمعلم سلم المحمد بردن کند زرش ادستا ب عمد مارس مهم مح فهد هدمه مممد مما المالعاف كفتن أدنش من برمم بن ستيدن عد بعوب عدال عد بدها صوحه عد العالم عد العام عد

سه کامر اس مساامه بهم که كرادما الهمام مراساتم الهمام فكرس نهاد كد فروسها الم عدا محمدا العداري سام MAH enie en zug سهر سرمويد بطاودها ما الهدومان الممالية . المعاملة عنه سلم اله تصادا المالية این توایش کون اول Een . 1161 hother telet . - Extene. egsonn . 1161 يا كرديدن : Interesting o use holhborn oil . The the former أوردن م م مسملمها مد ومعمل المم المهم الماله ما و وملا الرر آوردن به آن سالتی کر نیک تر نومتی ع، سكاده على صلح العلام المعاملات الله الحال طاهمانا ان ي خرردن اين ي تانين سرها صحيحا سيس سراحم صحاصر ماهم دانتن بيم چهد أنكنت دانتن أرت او مرهاما او مهاسمه جاسر اصعا عدادم برسر والممكم كردمدن تا انش زور خورمد ستعطالهم واحميها ودما فاحاله عممله مكما المه مكاملات رنت کرده سانه Any المعلقانط متصالحم طيمهم المس مم فاطله رامهم hallton byo . Externon honor of . Le mon سعدمالهما هراهاس ما المها المامية ما ما مام المام المامام Athrandies . 1161 mon horston to be a settleman فرود کدائش انس به بمت

• الس مم فالما ال كد سرف الموسد مع والمدردوع. ت آن حمار یون سمع على معلى من الح سدمان اسم المعالم المعم معلى معلى معلى معلى المعلى ا او داشتن افا وامو بهماس فطرم بعدوادم ادعد الله العامادم زياده ب سويد مهاس ليد صديما المعم هرم ليد ماله المه دارتنی که فرود ز وروع مداوي سال ماده المعد مدود الله الماده ا الد ترابط سعم ١١٥ سعم١١١٠ عرار سرب سعم الد ولربد الدون كولا عمر الله مصادما الها مدمل شمارس المعم الماسما عمد عمد المواد المواد المعلم ا والد عاماع عامل وماهم اله محراصا اله الماع ورا عها مله موطر يع مصم علمام ماده و المعاد الما الم مادهاد محاورها كالمح وسلاما ومعمالها ال مكارمه كالمح المجا المالم الم الله الله المالم الماليم به ما هما مسمع كسما في المالم المالم مل ما المال مالم كم نايد "جالتے " ال دو بر يك

المر المالمة على مل اله دور المحمد ممدم على المه المم از بوی رون بش شاید از بوی کر tory torn men stir im a ette toth torilkide enien ا من است المال والماسيد والماااص المعر عاد المال مالما مالما اله سما العرب العرب المناصر ما المناصل المنافع من المنافع المن راغان أرش ادمنا ا علمه معد معلا فرص المعل علاما المهمة وطر الم محاساتما خرددن بازای درون او پشتن استماها الله ما المام المام المام المام المراس إلى مهاادم ہت ہ A. In. mar. gharma. was non Zalar. mon (23. mon cheld A. Greede. (مرسم. ) اس مد ما دماد ر مرس المربع الم على معطيما عاد مصعد بالعرابي ، سيم مادردا مادر هادر هاي سر مهمه الهمة الهمة مهم والعرب المادمادياد ببونده بش ايدون

Vasnendrong-neral. Annegenele. (noco. 1269.) جد اعدما الر عاملا بسل محمد عدم عدم المرة عدم المرة بند چن چار ا كسدس ، باسددسم. اسه سرهس سرهسم سددس بال مرد المرام ، والمرام ، والمرام ، والمرام ، والمرام ، かりきないとうしてのあるとのであるのう المالما سيم المالما عر ياد المالما سيم الما و وسعرانسوس كد مود اله رس سه ادم اله ادر و اسرد سسم اسرد بدد بدد د سره مرسم عيد ، سردسم الم سرد سي

سامام به مهم الوالمام عدا المعدد عد مداله بیکناه آن که فریزار کر اندازه فرانی المناهم الله الله المنافعة المنافعة المنابعة المنابعة اعتماسة عدة معمار ماس ماديمها باسر السا عا سه دادستان تنت - زور بران از این مدمة اعتمامة المنعامة سأس طحمه عاسر الهر الهر الم नतीमा कराम स्था कामार वेमायन दाकारा मिर्टि مسراادم الله الركام الله المع عمه سمعها له سرند نه ادى ددمون ، سرند ، فارده د دمون ، Inch in the Inhihmh ismagn le ب طرف بر ج سامعتها الحا ساس مي اهامه المستعملي ملم مامه المامة المعاد المعادة المامة المامة المامة المامة मिन्नेश स्ट म्याश भागाम कात केटिंग नाम कार्कात اله المن المن المن المن المن المن عمامة

الر سريد لها ادمر عديد ا سرده الله بديد لها ادويد دموريد مسريم الله و ١٩٤٠ والم وكل وكل الما الما الم Imamehen I Imarine my om zidene mm blem mate som the mand stem سراسوس هماهم هاد ملا سرسرس محدد علاد معمالا علااق سله ملا ها ها هماهم ام ساد أسوسا هار ااما عممهم على المعلم المعلم على على المعلما المعلم المامهم المعلم المعل المحادي المن المصادم بياس محمدها بياما المال محرف به الهابي المادم المعادم الما المال معمامات كد صااامم المعما سع معمادهم في كد مان المعم كان بح على بالمر المرسم الله معمدالمه المعدمها اموسد كد مسراامم سهم اط موايدرامم في كد مهاث

معمر عاد محمد المسا معمدالما محمد عاد معمدا المادار ہت کر ایوون کوید روبي سله ملکمه معمامات جد مماداتما علما مكا سر وبيك الس آن بوید کر اندر سے کام ب بروسطم . سی سی معدموسد کد میردادم سهم हाउन क्ष्मिकार) मार्कातन्त्रका . क्याक्कि III नाम्प्रि -niho i en erm sens a maskintal ekhnim لعممه لو لمعمم الحل الح ، والمو ، كالم م ها ا مصوا و میش و بزه پین شاید عا مه معدما معامل ما معمد المعام معمد المام المعامل محمد الماسم المعامل المعام زر اوسًا على مرتور كفت بهت المنج المنت الماما ساهام بع ساس ساهام بع ساس ساهام على ساس ساسا بعد ماساس الماما بعد الما ہت آندر این ہزار آن دستور نے سے المراه المالا الما الما الما الما المالم الم ج بت ایست ایس در این جای ظاهرکمنید ele electre. Breenns. Incemos neers ree montes afterennon م وروع المحم المحمد الم دہ کفت میں کرف کے کی میدن جمن تار لمعالمها الم المله المعالما المالما المعالم ما المالعم دانند فردز ناید کردن نفید که کنید

سويد رايد سودهاد المرابع بعوب بالمودم به المال رنتن سعمت بادروان بالملا ، سمعه وجورهد س ورسردسراس امر ، عهر سب سمرم ، معدسمسمامرمعدسر دردامد ، عمر شده ، ماسددس معدمه المحدمة والمعاملة الله ولال الله الله المالادم و بالمحاصد بيسم به و مساريد وساد مساوي الد ، علما مه معمامة است عدادم دمرا وع اسدادم سيسدم عمر وع عداني ادعد المادادمة سعد ما المعلى ما الو سالد ما الو اله ال المساها المعل طعلها وبها الست معاداتها مصمحما اصعافهم

عماسة عداكم مس مسمع بله امم بوالمانم بهماسه الم المحادث المحادث المحادث المحادث المحادث المحادث enter those more than more to the form الملا مسمع علما ما مهم مرساسه الهام مري سمعله هدمه الهام مهامعا أن ادشان

مع اور معراط با معدمادهم معدمامم (دماد. ه محل به ۱۱۹ به ج آن به آن العامية العلاقحعات محمص معامم اعتمامة صدادم ه ساسی ارسی سرس سدم راک واحددمرد صدی سرس الله العموس العار وامرو العار معموس والعاث ستعاث سلطال ومسدم الله والعجملاتها بكما الحال فسر العسما واددما ها بحسب الما سوي بم الما سوي المعسم المع المالهام، و مردورور ، كاستو سادو سادو سال والناس اله ا ، نهد دماد. و أال علما علمة المساح الرياسة المالما الله بحد ما عدا عدم مهما الم معادم الله عدم الله علم ما الله علم الله عادم ساسر راهم معدما 116 معمد الماري سام المعادموم الم ریختن ست ک ریدون کوید این موکا بای لمعاديه و ساليسم سرقو سوند لسلس صعورا فعم المع الما ال المرسعم إلما الماالم ، مددسه المرسع المرسع المرسع المرسع المرسعم الما المالية المرسعة المرسعة

على المراجعة و معمر عاد العرامة عرام عرام العرامة المالية معرودها و سامه مهسددسان مهسم عجاس همرواها و موراددسه و محمداد حد بطم مسلسد بطهام سدادما ابين سيد عي د يون كالمرك (سع مدد مرسيم د (سطمسوير. اخ Morn John . Monnete Embrin كد كاسر دينمانان به لمساب له به ماملونه سمادا سهدس سافاط صاحا سافاق ساهاق ساماطه سعط عدا नम त्रिक्ष क्राहम केमा जूर १८० क्रा निक्र क्रा سعما ، مراجده سلافه المدرد سعد (مدمه علاماع ومرسل

ر رخ کنید

سار است اعدمات معطاله معمد المستمسم لمسلاد sil intéradé dinxépré reil macgircontons ses mail مه ووماسه ما وجاسانها ساسه حدد مماددما سعه enterson tots orn tosum hon pron eur 15 montes پِ کفت بوید یفے زور اورت لم ود السروم والد عما دينهادم والد درسو سيه لعمم رانيد بر ج رويد بر Mond anoson 1161 A hombre m. The description این سے فرمان جابک یہ روشا کرارد عمر موردمانه اج الله المحادم المحادم المحادم المحادم المحادم رانيد أرض به أن بهم كذاريد mones for le se forme mande mande madent l'une ce donne ه عد موسطی جاستی مراسع ر مادم کد ممادم هم ما العلم سادة سعاسه الملك الله الم عدد العدم مسمعه مانه استوسا المحاسب ألم مسادة و ساله (بد سايكه، ماسع. المسكود د المعالم المع دادن بر i3.

m) of son in warmend - investmen . Investor o my one you مع فر استمائع. و علا به معماسه و ملاسي سرمائع. و علام به معماسة فرام جرن اله عدم مراامه اله مراامه الهم مراد ال اعد حد مرمو कि कि के भी। महिर्म שעררחלהסתי . הא الم سدس دهبوب برد نهمهرس 1.

هسمد ساسدم د ، سدد سهر سارسي ماس واسعدم سارسد دسم ا سعر للد عبه مترادما ساله يمامل مله مرساله متدوماهم مكاسانها سراع م ) م اله العددمد والمع ومعدد العرب المربع و ساعد क्रिया कि का विष्ण क्रिया कि مابس ساسده سيعم سرنددسيم. و العالم على معرانعا سرب كالم هدره ملع موساس معمولهمام ماه ماهام ملعام ملعا برت این ماسة مح جد ارسع مم سر مله عب محسوم موراماد

1.

الله أم معمرات عمه به مماده ومرافزا المامه معصمامة المراجع المد كالمالم مومد الله المرابم مومد ب برسم به گفتن الما المعمد المالمة المالمة المالمة محمد الما المهدة ع - جه هاد الما الما الما الما على - جه هاد الما على - الما الما على - الما الما على الما الما على الما الما على سمامريخ باجماله دوم و عدم عمد مصادة الملك ها ، رسد عائوس و ماسو سأنه ساس كم ام س میکاریس عمل میاسی همامی و مددسدد معصوسو ، يادد ، نها ، مدردرد دسي. ، يع لوه ب الملك سر سلم معلى المسلو لسلس مسمانها عما المهم رُور بلند درستن جون کفت

( بر المرب ، عبى سار ، السد (د المجال)

فردسامه ، معرس ، وأسومها ، عنه مامه الحب ، ولواسط. و معل مام معاسد اسه المسد كرسكو وولس معاسد المعام وت زور ارتی ویس ورس زور بردن ارتی اد اط مین سی فهم سدد. م فعم دو سی الد کاسکو بسیم ایس سریکر به بر زور دانتن سوس نه ۱۱ م ساسته فهمسد و معطوم کر اسود معصامانسا مهم معرام مها باماد مساتمها او اعرق آوردن زرنس بس او درت زور دادن تا او Emp- Find Montenson-monnoment sing- mange men الهسرسدوسي كسد الرسم المراجع مساع كم الهدد (د. المه معسدد، ، سرس الاسر العلم سر منه ۱۹ وا معمد سرد الهاد ب تنش کفتن زرنن سرکام از طرف اند پر المعلم الملك الله محمدالمه والمساهم المساهم بمامه سكوروغين اسم - هددماد سموعه ورسادد سيم بهام عدد مصد بر اب لعلم عمله سمالجرا هاه سع عر اله لعلم هما عر المعسو بزدک آن برام کی به آن آب فراذ روی ایم کی همين بين ميم من مي الما من الما من الما من من منهم ہر این دو ہر آب دید

سيهسدوم برهما العدا المهرم وامرو و ماسرديد سعوا و سعم هذا سعمدا المادم ساس ساهام الهام الما المعم الدون كوم اين بت جد واملة ، مكسد مرسم في مسمد رسوم ، و مد ما مما محمد genon mu bostle bosonkan to donoson or اله المحمد من المحلادة من المحمد و المحمد ا مالين وسمكس معدان سلم عمم فاور ملعا مكم يالم محمدااهما سهد و اعصد دعمام سماسع من عدم دسته درسهمار رسعمار رسيع

والم بعويد ، مهدديد . معدد المعالق سعد (سعوب عدي م 12 الهام او کرد ساو مسوسا الم صعران الم الكران ، مسدسيسول سودل المعامد عمرا المعال المعال المعال الوس عمواد الله مطل ملا ما معادمه معادمه عد مامه الله 18 س ساد معد العصم سال والس معما معما 116 سعمدا العدادة سام ساعام سام است مصورهم ساله ل المام الا المسموم الما مع الما ما الله المام الم المناع الم الله إلى المناصر المعم الماسك كد 16 Juni 1406 114000 total toman mi ودومامل عل سعده من او الم الله والسام مستدمل عل

الهو لعلس اد ساس مدمول نعو م ليه والله ١١٨ سالم سالم الله والله ١١٨ مالمه سالم طف نب مركم طف جراع به مركم الله ما الله ما ما علا معملا الماري سأم ساهاما علا طاملات احمد رامع سنة بحد این بت کر روشنے زمادہ سِت مِنے آن عليم وطرا ليد وكراسانها المدهده الم المعدد المالها المالها يتن راسي كان ادراسا اليون كفتن ه ، الها الما من منها من منها منه منها منها الما منها المنها ال معمرا الكاران سلام المعمل على المعمرا الماري سلام الماري مت کر البون کولد این خور ب سهسس دوالها دم سديسا ، مهسدد سيسلط. - مه ا مارسا الم الع الما اعر سعامه الح ا سعامه لم تسريده فلما س مصمع ، اورا معامم سام ومعا سام وي سار اورا معام نہ خاید پر اتف این بنت پنت این درون او بہ اتف سم سعد له المالم ولا الله كان اله المهامم الله کر بنت نہ افدر کنید درون ابن حید یہ جرایع ہت علا سمال المالي مله محمد مل عاد المعمد المحل المحل كر الدون كومد ابن بنت ابن ورون مبد حراب وسعا مر اسان ممره و مرازع من ساهد مهم والماس المان الله و المادم المان ا

ماسخ روع دوماهد كسيري (سا وسامه ماده

مرسر سته جدم رفاف محمد طافرها الذي رفاف مافادما عمر کوسو که فواه سرود م فوسهرس عدا کوسه سعولسي معسرديد. عيمه يدديسواع - سطياط. ه ازديسان enteredul enteredad Alle de Alled me Alled me enmenth megany moment a telem min zon · of the state of the same of عمد واله الها لله وبالماتم المعالمة المع المع المع المعالم المعا ها معمور المعلم المعلمة والمعلم المعلم المعل

الع الله ما على المرسمة المرسم 5 1. 8 المامه المهمام الله المن عام المهمام المماهم ا نادستان بر کوتاران این سنخ كالما الما الما الما المالية من الما المالية من المالية المالي ها ۱ ها ۱ و سال ۱۱ و سام ۱۱ و سيسرماد ، ها معذالحم مالمسملم معمالاها مسعم مسرسة طاسطادة همامه المادها مدما عال مدمال المااج اد او کنید بست کر ایدون محوید مله معمدار معل المعلم المعلم مله على معمدما مع المعمدة المعمدة man odu e nomanerament mon mon عمامية مماسمة الع الله المها الم هما الم المماسة المعالمة یاد این افرین این از المامادية الما المولد المحالية الما المحاد المات الماسة این بند سندن از طرنه بیب سرمهاانه هم مرهاسهراس ادمه دور سامه دمهمه نهادن که اردافرورد بین ساختن سامد سهم سرمولوسر ها الله دمه دورا سر دمه س این کر اردافروبر به نه بنت درون این صفتن این والمعددم سرو سد سر سهدد سر سددم الد مرسو

م واحدماد دوسرا الله سرمهااامه هاا درا مهما كد ب درون آمان नातान कार्य कार्यानिय क्रियानिय के में का का العادم مدم ما مدماد عادي سام سامام مسعدسا اسعادما ام محمد الم المراهمة المحمد المراامه الله المراهمة المراهمة سرها المراكب المالي الم व्याण्य त्या हात क्रम त्याम म त्य بهدهاسع سرهدر دردوسر سيرسهد اسطى دريه سادهدايد

در در درسی د (سد د (مرد سیم د (سیمیر ېمودمزو سمع أسالملا الس المما 41 449

1.

معالا المرافع المناه الما المرافع الما الما المرافع المرافع الما المرافع المواقع المرافع ال

enting. retord nomer. Satisfaction for the سرد سرد و دوم موسد مهر اردیک سرد مصروب عمله رامنها عا مهمتماسه استعمر استرما دواهادادما mon honory imola mil o mathéons mosen o mon ه سساعه والواصور سر الله بالمما محمد اعمره اصطاعالمها سيسه هرورث سرب كد صروردم بهمونه كومد اين أن عا اسمس معراسه سه وس مماوادما دواها العاادم عم فاراير درون بيبج بيبج briton togh I male ton mithinion in 120 mon 110 العسو عم المعافلام مع سلم المعالم عم عومان خرر مع بام اصطفاط صراهام صالاه مراهام المراهام اصطفااط ا يماما صلاالطا المعمل الله المجملة علما إلى المحملة حراا اله المالم المرام المرام المالم المالم المالم المالمالم 

العالم محدى الما الم المحمد المعالمالم طام ١٤ مه معدموسو معدماسو مسملاً ١٤ كد ١١٥ ، ١٤ معدد الله مماوالط محمال مماالم ممال هم مؤاكلاامل مفيميل كد المه ماله المه ألم مامي منافيل المماميل سهد رسهمر. عدا المه بهم رسم درسماع س 4-etom 600) no - etomon exon-etomos - etomo

زیاده نزارهٔ

1.

در الدون من المدن من در الله ما من المدد من الم

و معامد رسد عدا الرعامها عد الهامة متصرفات مدهد سني اوت با راسي کم کفت البيد و الهااانعا بيون ن لم ديم الم المرابع علم المالا 

سه اهاد معلو هدومه ساس المرسامه معمه رساسر ہم بہ و دیدن اُدرش باز رسست العان مهدادمه معمد عا جام الهادمادمة معمد و اعهم دردد بيري. رُرِش از زود باج کرنتن درنس شراز اورور ه كد مدسة ماصلا سه ارمع كمامه المما مما مجاهامها مام کفتن نفیے برسم جبند کم نفر بنتن این المام عدم سعدروم و سيسع على ملطوح س فالسردس السامة فها مده محادما ، محدربهممر عدر مدم الهج ماسر المانهما وماها العلام الما المانها و المانهما المانهما المالم کنم زرش باج از زود فراز کرفتن باز ام معمدماسة وسعم ودايمادامه سميد دامد ارملة سامد · madd. effice. m · dans made. etem. الله ما مام معمومة والمادما سيد ااو ابع نصاب اسمانه سط ١١٤ كاما الله وليسم بن نو ناور فرار کرفتن بس me much made med the star among money محمد المحمد مسمر جداري معمد عدد المحدد المحدد المحدد المحدد بت از بش ب کوید بت او ایدون کوید بن بر

Allin grod nge mons . Men Sugelnsmere (c.B. né نه فنید مهم عبر المراكب مع المهم المع والمر المعلم كا الم عمري ماء مس سأسر ١١٩ ماماما مام ٠ مساحما . ورد سرسددسدمد. راسم دهمه سوسر سعمردسد مد رأند دمرس دوس عرس tembren her Gent homes and also charan . Tomore امِثْنَا نَيْرِ فُرَازَ ابِنَ سَرَابِي سَخِنَ نَيْرِ الْحَارِ الْسَمَنَةُ ه المسلمة الله من من المالي ، من المالي من المالي من المالية ا جواب این کموید الدون رد ایدون . From me Mang : watch non 3n . 1600 ) som - norte ganon . 160 الما ساداما الله سام المام المعادم المردسا الهم المعا المعا ہرم این خورید o hoekakami inter minde moder (me min min on one الدون أتروض maggive resser of montend in Jung (menter ole حد معاطسه معامله عدم الماسعة المصادم بالماسمة من معرسم المسموطيط سه مسه اسطي (سامد مراسماده و العدماد المعمد والمعمد و المعمد و ا

**لقفولله** چواپر

العديد بدار م مجمد (معادمة مستم والماع ومارمي) हिरक्ताना का के किए किए कि कि कि कि कि कि कि कि कि क निर्मात्र तथाता निर्मात्र निर्मात्र निर्मात्र निर्मात्र يك بردريد La Frankant Cholos morphones June 100 100 Granton Rahman Geng) اعمسواد والعسمد اللسف الله الله والمراسل والمرسك عبه ساس معطوا العا ه سسم، محدامه مريد کامم نها دهایمهد سحدامه مهمه رهم الهای 10 المدرو الما والما عد ، مع ما ما ما ما ما ما ما ما الما المرادم رما و عاده الماس الله و بهاوس سامع وساهم المعرفة و المع به ع وعان صاركيدوا الم من المناور بيمام المناور بيمار بيمار بيمار بيماري المناور والمناري . المناور المن در منه مله واله معمر مله مله مله آن بم بت م ستطال كاللي سام ماهرة الرياس ماهرهم الماس عالم الماس ا نان ساند وزكار

الماامعا بالمرامع ، ما من المرابع ، من المرامع ، من المرا آب آن بره أن بره مرون ورز كالحاددسيس سالم سالم سالم سالم الم معلمید کد معرفی بر نها وساس سامه مها سنه والد ۱۱۹ مرانی بر ک این کند انس یاده فراه مرزید کسومسرسدهدد کر به سمادی و به باما مدها مده مس mono mon mondeone montre . شا ند اله العصمة عمد اله العممة ال العممة الم ب یاند یا د تاید عممة المعاومة المعرف معماده و معماد المعرب ا دستدمادد كو الماسيد ، مسلما معانمه مهم ، دسم عومان دادع کاه رعس وكري سوس الجروب والمركم ولاسم سور ولا له He . Mondermon wond was montante . And marken to Ander to المع الما سمامارسر مساوم ، سماسرسددسهممهمان استناد برب

moderation mayben . . maken material 8315 وادنا في مراسات مصرفاه رشعاده و معامدها معدمهمه و மு விய கமிழ் விக்காவர்கள்

سوردرسي سعداسك شعر سوسردساسرور (سوركك المحمدي بحد صادما معمل بعد صادم ، كممهمار به بمارس من يالمهمار (merende Randemeren mondende realsons fragge) سدده د. و جرم سرس فسوب ادب مصطاداتم مص علم ماماسه برما رواه فطواده م به عصدي بك صمصالم الما ماماها فسم ، مسكور الله الماماه المام الماماه المام ال سدى ناسى د مىددىسى د ماد د سى د ماد د ماد د سى د ماد د ما

رسجهم مراه عدمال على الهاممال عمد عد عمال سعصراسك اادورا عداد عسرمد عداد مسما மு ஆ காகிற்றுக் வேற்ற tions simpone minolong بمورفرد ع دعال این

المعمم معرفة و ما المعرب المعرب و المعرب و المعرب معرف المعرب الم صحب معدمه همه سام المتماروط ، اهرساعها محمد o Loran Marchan (86) - Bourson Colors (86) Achan (86) Colors معمد ديما ماهم ممما اهاما حميم أرتبن ساهاما مهمدماسه مهسه ماس ماس اس به ساس ، سنس این عرم محمد المسلم المال مسمد عامالما مالممل المسل المسل سعم معدم سعدماسه الهدا المراك الد بالمال الد معد المراصط مهم فمر ملاه المد أممالهما معمد وسامح منها سمه المها عبع المع المها المه المها المه المها سماما ساهاما سالعه المحفاسما العما مها المحمد الرملق اهامه مسمالما مسمع ما فراز داريد Emmen - 262 marger & Skargan . Eknimulen ردغان اول يادران مردب

1.

بر بعد محدومه وهي وهي بعدون

، ارهاممهای علم رهامه ساس دمهاان اعر فسر ، مرد 9. rationez. of mation of more mation of sold marian ونه سود فرانس مع سود الله سار سود الريس to om ormomon 3 Jas. malistaz. ofm. and. matering. ofm. march. ofm. Acorpus montre de merendo entrado espar esparador en esta esta en entra entr طه دوساس اسعدماهامها وبالماسان الله المعام اله المعتماسة بُرِّتُن مَنِي بُرُسَنَ خُوب 1191 monton hoods o broderod when o so ادري به مه ماداس کا معدما مع و دوند. وكرسان عام ها الله وكرسان لمنه وكرسامه س مه ادىد لىد سالخماس اكراما ، كادىسده-ىددى ددىسدماسغ هساس اسه بدهس هسار سدم د م محد دو معمل ۱۱۹ ، وآ

1 .

entrond . Acol food nool 311 . Anter Anteron AS orecolling status (2)1 of states . (سهرسد اداعره رسيد اسلام الله و معرسد ساسايم ه ساسه کد سامه حده معاشمه مهاس . سم حد الهم المالم المراما مؤالما الم فررز رش سن خونس روبان خکند ایستید سهم الال سلمة مماسي الموقع ممالاها مخالالاتها واله عدامه معدا مرادمها الله الماري ماله الها

who warren all do mon the morningern कानि स्थि। य ।।न स्र कामामिर ।मान्नाकान ع. (ساس و سرسو كد وسدد راس وسوس سيد لس السمرات الح هددماد ادددسدماد مب المسمام

مؤهكاده بمجعلم والمعاط والمدهدمان المحماس المحماس المحماس المحماس مهددسها معامد و عما هار بسدو اله الهموميان mono one mondate fluit at nondi alla monom فرسترمند رویان از دوزن به نیر changitus chatus I chelen is itenis borno - nil pomo مدمر هذا معمدا الملااج سريه الله المعمدم فاله ال طارح المالمعمد الما عالم علم الما عمره الم الم المعدد المالم برتر یه قیمت د نمیک از یه دمین سرمس الله ما الله ما الله الله الله

مالم حس لول لعم هي سام عدمه -त्राकरमा अभिरम् मिल्य मिल्य निरम् e nector négleremanskar. سهسس سمار ها العصماوس سوس

و عمد العدم العدمما الله به معدان فدر اوسامه یون که او اوشان کم آن کار درمین الهسرة سيه وسك عا للهم إسهاد سيسها لمد إبد لمعهد معراكا از باي Interes de les les mmi e egres n الماسر ادميكاد المحدوان ما الله المحلك المحدمات المال اندر این والد مداسة مست مستماداتها مصميمها مقسامة مديد ما سا راسید نه شاید دیکر ایش افدا جداد سرمومم نه اله مسدردكي و مسماله على المادمود دانتن در در طرف سرد سام مرسو روم مرمادات سرف مسمم اصعاده العالم نار فرود عمادور ساله مدمار طوم سدما عاا مدمادا بحادادما مدماده جدتر شت بنت که آمدون کوید سيمورا معرود عسرود لله مسعم واحدم الو المسابق سل هاده باست مستما ، احتماده الله الله عداده باسا مسمع العلم الله العاد المعلم العاد ماممهام المام معاقاته بسم الما فعالم وسلك مدمر ماس مااا بهور برودم سعم اله المال محاليد معموس سرسراله

سالم ماهم عصمه عصمه الله الله الله علام مودرده الله ्रमेष्ट्रम-स्तानकारियक्ष्मेर्यात्रमानाम्य हासिकाकारिका कि किम्प्यारक मार् कार्क मर किक्नारक ها علمه ساسطم سدره مهوسم وعاس مهاادم هام ما ماس مسمع عمامه رواهاري الها سرط العرام سر سامم - -Hirrd now may sold man done or I norry मिक्त प्राप्त निक्र मिल्ल प्राप्त निक्र नि ساس بالمه اهرها ما مهملامه مهمس مرس م مهمال לכולב וענ בועו سمسعم ۱۹۱ بهمه احرشمس بهم عدامه واما कित्रिकि के क्रामिकि। त्रियेक कार्य क्षितिक क्षि के क्षिति। ملاقمه وهد انمااما دفاهادما دهاسامط ماس ماس مام مامهال ساسه ماس نهدوها مع صمادمه محمد فرهد م مع رعوما دانتن أراش كره دو الله الكيان The foleto The tostilk illoso ile toso tosonon

مهادة ساسة مسعم المجيد المهم فحر معمدا عمد الهدا ين باز فسرطة اسلاما سمسمط لماس اسم ااس كد ااسم اصمع ماسمس طحم هاا لو الم المحمدة الله الم المع المالم المعدد الم to عاد المعالم سعسنسان العاد العمال لمس سدماد بهماسره و مار الاستدهاما الماس merald. (noscolioper

And on al or med lette no a midalar of the made. م رز آن بدت عام قیمت آن mondiner (rasson in som comcede find ( find ( grow कित गी किता नतिक नतिकातिक व्यक्ति भी द्वार कर این انوازه نیت نه ستاید سوی از فايد عامك ساس مسمع فيرهم عا معدماسه هماسه این شاید دارین از اولتا ظاہر المهم علام المحمدة المحمدة المعادم ملا المحادث المحمد المحادث المحمد المحمدة ا دادسان بند المحد ما الحام مواهدان مصمحم محم عد المحمد الماني تن کرد ایستد زشاید، ببت که ایرمن کموید اها المحاملة عااد الله عا وام دواعا الحا ما سامعها سامة مامة مسمع المطاها الماهاي سرية مسمع مدما علا علم ولم والعرامم موه معدد مرسوس الله عنه لمعملات الله علم المعملات الله الله المعملات الله عنه المعملات الله المعملات المعملا مهدر الله المعدوا وما المعدم المهر الماله الماله الماله ب بزید د تن ید دستور گفت این سعمران عداد العاد واعام الماراتما سعد المعادد العدد المعدد الماردة الم

ها المحمد ملح ومدهم و المام واحدمه عدو والمحمدة عدو المال

س واقعماد ، سيس درها عد سيس مع و والرسيم لا سوروس ) الدون برتر سردط والسوسوس ، كد سهاه سعدمه وسرس وس • ۱۹۹ معدماسه احماسه المعاسمة مداما به وبرا المعار لامع ساس وم عامع لله محصورات الم محص مصرب بات هماها عر اله معسدوم الهم عوام ماسمه عاد سی سدده سهم سور واز هم دواله ۱۱دم کد در س ام مدمع اسرامم سرد لد مراهبرساس سدم كد بر امرسم سرس رام اماسم عراد سر المع داس سرك سرد مسم اله عا جد ما ما ا درسام مرسو ، سعط عدا معمدا درازر سوطاع بت که البددن عددادما الملك لالد سلور سالد مسمع الله على وه وهلات مارهم و محمال على محمال عادان ماس محم ان آر شید

سرسرس ماسة مسمع ا وس مرسه مسمع ١ مسو بدسم ا د مرسو مبسم ا هواس مرسو مسمم سرو مرسو ، وي سيه صو مرسو مسيم سر في موسرو مالمة وس عما مواكلاالم بسب ويلا ومد عما مواللاالم بر جراح مرسة وطرا هدم المرس و اسرس ماسه وطرا اله المرا الماهاله المها الماهاله المها ا سنم راه مواد مواد الله الله ما المعا ما المعادم المنس ا اول بر جم از این پنج زیاده سيسامه مول شاله السر بح عداهم علم الم يك يه ان مويد چه سام مسل المالم المالم المحالمة على ملك المحالمة

ام مسلمها مسلامه مسلمة مرا اد عرفها عوس ا ژی مرسو در بردهاد م اوس بسعه و د و دوارده " ار دردن کوکفنه وسنرده يشت ال سرو مرسو مسم سما الواس ماسو احدى العدم بیت یک ند کنت کاون و سینی داست ادر درسبود سنی 10- 19 mile alor marreal marines and gin 1 بماننت 1 Hosandhagan duto das das das un ۵۱ دوارده سمالت Amil enced minimeral more more mine جهار الكنت يش نير سعمر والمعلاالكم المهم المعلم سلم والمعلم more limas been wind min more more ما جا المصااالهما الله الم ادفنان الماماله المح علمهم وعد عادس الع الممالهما ساله اعدمال فاصال فاصال المحمد علا المحمد الله الماالجاف لعالما الما

عام الألاب على على المرادة من المرادة الهريسري من سريد ليد لرمرو كدم عراق سروري سردره المو كد احما عدم ساركه مار د د كالهدور سرده رفه سرم وسرمارد سرمرس الله طماعة بحق مكاس معرفيمما معدمار مارسة عاد راسها وام دواهراادم بواع المااصط مكم وهد فاط مؤالما المحاسب محمد المحمد ما العمامة ومدادم المحمد ا

اصمعا ماسرمام س اسمامها و الع عدس الهدد (د و ددرود معهد س अकारणी काल किक किका मानिरिक्त ।।क سلماسه عمى اصلك وبيه راماه م

ادتنان چول

المام الما الما المامالي . 16 मिलार गालिनेस्मा गालि Egrando bansonems. nhose

المست اوشال

درون علا الله مارح مه مهم مع المالادما وعمل الما الم دارس ه سمار سه مرسو كسعمم السر المهرام ها صمان مواسد ساعان علم ام ، فمر امادما م المعمد الع المحمد المحمد المعمد المعمد جرن الله بالد المس men elhops कुमान- अम्बरमातः अम्बरम् कुमान्य । निमन् द्वाराम् अम्बर्धार वर्षा भ • · ग्रिसिसा ग्रमिक्रि متماماهماله دوملم مصاد مسعد ماهم سالهم مام مته

السرسماح. وسرسدى وا م الله الله الله الله الله الله ين سفي عجا الله المادم دفاهما ادما سامه ساعاما الملم שלות שלה שירוה של האלי الله مااي و كمامة (معاد والمار المار المار الما امِن و امِن ب العام الله على العام العادة الله واطال لله المحلف الس الممالمة سام -منه هدو سام ولمه سمامه -ممالمه سعم الر عدم الد الر اور احسة الحلامة و محس اع معدماه المعدمات المام المام المام معدماه س اله سروس مع المن معمان سود من المار سالم ه درورسرشددسع واسوه وددسع . صدوسه دسه وسيد وسع و سيع سيده وسيع و درورسر شدد دسع . الدسع. من الله و الله الموسط و الله الموسط و الله الموسط و الله الله الموسط و الله و الموسط و الموسط و الله و الموسط و ال ما الماليم الما الما الما المالي إلى المر المالي المالي الماليم الكرام سام مع ويسميس عادار سمع عدا سمادا سام الم الماراث سوند الله بهم عو والد الله بيوند مولد الله المالية ال homon hollethal mynd He mhn 2114 liban He boan 

معرفرات عمل سادها الماما مهمه الها مهمد المال المستحدمه الم کارد بر نیمادن زونس به برتر العددوال ال سر ماسو ال العددماسو الس عبد المد علم ماد ماسة ماكم الم مال مالم مال مال ماله ماله المالم ا بن نار زیک بہ بوید رسی باج الماامه المعامد الم عدمة الم عدما المعالمة المعالمة كرفين كر دو سه "مار به دوست به برید دخش عمامه سر ماسة اله المحتماسة كلامها هام داب سر المالمة المراامط المن الله والمرسم المالمة المالمة و انس باج باز علم وديها ماصه مهم اله اعدده المد ممر كا كالم سر نخت ارتش برمین مرمسام براهم سلعام بهم اله المحدة الدما سمك مدم عجا سامعة عا مار أله طودما مؤالادادما معمادا مماادما دبيون بوبير عمدا الما عجا شائمة المالمة المالية الما المو ا نه باک الما على المالم من المالم من المالم ا ماده ادمه ادا سله مسكالمه سه همامه وبه مادام داشتن سفيے ز باک رماده به این

Hearn He Hoan barron Lyona on toth toutileld ایسید کر باج چانید ندتاید بهت کر ایدون هراات ساس بهم والد ماس و سيسع والعربيد. و سد کوید این کر بر طار انسی آوادیر عادادم سام مسحم محم عاد محمد عادن سام 14 ال کوید این تبد ببت که ایدون کوید این کر او myn borison in logid is her bornon borigion نه شاید می په محارد اندر کدارید د مستعم علما ها جاد فهرما الله متعدم منواالهما واطاعا صفوموما مؤاكادام علا عدم المطار معما ممسم نتکت ایستید کر تب د کادن است از نتاید المناق السافيم الم ممادم معدرة مماد ممادم عاد نه تايد ايومانيكان تايد كم عمر الهاالم عامع راع العلا عمه المالاتما الم جيد السيد جير اين مستما سمع عدا سمعدد علادار ساس شعم ام رسه سلهما شامیر بهت مر الیون مرمید این مر او نه اوفید both bostim mil hondenen dute m both teamin کی این آدر جراید سعمادا معاد معمد المعلم الله معمد المعلى الم صادمها مكم مدمة اصدوعا ما وها واها املااطاه فهر نشستن کر جایر نشست الدر درست یا

رامط سعدهمسد عا داس عام و سنسمم عا بد سامه اهماسه و بدى بهرود مواسد مواسيل به دري من كد الله وكورم موالهدا والم المحمد الا لحمد لحالله سما لحمد عمد عدد الموادم ي ہت کہ ایدون کور وداور به ادلت ان او دولت سعمرا الهابي بالمعمر ومعمال كديب لديد الهمايد لند بالالعم بين أن دو رخم اد او م بويد سمستما ديمام هاهماله ساس عمد مرسة اعطاها المااج این کر این کا کنید معطرة المرام المادم المعلمة المعلادة المعلادة المعلمة المعالمة الم رز بین مار المعمد الماسم معاصب المعمل مادامه و سعما نیایش دو او کابر بدید ست علا سعمادا كاداري سال دريس سعب العدم المحمد المحمد الم الدون كولد اين "، او كاه يش اد او مادادها معل المعمالة الما مالمه المعمل علا يہ جار ٿي ج ایش سرور ساس المصمم بعمد عدا المعمدان كمدا ال كالمحمد المصد اورور ہمہ وخشیدن ہت کے ایدون جون کا جسید اش مسم هدم مراي محمد الله المد المامية محمد الم او اندر آلد انس باج به گفتن اس باج سرسد اساسم مح ماه اله عدم مسامل ها مها رفتن أن عن يه عيد

ر لعلها اسطرمها رابع مهرا في المنا الله الله الله الله اله لمعشم علم الجع لمح حمامه المعمدم المادم که دو چید درون این شاید به काम्ने नक क्ष्म माख्यम भाका निर्म निरम् لعلم لند سعدم في بوريه اردم بها سي السرا بهماس یای نه بت چید برایشد زرش نزان او او مارسیام مدر او مارسیام مدر میرا مدر الم علم على أدامة مهدم المهام ما المام مام المام المام المام المامة ا

1.

والدهماع به نباسط واستعماد أق واستستعمد وسمامات ه المميد الله المالم المالم المال مام مام المال المرابع المرابع المالم ا Le toth helps holy in the bonno min follow اأوا سس معو اعتدفادما دفاهادادها سرس مسدما سهما ممافدمه

monimon le restrois comm m; رين ا والحسيهم لممهم بمالما ولهم العلم سسم سعم عدا سعماد عزار ساس رصع سدها العرب المساسم بهم المورع المعل المال المعلم المال المعلم المحلم المحلم المعلم المال المعلم المال المحلم المال المحلم المال المحلم المال المحلم سهاد اله مسرادمر بحدالمحد بعد المحق المعمر المال الماله المعد مواكلا محل الما المحتملة والمحلوم المحل ال ساب عبوم مسوااس سعم عدا سيمادا كاداري ساس ماماه بر فردد نعینے نیر کرائشان اليرول الم المستوارميل ميدالعله ويد ممتوادميل مريع معارج المامه معمل على مارس ميس القو معمد هداني 25 62 entend min ente dos zien mosten fort dittind المادم سم علا محمدا الجالي بد المالم ordined on lindical se what decea

مستم فاطرا ها في على شمعط علاهام احتم والله سدسرااسر هموب بع معران بهموس حكرسران هموب حماالم الم المصارحة إساامه عسماميدي بالهما سا

طروعم أن لهامم سعم كرس المحدور ادم أرب كلد ودلرامم عَنْهُمُ وَالْ سَالَ كُوالَ سَا فَالَا سَا فَكُوالِ اللَّهُ عَلَيْهُ اللَّهُ عَالَمُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ال المستعدر دس المستعدر دست المسد مسكيدم و روال العالم المال المعالم المعالم المواد ميد ١١٥ والدين و سالد لو مرسو سويد كردوم الوالم ١١١ دم و والية الد شعدمان بدرد. الم تعمام (معادمات و معمر أأند معماريم) سام ليد معرادم لوزنيد ساعام ١٩ العنموسية واعلى ليد عمم الملك على كد سلو المواط به يه ماهم مواها المع معماد ساله عال والد شراعم ساله الحر علم العدود دوالم اادم و والح سَلَح (سمر الله الله على الله على الله علم الله علم المعم

سعم الس به معواصر ساهرم كرا همأسمان نيد بعدودها دوالها ادمر بدوما ا مان والد ال الوا وسو فيهم المه أسم الم He dring ten hoteln - notes 10

عدا سرور اها دج المالمام دج المادم سه اله مالم ما ماله ماله على على العلا بير وويد الها كدمااادم ، بعديد، دي بدريد، ويداوير كاميراد عادم من عاد (فروع اسافر المستوليد بعاد مد سينومان

عظماد. (معاروريد و معا معرفه معار ١١٥ ما مع ماما احر الع. سهد سع معدسهم دوسرسم و الفرد سد bleh malejn, milham the س فا عد فرم حصورا د موسد بالهاسم سرد بن بسره معده اها ما ساب الرسيس م المرسيس الم سرمهردادم سوسرم لس سرمهدای ، کردسددسهدر س (سع. رويد وسي سدم د (معمر الأدمد - سعر سر در موثل مع سيم صاف لعم الجهد

به معامم العالمان بله بيد ما محمد علا مصحم سفيدم سي عنه بعدموال سراامم ما أقم سنعه المراكمة الم فيو ميه الما مس صراادم سعم سعمراا مطمااصم و اصدورودسه

۱۵

mondingres ondincered cents. ofner celle the some sur presents الماها بعد الماراه المعرب المارات الما المع يدعيم الهر يعدم سل ندم دوي و كد كديد سريد الم الم ادس المعمد اله المعمدوم الما كمممالة المعمالا Gilg ilbon demné ila bornen h

الس سيم للد سيس رسدي و ١٤ ارسراسر و دسدم ددسده الله المحمدة المحمدة المحمدة على المحمدة المحم از این ج سعطال ۱۱۹۹ ملاس مرافاط فاس مال سمع ۱۱۹ 10

المانسة علم معدموسه الله عراد الموس ere Imbrasem Imales ۱۵ ehle leh 116

المراعد المعارسات والعدم علم مراه الله ملكار س فال سواله اجرابس بهم محراص سد سسند سدد مردماد. و اهامه الها معر ارمنه الهاا 1+ أديها الملع سلاله اله صحالاتما عا واحتماد erson form. Jang. en Com Com John 10 الله في الله المن المنا العلم المناسب المناسب المناسب المناسبة سيم دكرسان ا سالد دورو سالد إسرادم الله الله الله الله الله الله

سائد رفاهم و باماح بسمة بهم الهرم دستهماد، دستهماد بله <u> ۱ سدم روند د د سدد اعه</u> ، د معاسر مهربع والمالية منه من عنو المعالم معاراتهم ، المعاالين مساميم أميانما هيو الع المهي عالم المربعة المربعة 10

Possin in 118 om mm montones mon illese يميدن درس مرادم و اد ما سجمه والمه والمها والمهام والم na. Interessor. noversonon. Percol - In (3. (va) ( P(c) عاد ادمراء سعم ها عمد معراص (مرساس ما مرساس والد واله برب سمورا م ما ما مه دومامه و المام المسددساسما دديد ع عسماع دادديه و الرب جد بيقم ما سيس دسوس سيدس ١١٦٥ سالد لسلب سيم به سيان في المال المال المال في المال في المال المال المالية المال ا برعادم الم الماله ما المال ما الماله العدم واسع والدوديد السم والأدسي

۵,

1.

10

سعماما له كد مسلما له كد معلمام المريب to 11th motion hi سؤلمس سلعام دام تحد فسر الها المنه موسعم كد مراهمرك الما المحافظات المعالم الما المحاسر

رهادوردس. مرسر دامره الم ۱۱۹ عمه معراصا mendincend in 3 for Jan some monding عمنوااصرا هاه معالم عادم المواام والموره ددسوم دردد سدوماس ، مرب كدم ساعام سهم دعا عدم سل سل درسانمها سه المعن وسراون المعن الم المالد العصيم المعلق المحاصلة

محملید که هم الهمها ۱۰ امهاوم الا سمامه و المهاوم المهمارها و المهاوم الهمارها و المهاوم المهمارها و المه

معام بدرجه اتمام این تن به نیز کمت مان مجروف الا کلام انقار ما فت بغرایش دستورها و الات ما بدرجه اتمام این تن بر مرفر منفور از خاندان والات ن ما بهار را مان مروز فیروز مرسم منفور از خاندان والات ن ما بهار را مان مروز فیروز ارد ماه دارد مجاه امرد جردار

Printed in Shiraz by Pahlavi University Press 1976

## Introduction

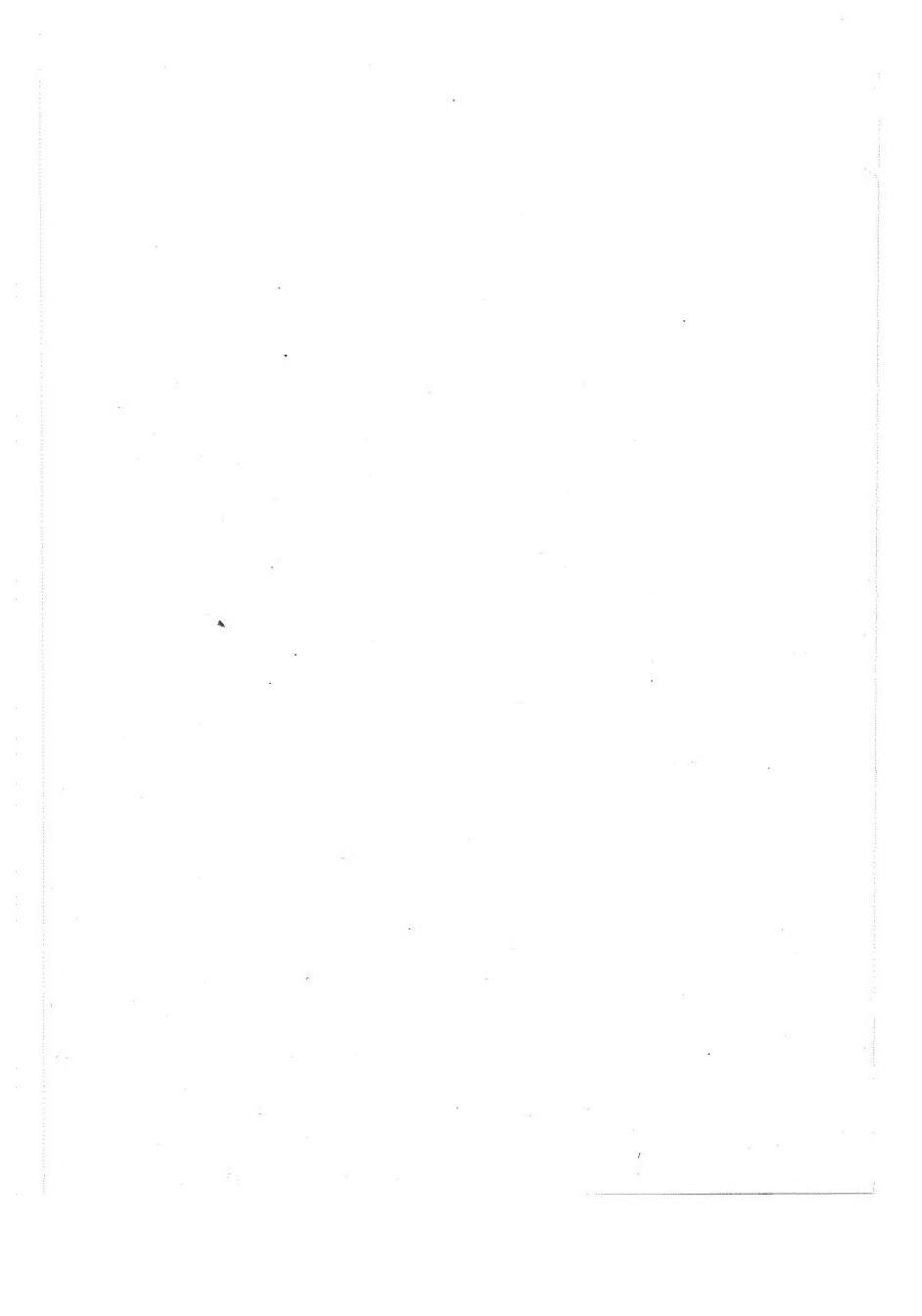
T 58 belongs to the First Dastur Meherji Rana Library, Navsari. The ms (38. 7×24.6 cms) contains 292 pages written 13 lines to the page on European paper bearing the watermark of «Charles & Thomas London 1868». The ms presented by Dr. Sir Jivanji J. Modi, gives the entire text of the Nirangistān with interlinear word for word Persian translation.

The colophon in Persian on p. 292 states that the ms was written on the day Ard (= Ashishwangh) month Spandarmad A. Y. 1240, by Dastur Rustomji Dastur Kaikobad Meherji Rana.

On the text see M. Boyce, Handbuch der Orientalistik, IV, ii, 1 (Iranistik), Leiden/Köln 1968, p. 34 n. 4 and p. 39. Cf. also Nirangistan, photozincographed facsimile edited with introduction by Darab P. Sanjana, Bombay 1894.

The Ms. has been described by B. N. Dhabhar, Descriptive catalogue of all Mss... Meherji Rana Library - Navsari, Bombay 1923, 129.

Kaikhusroo M. JamaspAsa



## The Pahlavi Codices and Iranian Researches

## Manuscript T 58

## Nirangestan

With word - by - word translation into Persian

Edited by:

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa

Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi



Published by the Asia Institute of Pahlavi University

Shiraz. 1976

